

ضمیمہ

۱۳



فصلنامہ ویرہ تقد کتاب، کتاب شناسی اطلاع رسانی در حوزہ متون

دورہ جدید سال پنجم، ضمیمہ شماره ۱۳، سال ۱۳۸۶

صوابنامہ

اغلاط چاپی مجدات ده گانه

تفسیر شریف

کشف الاسرار و عُدّة الأبرار

از

دکتر احمد مهدوی دامغانی

به اهتمام

دکتر سعید واعظ

فهرست

صفحه	عنوان
هفت	مقدمه
۱	جلد اوّل
۱۶	جلد دوّم
۲۷	جلد سوّم
۳۹	جلد چهارم
۴۷	جلد پنجم
۵۴	جلد ششم
۷۱	جلد هفتم
۸۲	جلد هشتم
۸۹	جلد نهم
۱۰۲	جلد دهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا نبي الرحمة محمد و آله الطاهرين و السلام
على سيد الأوصياء و الأولياء على أمير المؤمنين

بعد الحمد و الصلوة، از اواخر سال يک‌هزار و سيصد و شصت تا اواسط سال
يک‌هزار و سيصد و شصت و يک که اين فقير الزاماً مقيم «اوين» بود - و هم چنانکه
بارها گفته و نوشته‌ام -، بار دگر می‌گويم که من بنده آن اقامت الزامی را از الطاف و
نعم عظيم حق تعالی جلّ جلاله نسبت به خود می‌دانم، چراکه در آن «وادی خاموشان»
که هيچ امیدی به کسی جز پروردگار عالم نیست حالت روحانی خوشی داشتم و از
لحاظ نفسانی و جسمانی هم به قول حضرت خواجه شيراز در آن به دام افتادن تحمّل
بایسته را داشتم و با خوب و بد آن می‌ساختم و از غذای حلال و نماز اول وقت نیز
بهره‌مند بودم، و براستی، و خدا را شکر، که هيچگونه گله و اعتراض هم از آن «شرّ
قليل» که موجب «خير کثيری» شد از هيچکس و بر هيچکس ندارم زیرا آن حادثه منشأ
برکات بسیاری برایم گردید که از جمله‌ی آن فراهم آوردن همين رساله حاضر است.

باری در دوّمين ماه اقامتم در آن بند دو سه تن از دست‌اندرکاران نه چندان بلند
پایه‌ی آن مرکز، یا به صرافت و اختيار خود یا به اطاعت از اشارتی که بر اختبار اين
بنده از سوی مقامات عالی‌ه‌ی آنجا شده بود، از من بنده خواستند که درسی در فقه و
درسی در اصول برای آنان بگويم و متن پیشنهادی خود آنان در فقه بعضی از ابواب از
بخش احکام «تحریر الوسيله» مرحوم غفران مآب حضرت رهبر راحل انقلاب أطاب الله
ثراه، و در اصول ابوابی از «معالم الأصول» بود. اين بنده با خوشحالی خواهش آن

عزیزان را پذیرفتم زیرا اولاً با حرفه اصلی‌ام که بحمدالله همواره «معلّمی» بوده است و در آن زمان سی و چند سال بود که بدان اشتغال داشتم باز می‌پیوستم و دلخوش می‌گشتم و ثانیاً چون محلّ این تدریس را در محوطه‌ای خارج از بند معین کرده بودند، این معنی موجب می‌شد که ساعتی از محفل آن افسرده دلان افسرده جدا شوم و به تعبیری از آن «خانقاه» به «مدرسه» بیایم، و به هر صورت آن درس‌ها شروع شد و مدّتی ادامه یافت و سپس چون ظاهراً منظور از «اختبار» این حقیر حاصل شده بود دیگر برای آن محصلان مجال «اختیاری» نماند و پس از دو سه ماه آن تدریس تعطیل شد.

در خلال آن ایّام روزی به یکی از محصلان که به گمانم بر سیرت طلباب علوم دینی بود گرچه بر صورت آنان نبود گفتم آیا ممکن است «کتابی» -هرچه باشد- برای من بنده فراهم آورید که لااقل از نعمت مطالعه محروم نمانم؟ دو سه روز بعد آن جوان عزیز جلد سوّم تفسیر شریف نازنین «کشف الأسرار» به عاریت یا به امانت برایم آورد و خُداش خیر دهد. فقیر سالها بود که با آن تفسیر جلیل القدر، به تعبیر این ایّام، پیوندی ناگسستنی داشتم و کرّاراً بعضی از قسمتهای آن را در دوره‌های فوق لیسانس و دکتری تدریس می‌کردم، و همیشه از وجود اغلاط مطبعی فراوانی که بسیاری از آنها مایه تغییر معنی، و یا بد فهمی خواننده می‌شد، رنج می‌بردم و غم می‌خوردم، دسترسی به آن کتاب مستطاب را در آنجا فوزی عظیم شمردم و قصد کردم که وسیله‌ای برای «نوشتن» بیابم تا اغلاط چاپی آن مجلّد را در حاشیه صفحات مربوطه یادداشت کنم و از اینرو روز بعد از همان طلبه؟ دانشجوی نجیب خواهش کردم که اگر ممکن است «مدادی» هم برایم «دست و پا کند» طلبه مؤمن به نشانه اینکه انجام این تقاضایم به

آسانی آوردن «کتاب» نیست سری تکان داد و قولکی داد و بحمدالله دو سه روز بعد یک مدادی که ته آن مداد پاک کن هم داشت و ظاهراً مقداری از آبرو و نفوذ خود را برای تهیه و ایصال آن به حقیر مایه گذاشته بود به من داد - و باز هم خداهش خیر دهاد - و این بنده توانست به مدد آن مداد صورت درست آن اغلاط را به نرمی و به نحوی که بتوان با مداد پاک کن آن را محو کرد بنویسد. قریب دو هفته‌ای مطالعه آن کتاب عزیز و نگارش صورتی که به نظر قاصرم برای آن اغلاط درست می‌آمد و قسم را مشغول و سرم را گرم کرد و خوش‌بختانه آن جوان دانشجو هم دیگر نه به سراغ من آمد و نه کسی مطالبه استرداد کتاب را کرد و من بنده توفیق بازخوانی آن کتاب عزیز را بدفعات از اول تا آخر یافتم.

دو سه هفته پیش از مرخصی و رهائی‌ام از «اوین» به امر حضرت آیه الله محمدی گیلانی دامت برکاته، چند ورق کاغذ برای تحریر دفاعیه‌ام در اختیارم گذاشته شد و من بنده با صرفه‌جویی در آن اوراق، توانست تصحیحات نوشته شده بر صفحات آن مجلد را با ذکر شماره صفحه و سطر بر آن سه چهار ورقی که داشتم نقل کنم و حاشیه صفحات را با مداد پاک کن پاک کنم و هنگام رهائی کتاب را به مسئولان مسترد سازم.

پس از آنکه به ناچار به غربت غریبه‌ای که اینک در آنم - و بحمدالله عیبی هم ندارد - تن در دادم، همسر شریف و دانشورم دکتر تاجماه آصفی شیرازی که خداهش به سلامت و موفقیت بداراد، در مراجعت از اولین سفر تابستانی خود به ایران، از جمله کتابهایی که برایم آورد یکی هم دوره تفسیر کشف الأسرار که همان اوراق اصلاحی کذائی را در لای جلد سوم آن گذارده بودم بود (و این تفسیر شریف را خود این بنده

به مناسبت آنکه در یکی از جلسات تدریس در دوره دکتری ادبیات فارسی در سال ۱۳۶۲ سؤالی را که برای دانشجویان عزیز شریف آن ایام - که تاجماه خانم هم در جزو آنان بود- و اینک همگی شان بحمدالله تعالی از اساتید فاضل و نامدار دانشگاه‌های ایران و یا خارج از کشورند - و آدم الله تعالی إفاضاتهم - طرح کرده بودم، و تاجماه جواب سریع و صحیح را پیش از دیگران داده بود فی المجلس به او جایزه داده بودم) پس از درک حظّ اولیه‌ای که از دیدن بیست سی جلد از باز مانده کتابهایم بردم، از اولین کارهایم یکی این شد که بر نُه مجلد دیگر کشف الأسرار نیز تصویباتی را که به نظرم می‌رسید در حواشی صفحات بنگارم.

در سال یکهزار و سیصد و شصت و نُه که برای شرکت در مراسم تجلیل از حضرت فردوسی قدس الله روحه القدوسی به ایران آمدم به مناسبتی دوستان عزیز ادیب فاضلم جنابان دکتر سید علیمحمد سجادی و دکتر سعید واعظ آدم الله تعالی عزهما و اذیمت افاضاتهما بر این مطلب واقف شدند و آقای دکتر واعظ اصرار کردند که آن صوابنامه را برای ایشان بفرستم تا آن را به زیور طبع بیارایند و من بنده با آنکه خواسته ایشان را پذیرفتم ولی پس از بازگشت به امریکا اشتغالات تدریسی و تحریری و گرفتاری‌های مختلف و ابتلای به بیماری‌های متعدد و متوالی، مانع از بازنویسی آن تصحیحات شد و مطلب در بوته اجمال باقی ماند. اخیراً جناب استاد دکتر واعظ که خود در ضمن خدمات و تحقیقات ادبی‌شان اهتمامی نیز به تخریج ابیات عربی کشف الأسرار فرموده و رساله‌ای در آن باره نگاشته‌اند، خواسته قدیم خود را به یادم آوردند و مصرّاً ایفاء وعده‌ای که در طهران داده بودم مطالبه کردند. لذا بر خود فرض شمردم که در این آخر عمری این خدمت ناقابل را به انجام برسانم و طبع و نشر آن را به عهده ذوق و همت ایشان واگذارم و بعون الله و منه توفیق یافتم که آن تصویبات

مندرجه برحواشی مجلّات نه گانه و اوراق اشاره شده در مورد جلد سوم را منظمّاً و مرتّباً بازنویسی کنم و خدمت آقای دکتر واعظ بفرستم و ایشان نیز با محبت و مودّتی که به مخلص دارند قبول زحمت کرده و علاوه بر آنکه این «صوابنامه» را آن چنان که شما خوانندگان عزیز ملاحظه می فرمائید به بهترین وجهی فراهم آورده اند، گاه گاه نیز افادات خود را در مورد بعضی از ابیات عربی در پاورقی صفحه مربوطه ثبت کرده اند امیدوارم و دعا می کنم که خداوند مَنَّانِ صاحبِ قرآن به لطف عظیم و کرم عمیم خود که:

«يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ»

وصفی از آنست این خدمتِ یسیرِ حقیر را از این فقیر سر تا پا تقصیر و از آقای دکتر سعید واعظ دامت سعادت به پذیرد و آن را ذخیره آخرت بنده و ایشان قرار دهد و نیز آن مرد شریف و استاد محترمی که: «در لباس دولت کار اهل فقر» می کرد، یعنی مرحوم علی اصغر حکمت رحمة الله علیه را که طبع و نشر تفسیر نازنین کشف الأسرار گل سر سید خدمات اوست پیامرزا، و والدین این حقیر و آن سیدة جلیله پرهیزکار که قرآن مجید حمید را در سنین چهار پنج سالگی ام به من بنده آموخت به مزید غفران مخصوص فرماید، و ما ذلک علی الله بعزیز و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و صلّی الله علی سیدنا محمد و آله الطّاهرین.

احمد مهدوی دامغانی

روز مبعث مبارک رسول اکرم (ص)

۱۴۲۷

برابر ۳۱/مرداد/۱۳۸۵

فیلا دلفیا - امریکا

«هُوَ»

جلد اول

ص	س	فادرست	درست
۱	۲	أَفْتَحَ	أَفْتَحَ
۱	۷	يُحْصَلُ غَرَضٌ	يَا يُحْصَلُ غَرَضٌ
۱	۱۲	ان يكون اسماً	أن يكون اسماً
۴	۱۱	رأيت	رایت
۴	شماره ۲ پورقی	دُحِيت .. الخ	دُحِيت (دحا يَدْحُو دَحُوا) برای زمین دحا ناقص واوی است
۵	پاورقی	-	زاید و توضیح بی وجهی است
۹	۱۶	السابعه	السابعه
۱۰	۱	احباً	أحباً
۱۰	۱	المدحة	المدحة
۱۰	۱۲	مَعْرِفٍ	مَعْرِفٍ
۱۵	۲۱	اذعنت	إذ «عَنْتِ» (آیه ۱۱۱ سوره طه)
۱۹	۱۲	تحرفوا	تُحَرِّفُوا
۲۰	۲	بشناخت	به شناخت
۲۰	۵	بالَّذين	بِالَّذين
۲۰	۱۶	لا تَعُوْجُوا	شاید: لا تَعُوْجُوا (ثلاثي) / جرير: تَمْرُونِ الدِّيارِ و لم تَعُوْجُوا
۲۴	۱	هذه اللت	هذه اللت نابغة ذبياني: «عُوْجُوا فَحَيُّوا لِنَعْمِ دِمْنَةِ الدَّارِ» هذه التي

ص	س	فادرست	درست
۲۶	۲	شرجیل	شَرْحِیل
۳۰	۶	كحل	كَحْلٌ
۳۴	۸	منزی	ظ: مُبْرَى
۳۶	۳	قصورنا	قُصُودَنَا
۳۶	۴	و حل	وَ حُلٌّ
۳۸	۱۲	إلا رداء	إِلَّا رِدَاءٌ
۴۰	۵	حتی أخبرک	حَتَّىٰ أَخْبَرَكَ
۴۰	۱۰	ما بین عجیباً و غریباً... عجیباً	ما بَیْنَ عَجِیبًا وَ غَرِیبًا (هر دو عَلم است و بدون تنوین) عجیباً (رک ص ۹ س ۱۶)
۴۵	۷	عز وجل	عَزَّ وَجَلَّ
۴۶	۱۷	بظنین	بِظَنِّینَ
۴۷	۳	فأمنت	فَأَمَنْتُ
۴۹	۱۵	یا رزاق	يَا رَازِقَ النَّعَابِ فِي عَشَّةٍ / وَ جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ المهيض (بیت شعر است) ^۱ هم «ب» و هم «م» دو اعراب دارد.
۴۹	۱۹	النَّعَاب... الخ	يُلْقِمُهُ (باب افعال) تَشَقَّقَتْ
۴۹	پاورقی	انشققت	بِمَحْوٍ
۵۳	۱۰	يَمْحُو	أَسْخَطُ عَلِيَّ يَا أَسْخَطُ عَلِيَّ
۵۷	۷	أَسْخَطَ عَلِيَّ	فَتَأَمَّلْتُ
۵۸	۱۷	فأملت	النَّاسِ
۵۹	۶	النَّاسِ	وَقُرَّ (آیه ۵ فصلت)
۶۳	۲۱	وقراً	بَعِيدٍ
۶۳	۲۲	بعبد	

(^۱) شرح مقامات الحریری جلد ۲ ص ۱۲۳، المقامة البغدادية.

ص	س	فادرست	درست
۶۹	۱	بالمعصيته	بالمُعْصِيَةِ
۶۹	۱۹	من أذى	من أذى
۷۱	۱۶	و الكذب	ظاهراً كلمه‌ای یا جمله‌ای افتاده (مثلاً فَأَتَهُ يَا لَأَنَّ الكذبَ يَا فَالْكَذِبُ)
۷۲	۱	حرم	حَرَمٌ
۷۷	۱۸	مغبراً	مُغْبِرًا
۸۰	۲	انت	أَنْتِ
۸۰	۱۴	إلى	أَلَيْ؟
۸۴	۲۲	جرز السباع بنشئه يقصم	جَزَرَ السَّبَاعَ يَنْشِئُهُ يَقْصِمُنْ (شعر عنتره بن شداد)
۸۸	۱۱	سحابة	سَحَابَةٌ
۸۹	۵	ورده... السلسبيل	وَرَدَةٌ... السَّلْسَلِ (شعر حسان در مدح اولادجفنه)
۸۹	۱۴	ادخاره	ادْخَارَهُ
۹۷	۱۶	تبوء الدار	تَبَوَّأَ الدَّارَ
۱۰۰	۶	حزنة	حَزْنَةٌ
۱۰۱	۱۶	علامت استفهام بعد از بطن وج زاید است	و وَجَّ اسْمٌ وَادٍ بِالطَّائِفِ (قاموس)
۱۰۹	۲۱	آتينا	أَوْتِينَا
۱۱۲	۱۰	لازم	اللَّازِمُ
۱۲۰	۹	الرطبه	الرُّطْبَةُ
۱۲۳	۱۸	رفعه الله	رَفَعَهُ اللهُ «
۱۲۳	۱۸	يُدبِّرُ الامر	«يُدبِّرُ الأَمْرَ
۱۲۳	۱۸	بغرج	يَعْرُجُ

ص	س	فادرست	درست
۱۳۲	۱۸	تطیباً	تَطْبِيبًا
۱۳۵	۵	انا مجد	أَنَا مُجِدٌّ
۱۳۶	۵	تشیینی	تَشِيْنِي
۱۳۹	۱۶	اتاه الله	آتَاهُ اللهُ
۱۴۴	۱۲	فسجد الرسول	فَسَجَدَ لِلرَّسُولِ
۱۴۶	۳	إذا هو	إِذَا هُوَ
۱۴۹	۱۶	نمانند	نَمَانِيْد
۱۵۰	۱۱	اردت	أَرَدْتُ
۱۵۱	۱۳	لم تعن	لَمْ تُعِنْ
۱۵۲	۱۰	او متاع	أَوْ مَتَاعٍ
۱۵۶	۱۲	تخفیفاته	تَخْوِيفَاتِهِ
۱۵۹	۲۳	توجهه	تَوَجَّهَ
۱۷۱	۵	ممشاً	مَمْشًا
۱۷۳	۱۰	أن	أَنْ
۱۷۴	۱۵	حفاً عزلاً	حُفَاةً عَزْلًا
۱۷۴	۲۴	شفاعه	شِفَاعَةً
۱۷۶	۱۸	لا تؤثروا على غیرى	لَا تُؤَثِّرُوا عَلَيَّ غَيْرِي
۱۷۶	۲۲	ابدأ	ظ : أَبْدَأْ
۱۷۷	۸	يحذرکم	يُحَذِّرُكُمْ
۱۸۶	۲۱	درین چهل صوم درین	شاید: در این چهل روز صوم وصال فرمود -والله

ص	س	فادرست	وصال فرمود	أعلم -
۱۹۰	۱۴	حلّ حیوته	حلّ حیوته	حلّ حیوته
۱۹۴	۱۵	تبارک الله سبحانه..بالسرمد	تبارک الله و سبحانه ماکل هم هو بالسرمد	تبارک الله و سبحانه ماکل هم هو بالسرمد
۱۹۶	۶	یضاعف	یضاعف	یضاعف
۲۰۲	۱۲	ولا بدر	ولا بدر	ولا بدر
۲۱۴	۱۰	ابن جریح	ابن جریح	ابن جریح
۲۱۷	۱۸	فدار	فدار	فدار
۲۲۲	۹	شُرْعاً	شُرْعاً	شُرْعاً
۲۲۴	۱۰	مُحَمَّرًا	مُحَمَّرًا	مُحَمَّرًا
۲۲۶	۱۲	مَنْشَأَةً	مَنْشَأَةً	مَنْشَأَةً
۲۲۹	۱	فَإِذَا	فَإِذَا	فَإِذَا
۲۳۳	۷	فَحَيِّ	فَحَيِّ	فَحَيِّ
۲۳۳	۱۵	مُخْضَبَةً	مُخْضَبَةً	مُخْضَبَةً
۲۳۴	۸	مَرِيد	مَرِيد	مَرِيد
۲۳۹	۱۱	رَبِيعِ بْنِ مِحْرَاش	رَبِيعِ بْنِ مِحْرَاش	رَبِيعِ بْنِ مِحْرَاش
۲۳۹	۱۳	مَبْحِي	مَبْحِي	مَبْحِي
۲۳۹	۱۵	فَلْتَقِنِي	فَلْتَقِنِي	فَلْتَقِنِي
۲۴۳	۲۰	حِجْرِهِ	حِجْرِهِ	حِجْرِهِ (یعنی حجر اسمعیل در مسجد الحرام)
۲۴۵	۵	سِيرَت	سِيرَت	سِيرَت
۲۴۶	۶ و ۴	آتاه الله	آتاه الله	آتاه الله
۲۴۶	۱۸	دَرُوع	دَرُوع	دَرُوع
۲۴۹	۱۱	أَفْسَدَتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ	أَفْسَدَتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ	أَفْسَدَتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ

ص	س	فادرست	درست
۲۴۹	۱۷	ولا يُخْرِجُونَ	ولا يُخْرِجُونَ يا و لا يُخْرِجُونَ
۲۵۰	۱۱	رضاءُ الله	رضى الله فى رضى (در فارسی: رضاء = رضای، همزه بجای کسره اضافه است بفرض وجود همزه در اصل؟)
۲۵۰	۲۲	العايد	العاثذ
۲۵۶	۲۰	فجائه	فجاءه
۲۵۶	۲۳	الملائكة العذاب	ملائكة العذاب
۲۶۶	۲	ولى ولا	ولى ولا
۲۶۷	۲۲	ليعذبهم	ليُعذبهم
۲۶۹	۱۸	تشحب	تَشْحَب
۲۷۳	۴	اشاراليه	ظ : أشار إلى
۲۷۵	۷	بلغك	بَلَّغَكَ
۲۷۵	۱۵	انكه گفت	آنكه گفت
۲۷۳	۱۷	ملئاً	ملاى ملاى
۲۷۹	۴	و كتبت	و كُتِبْتَ (بيت)
۲۷۹	۴	كاتم	كاتمه
۲۸۱	۱۰	الى عبدى	إلى عبدى
۲۸۴	۱۹	بريقة	بريقه
۲۸۷	۱۳	فاستعدله	فاستعد له
۲۸۷	۱۵	القرون	القرون (بيت) ^۱
۲۸۸	۳	على ماؤه	علا ماؤه

(^۱) بينها از شبلی است، المدهش جلد ۱ ص ۳۴۹.

ص	س	فادرست	دروست
۲۸۸	۱۴	تقتله؟ و فصدقه	فصدقه
۲۹۰	۱۷	فاذا ملك قد مثل	فاذا ملك قد مثل
۲۹۰	۱۸	فاشار الى	فاشار إلى
۲۹۲	۱۸	مسود	مُسود
۲۹۴	۶	صلوة	صلوة
۲۹۴	۱۰	حد السّاحر	حد السّاحر
۲۹۵	۵	فعزوا ذلك عليهم	فَعَزَّ ذلك عَلَيْهِم
۲۹۶	۱۳	بنطى	نبطى
۲۹۶	۱۶	الارنب	و الأرنب
۲۹۷	۶	لايخلون رجل	لا يَخْلُونَ
۲۹۷	۸	فالا اخطى	فلا أخطى
۲۹۷	۱۹	عذات دينوى	عذاب دينوى
۲۹۹	۵	خط خود	حظّ خود
۳۰۰	۲۳ و ۲۴	عبارت: من هادم اللذاتم	این عبارت فارسی است که کسی شدرسنا کرده است و هادم منقوطاً درست است
۳۰۱	۱۰	غير محتاج	غَيْرُ مُحتاجِ (بيت)
۳۰۲	۱۱	اذى	آذى
۳۰۳	۵	وسموا	و سُمُوا
۳۰۳	۸	تصعد	تَصَعَّدُ
۳۰۳	۹	الغلول	الغُلُول
۳۰۳	۹	للتيتم	لِلتَّيِّمِ

ص	س	فادرست	درست
۳۰۳	۱۰	لأعطيهم	لأعطيهم
۳۰۳	۱۲	الحق	الحق
۳۰۳	۱۲	لتشققن	لَتَشَقَّقَنَّ
۳۰۳	۱۲	قبروا	قُبِرُوا
۳۰۳	۱۲	للقطهم	لَلْقَطِّهِمْ
۳۱۰	۳	فاذا	فَإِذَا
۳۱۱	۳	عدت	عَدَّتْ
۳۱۳	۱۳	اذ	إِذَا
۳۱۳	۱۴	بضار	بِضَارٍ
۳۱۳	۲۰	ما حسدنا	؟ ما وجدنا؟
۳۱۴	۱	تربص	تَرَبُّصٍ
۳۱۴	۱۵	كيوم	كَيَوْمٍ
۳۱۵	۹	بقاع	بِقَاعٍ
۳۱۵	۱۳	غضباء	عَضْبَاءٍ
۳۱۸	۹	ليتنى	لِيَتَنِي
۳۲۳	۱۹	حسنا	حَسَنَاءٍ
۳۲۵	آخر	و اسم أبيه	وَأَسْمِ أَبِيهِ،
۳۳۰	۱۲	موقرة	مَوْقِرَةٌ
۳۳۰	۱۴	فدلت	فَدَلَّتْهُ
۳۳۰	۱۴	واكب	وَأَكَبَّ

فَصَّبَتْ	فَصَّبَتْ	۱۸	۳۳۰
خَالِيَا (بَيْت)¹	خَالِيَاً	۱	۳۳۱
كَذَّبَنِي	كَذَّبَنِي	۵	۳۳۴
بَاهُونَ	بَاهُونَ	۶	۳۳۴

درست	فادرست	س	ص
احسنُ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّد	أَحْسَنُ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّد	۱۰	۳۳۵
أَوْ رَدُّ	أوردُ	۲۰	۳۳۵
أَيَسُّوا	أَسُّوا	۵	۳۴۴
أَوَّلَ	أَوَّلُ	آر	۳۴۵
أَوَّلَ	أَوَّلُ	۱	۳۴۶
فِيخَلِي	فِيخَلِي	۶	۳۴۸
فَأَمَرَ	فَأَمَرَ	۱۵	۳۵۰
تَطْهِيرَهُ	تَطْهِيرُهُ	۱۶	۳۵۰
حُجْبُ (بَيْت)²	حُجْبُ	۸	۳۵۳
المُعَيْثَةُ	المُعَيْثَةُ	۲۳	۳۵۳
أَحْسَءَ	أَحْسَءَ	۱	۳۵۴
الْقَرَعَاءَ	الْقَرَعَاءَ	۱	۳۵۴
نَكَرَهُ	نَكَرَهُ	۴	۳۵۴
مسجد الخيف	مسجد الحنيف	۱۲	۳۵۴
فَإِذَا	فَإِذَا	۱۳	۳۵۴

(¹) ديوان مجنون لیلی، شرح عدنان زکی درویش ص ۲۳۸.

(²) المستطرف فی کل فن مستطرف، جلد ۱ ص ۳۹۰.

أَنْ تَدْعُو لِي	أَنْ تَدْعُو إِلَيَّ	۱۴	۳۵۴
سَنَةً	سَنَةً	۱۷	۳۵۴
السُّلْمَى	السُّلْمَى	۱۸	۳۵۴
تَتَّقُوا	تَتَّقُوا	۸	۳۶۳
عَظَمَتِهِ	عَظَمَتُهُ	۱	۳۶۴
ص	س	فادرست	دروست
۳۶۷	۳	لَهُ ابْنٌ	لَهُ ابْنٌ
۳۶۷	۸	فَرَفَعَ	فَرَفَعَ
۳۷۷	ما قبل آخر	خَلَّتْ	خَلَّتْ
۳۸۰	آخر	و ما فيه البيان	ظ: و ما فيه من البيان
۳۸۸	۳	يَا رَاهِبٌ	يَا رَاهِبَ
۳۹۱	۱۸	يَعْنَى لِنَعْلَمَ مُحَمَّدٌ	يَعْنَى لِيَعْلَمَ مُحَمَّدٌ
۳۹۵	آخر	عَرَضًا	عَرَضًا
۴۰۳	۱۶	رَسُولٌ حَقٌّ	رَسُولٌ حَقٌّ
۴۰۳	۱۷	تَصْنَعُ	تَصْنَعُ
۴۰۸	۱۰	بِنْتُ	بِنْتُ
۴۱۷	۱۷/۱۶/۱۵	جِثَّتْ	يَا: جِثَّتْ يَا جِثَّتْ
۴۱۸	ما قبل آخر	جَبَّرَ اللَّهُ	جَبَّرَ اللَّهُ
۴۲۰	۱۸	سَتَذَكِّرُنِي	سَتَذَكِّرُنِي
۴۳۰	آخر	فَإِذَا	فَإِذَا، ظاهراً سهواً در سرتاسر این جلد إذا، إذا چاپ شده است
۴۳۵	۱۹	أَنْ يَذْكَرَ	أَنْ يَذْكَرَ
۴۴۱	۳	لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ	لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ

تَعَرَّفَ	تعرفُ	۹	۴۴۱
وَقَدِمْنَا	وَقَدِمْنَا	ما قبل آخر	۴۴۵
وَنَكُونُ	و نكونُ	۳	۴۴۶
فَيَنْفُدُ	فينفد	۱۸	۴۴۶
دوستى مات	دوست مات	۷	۴۴۷
مِنَ الْحَرْثِ	من الحرف	۱۵	۴۵۰
دوست	فادرست	سى	ص
جَرَّأَهُمْ	جرأهم	۱۸	۴۵۸
عَنْتَرَةٌ	عنترَةٌ	۱۵	۴۶۳
وَجْهٌ	و وجهٌ	۱۸	۴۶۳
بِالطَّوَّافِ	بِالطَّوَّافِ	۱۳	۴۶۶
«و بعهده الله أوفوا»	«و بعهده الله اوفوا»	۱۸	۴۶۷
بِعَهْدِهِ	بعهده»	۱۹	۴۶۷
سَمَّيْنَا	سمَّيْنَا	۲۱	۴۷۰
الْقَضَاءِ	القضا	۶	۴۷۱
قَرِيظُهُ	قريظه	۳	۴۷۳
زَنِىٌّ بَعْدَ	زنا بعدَ	۷	۴۷۶
وَرَدَّ اللَّهُ	ورد الله	۴	۴۷۷
فَعَدُّوا	فعدوا	۱	۴۸۵
فَطَرَ	فطر	۳ و ۱	۴۹۰
و يُنْسِيُّ	يُنسى	۱	۴۹۱
رَمَضَانَ	رمضا	۱۷ و ۱۸	۴۹۵
خَلْفَهُ	خلفه	۱۶	۴۹۶

فَامَا	فاما	۸	۵۰۰
لَمْ يُعَجَّلْ	لم يعجل	۱۲	۵۰۰
لَأَنْصُرَنَّكَ	لانصرتك	۵	۵۰۲
حَيِّ كَرِيمٍ يَكُنِّي	حي كريم يكني	۲۱	۵۰۳
عَدَّتْ	عدت	۱۵	۵۱۴
أَبَاكَ	اياك	۷	۵۲۰
فَلَمْ يُجِبْهُ	فلم يجيبه	۱۱	۵۲۵
دوست	فادوست	سی	ص
كَهَيْتَهُ يَوْمَ	كهيته يوم	ما قبل آخر	۵۳۱
يَوْمَ مِنِي ... لِلْجَمَالِينَ	يوم منا ... للجمالين	۲۰	۵۳۲
زَوَّارَهَا	زوازاها	۱	۵۳۶
أَعْمَرَهُ	اعمره	۲	۵۳۶
وَيَشْجُونَ	و شبحون	۳	۵۳۶
أَعْلَمُهُ	اعلمه	۶	۵۳۶
يَعْمُرُهُ (آيه شريفه: إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ)	يعمره	۷	۵۳۶
فِي نَبَأٍ	في بناء	۶	۵۴۲
مَنْ حَادَّ اللَّهَ	من عاد الله	۱۴	۵۴۲
كُتِبَ	كتب	۴	۵۴۴
نَجَّى وَ نَجَّاهُ	نجي و نجاه	۱۶ و ۱۵	۵۴۵
بَرِيءَ	بري	۲۰	۵۴۵
تُوْفِي	توفي	۱	۵۴۷
يُبَارِكُ عَلَيَّ (بيت) ^۱	يبارك في	۲۱	۵۴۸

(^۱) بينها از خبيب بن عدی أنصاری رضی الله عنه است، سیره ابن هشام جلد ۳ ص ۶۷۳.

فَأَبْلَغُهُ	فابلغه	۲۲	۵۴۸
مَا يَبْقَى	ما ببقی	۱۲	۵۵۰
أَخِيْتُ	آخیت	۱۸	۵۵۴
يُيَاهِي	ییاھی	۲۱	۵۵۴
بُحَيْرَى الرَّاهِبِ	بحیر الراهب	۵	۵۵۵
قَدْ أَنْصَتُ	قدانصت	۱۶	۵۵۷
فَأَنْصِتُوا	فانصتوا	۱۷	۵۵۷

ص	سی	فادرست	دردست
۵۶۳	۹	اخي الدنيا بمقلته	ظ: صحیح همان است که در دیوان آمده: أخی الدُّنْیا بناظره (بیت) ^۱
۵۶۳	۱۰	بند مدلت	بند مدلت
۵۶۸	۳	تطیباً	تطیباً
۵۶۹	آخر	الارث	الأرت
۵۷۱	۶	انسکم	إنسکم
۵۷۶	۶	ابن جریج	ابن جریج
۵۸۶	۸	خضم	خُصِمَ
۵۸۷	۶	ولا یسقیها	ولا یسقیها
۵۸۸	۱۰	عمر و جموح	عمر و جموح (یعنی عمرو بن جموح - به اضافه بُنُوت)
۵۹۸	۱۹ و ۱۸	-	سطر ماقبل تکرار شده است
۶۰۰	۹	أیها المؤمنون	أیُّهَ الْمُؤْمِنُونَ (کتابت مصحف)
۶۰۱	۳	اقیمه الله	أُقِیمُهُ لِلَّهِ

(^۱) دیوان المتنبی، شرح برقوقی جلد ۴ ص ۸۳.

أقيم المضاف إليه	قيم المضاف اليه	۱۹	۶۰۲
غيرها خيراً	غيرها خيرٌ	۱۴	۶۰۸
فَلِلَّهِ عَلَىٰ	فَلِلَّهِ عَلَىٰ	۱۸	۶۰۸
تَجَلَّلَهَا	تَحَلَّلَهَا	۲۱	۶۱۲
و تَذوقُ	و تَذوقُ	۱۳	۶۱۹
شاید: تَعَنَّتْ بسیار کنند	لعنت بسیار کنند	۱۴	۶۲۰
أَنْ يَبِينَ	ان يَبِينَ	۱۰	۶۲۲
أَيُّ الظَّاعِنِينَ (بیت از متنبی) ^۱	أَيُّ الظَّاعِنِينَ	۵	۶۲۸
درست	فادرست	سی	ص
ظ: لا تسألوني	لا تسألوا	۱۵	۶۳۱
أَنْ تَحُدَّ	ان تحد	۵	۶۳۴
عَدَّتْ	عَدَّتْ	۱۷	۶۳۴
ظ: امرؤ القيس (البته این غلط چاپی نیست)	الأعشى	۲۱	۶۳۴
مُصَلٌّ	مُصَلٌّ	۸	۶۴۷
إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ إِلَىٰ	إذا اتقرب الناس لى	۸	۶۴۹
	الناس الى		
فَلَا تَقْدِمُوا	فلا تقدّموا	آخر	۶۴۹
فَتَجَاوَزَ عَنِ قَبِيحٍ	فتجاوز قبيح	۲	۶۵۳
أُحَدٌ وَ ثَبِيرٌ	أُحَدٌ وَ ثَبِيرٌ	۱۷	۶۵۸
سَهْرٌ	سِهْرٌ	۱۰	۶۶۴
يُصَلِّي وَ يَزْكِي وَ يَحُجُّ	يصلى و يزكى و	۱۸ و ۱۷	۶۷۲
	يحج		
رُضِعُّ	رضعُ	۱۹	۶۷۲

(^۱) دیوان المتنبی، شرح برقوقی، جلد ۲، ص ۳۴۴.

سَقِيَاك	سقیاک	ما قبل آخر	۶۷۲
كَأَنَّ النَّاسَ	كان الناس	۱۱	۶۷۳
قَدْرِي	قدری	۱۸	۶۸۰
نَكَمْتُ	بگفت	آخر	۶۸۴
أَعْطَيْهَا	اعطیها	۱۶	۶۸۷
لَا يَشُدُّ	لا یشد	۱	۶۹۱
رِيَا حَهُمْ	ریاعهم	۱۳	۶۹۱
ظ: فَأَرْقَهُ مَلِيًّا	فارقه ملشا	آخر	۶۹۱
للفنّام (... و الفنّام الجماعة الكثيرة - نهائيه)	للقیام	۶	۶۹۳
و رَبِّكَ	و بریک	۲۰	۶۹۵
دوست	فادرست	س	ص
رَبِّي (ظاهراً از آخر این سطر کلمه‌ای یا جمله‌ای ساقط شده است)	ربی	آخر	۶۹۸
عَالِيًّا	عاریاً	۱۵	۷۰۰
أَوْ وَسَّعَ أَوْسَعُ	وسع اوسع	۶	۷۳۱
عبارات عربی رجز است و باید بصورت دو بیت شعر (رجز) چاپ شود	-	آخر	۷۳۵
السَّأَلِ	السَّأَلِ	۱۰	۷۴۵
لَأْمُنِينَهُمْ	لامنینهم	آخر	۷۴۸
بِسِوَاءِ	بسواء	۱۸	۷۵۵
قَبْلِ	قبّل	۱۶	۷۸۰
و من يَعِشُ ... لا أباكِ يَسَامُ (شعر) ^۱	و من يعيش ... لا اباً لك يُسَامُ	۹	۷۸۱

^۱ دیوان زهیر بن ابی سلمی ص ۲۹.

بیت	بیت	۲	۷۸۶
آیه مبارکه مندرج در سطر ۱۷ آیه سجده واجبه است در نزد شیعیان، خواننده شیعی مذهب توجه فرماید (سوره فصلت)	-	۱۷	۷۸۶

* * * *



جلد دوم

ص	س	فادرست	درست
مقدمه	۹	مائة	مائة
۸	۵ و ۴	اللذی	الذی
۹	۲	ملائکھ	ملائکة
۱۰	۸	أخلى	أخلى
۱۱	۹	وَجَبَتْ	وَجَبَتْ
۱۲	۹	نَفْسَكَ	نَفْسَكَ
۱۲	۱۳	ارزیر	ارزیر
۱۲	۱۶	يُطَهِّرَ	يُطَهِّرَ
۱۳	۹	يُصَوِّرْكُمْ	يُصَوِّرْكُمْ
۱۳	۲۰	ترانا	ترا
۱۴	۱	موقوف بروی	موقوفاً بروی
۱۴	۱	يمن الله	يَمُنُ اللهُ
۱۴	۴	مَثَلَتْ	مَثَلَتْ
۱۴	۵	اللتی	الَّتِي
۱۴	۷	أَقْطَع	قُطِعَ
۱۶	۲	وَإِيتِغَاءً	وَأِيتِغَاءً
۱۶	۳	يَعْلَمُ	يَعْلَمُ
۱۷	۱۲	أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا	أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا
۱۹	۱	الجمَل	الجمَل

ص	س	فادرست	درست
۱۹	۱۲	القلب	القلب
۲۱	۲۰	یتعظ	یَتَعِظُ
۲۲	۱۴	یودی	یُودِی
۲۲	۱۴	المثبطة	المَثْبُطَة
۲۲	۱۵	الرازق	الرزقَ
۲۲	۱۵	لَبَغُوا	لَبَغُوا
۲۲	۱۶	وَسَعَ	وُسِعَ
۲۲	۱۸	وَهَبُ	وَهَبُ
۲۲	۱۸	لُدْتُكَ	لَدُّتُكَ
۲۵	۱	أَمَدُوا	أَمَدُوا
۲۵	۱۸	ضَلَّالٌ	ضَلَّالٌ
۲۵	۲۰	آتِكُمْ	آتِكُمْ
۲۶	۲	وَأَصْرَكُم	وَأَمْرَكُم
۲۶	۴	يَنْطِقُ	يَنْطِقُ
۲۷	۱۳	اموالهم و اولادهم	أموالهم و أولادهم
۲۸	۱۱	مُعَقَّبَات	مُعَقَّبَات
۳۱	۶	مرتای	مرتای
۳۱	۱۵	جَوَلَةٌ... يَضْمَحِلُّ	جَوَلَةٌ... يَضْمَحِلُّ
۳۱	۱۷	فِيدْمَعُهُ	فِيدْمَعُهُ
۳۲	۱۳	وَاتْبِعِ	وَأَتْبِعِ
۳۳	۳	گَرَّگَانِي	كُرَّگَانِي
۳۴	۶	أُوْنِيَّتِكُمْ	أُوْنِيَّتِكُمْ
۳۵	۳	رُزِينَ	رُزِينَ

ص	س	فادرست	درست
۳۵	۷	أَضْرُّ	أَضْرُّ بَهْتَرُ اسْت
۳۵	۱۳	لَمَجْنَبَةٌ مُنْجَلَةٌ	لَمَجْنَبَةٌ مَبْخَلَةٌ
۳۵	۱۴	وَلَدٌ ... عَزٌّ	وَلَدٌ ... عَزٌّ
۳۶	۳	المُسْوَمَه	المُسْوَمَه
۳۶	۵	خَيْلٌ	خَيْلٌ
۳۶	۹	سَائِمَه	سَائِمَه
۳۶	ما قبل آخر	فَحَلَقَ خَيْلاً بُلْغاً	فَحَلَقَ خَيْلاً بُلْغاً
۳۷	۷	حَوَّلْتَنِي	حَوَّلْتَنِي
۳۸	۲	إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ	إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ
۳۹	۱۶	أَتَزَعَمُ	أَتَزَعَمُ
۳۹	ما قبل آخر	رِضْوَانٌ	رِضْوَانٌ
۴۰	۱	ذَلَّنِي	ذَلَّنِي
۴۰	۲	إِذَا	إِذَا
۴۲	آخر	رَبُّ	رَبُّ
۴۳	۱۹	سَاعَةٌ خَيْرٌ	سَاعَةٌ خَيْرٌ
۴۴	۲	أَوْدِيًّا	أَوْدِيًّا
۴۶	۴	مَوْقُودَه	مَوْقُودَه
۴۷	۱۱	لَا تَسْأَلِ	لَا تَسْأَلِ
۴۹	۵	يَعْمُرُونَ	يَعْمُرُونَ
۴۹	۱۰	و انا على ذلك من الشاهدين	جزو آیه شریفه نیست و گیومه بایستی در آخر سطر نهم پس از الحکیم باشد و ظاهراً پس از الحکیم کلمه ای ساقط شده است و الله أعلم.
۵۲	۵	شَادَنِي	شَادَنِي

ص	س	فادرست	درست
۵۵	۱۲	ورقنا	و وَّقْنَا
۵۶	۴	الفاتین	الفاتین
۵۷	۱۴	لأنی	وَأِنِّي
۵۸	۹	ولاسماءَ ولافضاءَ	و لاسماءَ و لافضاءَ
۵۹	۷	كُحِلُّ	كَحِلُّ
۶۰	۲	توفنی	تَوَفَّنِي
۶۰	۵	النَّبیین	النَّبیین
۶۳	۷	يُدْعُونَ	يُدْعُونَ
۶۴	۴	رَجْمًا	رُجْمًا
۶۶	۲	عُرَاتًا ... غُرْلًا	عُرَاتًا ... غُرْلًا
۶۶	۳	تنشِق	تَنْشِقُ
۶۶	۴ و ۵	آية	رَايَةَ
۶۸	۵	حَسْبِهَا	حَسْبِهَا
۶۸	۸	مساكنُ	مَسَاكِنَ
۶۸	۱۳	نصیرآبادی	نصراآبادی
۶۸	۱۹	ما كَسَبَتْ	مَا كَسَبَتْ
۶۹	۱۰	لا يَتَّخِذُ	لَا يَتَّخِذُ
۶۹	۱۳	تَقِيَّةً	تُقِيَّةً
۶۹	۱۴	يُحَذِّرُكُمْ	يُحَذِّرُكُمْ
۷۱	۸	حذيفه نعمان	حُذَيْفَةَ وَ؟ نَعْمَانَ يَا حُذَيْفَةَ بِنِ الْيَمَانِ؟
۷۲	۸	ورسوله	و رَسُولُهُ
۷۳	۵	واخْبِشَهُ ... يَسْمَى	وَ أَخْبِشَهُ ... يُسَمَّى
۷۳	۹	نَصْرَابِن	نَصْرَابِن

ص	س	فادرست	درست
۷۳	۱۴	بِالسُّخْطَةِ	بِالسُّخْطَةِ
۷۳	۱۶	والتَّضَرُّعِ إِلَى	والتَّضَرُّعِ إِلَى
۷۳	۱۷	مَنْ	مَنْ
۷۳	۲۰	مِنْ	مِنْ
۷۴	۱	تُنزِعُ	تُنزِعُ
۷۴	۵	شَرِبَهُ	شَرِبَهُ
۷۴	۷	ثُمَّ	ثُمَّ
۷۴	۱۱	مَجْرَى	مَجْرَى
۷۴	۱۶	لِيَسْتَأْكُلُوا	لِيَسْتَأْكُلُوا
۷۶	۶	وَتُرْزَقُ	وَتُرْزَقُ
۷۶	۸	أَوْلِيَاءَ	أَوْلِيَاءَ
۷۵	۱۶	الْمُؤْمِنَاتِ... أَوْلِيَاءَ	الْمُؤْمِنَاتِ... أَوْلِيَاءَ
۷۶	۱۸	وَمَنْ يَفْعَلُ	وَمَنْ يَفْعَلُ
۷۷	۱۵	وَأَخَذَ	وَأَخَذَ
۷۸	۱	لِلْكَافِرِينَ	لِلْكَافِرِينَ
۷۸	۷	إِلَيْهِ يُرْجَعُ	إِلَيْهِ يُرْجَعُ
۷۹	۹	وَاللَّهِ	وَاللَّهِ
۸۲	۱۰	وَأَقْتَادٍ	وَأَقْتَادٍ
۸۸	۳	خَالِطٍ	خَالِطٍ
۸۸	۱۸	أَدْخَلُوا	أَدْخَلُوا
۹۳	۱	وَلَا تَمَّمْ	وَلَا تَمَّمْ
۹۵	آخر	لِمَ	لِمَ
۱۰۸	۱۵	قَهْرًا	قَهْرًا

ص	س	فادرست	درست
۱۰۸	۱۶	فَهَرْتُ	فَهَرْتُ
۱۰۸	۱۷	اسْتَعْفَرْتُ	اسْتَعْفَرْتُ
۱۹۸	۸	حَفِيفٌ	خَفِيفٌ
۲۰۰	-	-	چند جا در سکر تشدید روی کاف افتاده است
۲۰۳	۳	عَرِقَ النِّسَاءُ	عَرِقَ النِّسَاءُ (بدون همزه - «النساء» مقصور است)
۲۱۲	۱۸	فَيَزُمُونَهُ	فَيَزُمُونَهُ
۲۱۳	۱	تُعْطَى	تُعْطَى
۲۱۳	۱۷	ان تَبَوَّأَا	أَنْ تَبَوَّأَا
۲۱۴	۱۴	لَا زَبَّ	لَا زَبَّ
۲۱۴	۱۷	يَتَبَاكُونَ	يَتَبَاكُونَ
۲۲۲	۵	فَقَدْ هَدَى	فَقَدْ هَدَى
۲۳۱	۱۷	فَلْيُلْزَمِ	فَلْيُلْزَمِ
۲۳۴	آخر	أَتَمَرُوا	إِتَمَرُوا
۲۳۸	۱۰	خَالِيًّا	خَالِيًّا
۲۴۰	۲	بَايْشَان	با ایشان
۲۴۰	۱۱	مُجَوِّفَةٌ	ظ: مَحْفُوفَةٌ
۲۴۴	آخر	بَيْتٌ	بیت شعر عدی بن زید بصورت نثر نوشته شده است درست آن: كَأَنْتُمْ نَحْسَنُ كَنَّا وَكَمَا كُنَّا تَكُونُونَ
۲۴۷	۱	قَدْ يَكْتَرُ الْحَالُ	المال
۲۴۷	۱۱	السُّوَّى	السُّوَّى
۲۵۰	۷	فَيُحِبُّنِي	فَيُحِبُّنِي
۲۵۰	۷	فَيُبْغِضُنِي أُبْغِضُهُمْ	فَيُبْغِضُنِي أُبْغِضُهُمْ
۲۵۲	۵	عَمْرَكَ	عَمْرَكَ

ص	س	فادرست	درست
۲۵۴	۱۲	فی فی	فی فی
۲۶۰	۹	فلیعتمدنی	فَلْيَعْتَمِدْ بِي
۲۶۳	۱۲	يُمددکم	يُمددکم
۲۶۳	۱۷	العزیز	العزیز
۲۶۵	ما قبل آخر	روی	رَوَى
۲۶۹	۱۸	عصیة	عُصْبَةً
۲۷۵	۱۰	غرین	عزین
۲۷۶	۹	بعیدة	بَعِيدٍ
۲۸۲	۱۹	قال قال	قال
۲۸۳	۱۱	فوسعه	فوسعه
۲۹۰	۱۲	لِمَ تَمَنُّونَ	لِمَ تَمَنُّونَ، از منت نیست از مَنِيه است آیه شریفه:
			وَلَأَمِّنَنَّاهُمْ
۲۹۶	۶	ابی	أُبِيُّ
۲۹۶	۱۶	قیمية	قَمِيئَةٌ
۳۰۴	۳	كحل	كحل
۳۲۲	۱۴	فاختجله	فَاخْتَلَجَهُ
۳۴۸	۱۶	اسهام	السَّهَامُ
۳۵۶	۸	الذَّلُّ	الذُّلُّ
۳۷۷	۱۹	ندموا	نَدِمُوا
۳۷۷	۲۰	و لم يُعِنِ النَّدَم	و لم يُعِنِ النَّدَم
۳۷۸	۱۱	خطای	خُطَايَا
۳۸۹	۱۱	الحسن(ع)	الحسن، (ع)زاید است زیرا مقصود حسن بصری است نه حضرت امام حسن(ع)

ص	س	فادرست	درست
۳۹۱	۲	لا يَغُرُّكَ	لا يَغُرُّكَ
۳۹۴	۵	كثرة الخطأ	كثرة الخطأ
۳۹۸	۱۹	محبب	محبب
۴۰۴	۱۴	فتنقل	فتنقل
۴۰۴	آخر	يتجاوز	ظ: يتجاوز عنهم
۴۱۵	۷	بعفوة	بعفوة
۴۲۱	۱۶	بالجماع	بالجماع
۴۲۶	پاورقی	رضح	رضح
۴۳۴	ما قبل آخر	قسمة	قسمة (ضمير توتی نايب فاعل است) و قسمة مفعول دوّم است
۴۴۸	۳	أحصن	أحصن
۴۵۰	۱	يقبل	يقبل
۴۵۷	۱۵	بطبع	بطمع
۴۶۲	۱۲	براعازب	براء عازب
۴۶۳	۱۴ و ۱۳	يُحْرَمُ	يُحْرَمُ
۴۷۰	۱۲	تراضيتم	تراضيتم
۴۸۰	۸	والله يريد أن	و يريد الله أن
۴۸۴	۱۲ و ۱۱	-	ظاهراً ميبدی(ره) خود بجای خلق الانسان هلوغا، إن الانسان خُلِقَ هَلُوعاً آورده است
۴۹۰	۱۲	وَسَلُّوا اللَّهَ	وَسَلُّوا اللَّهَ
۴۹۴	۱۷	قيام	قيام
۴۹۷	۴	مكرماتي	مكرماتي
۴۹۸	۴ و ۳	على قدر... العزائم	«على قدر اهل العزم تأتي العزائم» مصرع بيت متنبی است

ص	س	فادرست	درست
۵۰۵	۵	جمیل	حَمِيل
۵۱۵	۳	رَبُّنَا	رَبَّنَا
۵۱۶	۵	الْقُرْآنَ	الْقُرْآنُ
۵۱۹	۷	و كُنِّي	وَكُنِّي (از کنایه است نه از کنیه)
۵۲۰	۲۰	سید بن حَضِير	اسید بن حَضِير
۵۲۲	ما قبل آخر	عمرانی	عُمَرُ إِنِّي (إِنِّي باید با حروف ریز باشد که عُمَرُ با عمرانی اشتباه نشود)
۵۳۱	۱	قَطَعُ ... و ذَكَرُ	قَطَعُ... و ذَكَرَ
۵۳۶	۵	حَمَزَةٌ	حَمَزَةٌ
۵۶۳	ما قبل آخر	نهینا	ظ: نُهَيْنَا (بصيغة مجهول)
۵۶۴	۱۵	ما اخفی	مَا أُخْفِيَ
۵۶۷	ما قبل آخر	خاطب	خَاطِب
۵۶۸	۱۹ و ۲۱	خاطب	خَاطِب
۵۷۶	آخر	مُبْطِئِي	مُبْطِئِي
۵۷۹	۹	فُرِعَ	فُرِعَ
۵۸۱	۱۸	حبيب	حُبَيْب
۵۹۱	۹	تجوسهم	تَحْرُسُهُمْ
۵۹۱	۱۰	أَسْكُنُوا	أَسْكُنُوا
۵۹۱	۱۳	فَأَصْحَ	فَأُفْصِحَ
۵۹۱	۱۳	يَسْأَلُهُمْ	سَأَلَهُمْ
۵۹۸	۵	تَبَّتْكَ	بَتَّتْكَ و يَا أَبْنَتُكَ
۶۰۳	۱۹	يا عبدالرحمن	يا أبا عبدِ الرَّحْمَنِ - كُنِيه جناب عبدالله بن مسعود (رض)

ص	س	فادرست	درست
۶۰۶	۴	تالی	تالی
۶۰۸	۱۹	یُشْفَعُ	یُشْفَعُ ، یا ، یَشْفَعُ
۶۱۳	۱۱	العزّة	العزّة
۶۱۶	۴	زیادکم	زنادکم
۶۱۶	۵	ولکل	و بکل
۶۱۸	۱۸	محزمة	مخرمة
۶۲۰	۱۷	عویمی	عویمر
۶۳۱	۱۱	مخزمة	مخرمة
۶۳۴	۹	حال	حال
۶۳۹	۴	سُرَاةٌ	سُرَاةٌ
۶۴۶	۱۶	بُولْبَانِه	بُولْبَانِه
۶۴۶	ما قبل آخر	ابن جریح	ابن جریح
۶۴۸	۱۴	المستضعفین	المستضعفین
۶۴۹	۱۴	كُلًّا	كُلًّا (یعنی عیال بی سرپرست: نهاییه ابن اثیر کَلَّل)
۶۵۴	ما قبل آخر	یهیک	یهینک
۶۵۴	ما قبل آخر	مکبولا فتحوّل	مکبولا فتحوّل (زبان حال خود این بنده در تحوّل به امریکا)
۶۵۵	۱	و لم یرعین حقک	و لم یرعین حقک
۶۵۵	۲	أخذه	أخذه
۶۵۵	۳	معدّ	معدّ
۶۶۸	۷	بر زبر	بر زبر
۶۷۳	۱۲	ماضربوالک	ما ضربوه لک
۶۷۳	۱۹	فَيَغْلِبُ	فَيَغْلِبُ

ص	س	فایغلب	فایغلب
۶۷۳	۲۰		
ص	س	فایغلب	فایغلب
۶۸۷	۱۰	عصاء المسلمین	عَصَا الْمُسْلِمِينَ (و العصا جماعة المسلمين و شقّ العصا مخالفة جماعة الاسلام. قاموس)
۶۸۸	۱۳	وَ مِنْ شَدَّ شُدًّا	و مِنْ شَدَّ شُدًّا
۶۹۰	۵	حَرَمَ	حَرَمَ
۶۹۹	۳	أَوْهَمَهُمْ	أَوْهَمَهُمْ
۷۱۲	۱۴	هَزَنَ بَن سَنَانَ	هَرَمَ بَن سَنَانَ
۷۲۲	۹	فَجَلَسْنَا	فَجَلَسْنَا
۷۳۳	۹	يَحِبُّ	يَحِبُّ
۷۳۷	۱	مِرْمَاتِينَ	مِرْمَاتِينَ (یعنی دو پاچه بز - نهاییه: رمی)
۷۵۵	۱۷	قَلْتُ	قَتَلْتُ
۷۸۴	۱۴	لَوْلَا أَنْزَلَ	لَوْلَا نُزِّلَ
۷۸۴	۱۵	فَأَصْرَفُ	سَأَصْرَفُ
۷۸۹	۷	المحيط	المحيط (سوزن)

جلد سوم

ص	س	فادرست	درست
۳	آخر	از مدینه	به مدینه
۴	آخر	ابن جریح	ابن جریح
۵	۸	قل ما	قَلَّمَا
۵	۱۱	حُرِّمَتْ	حُرِّمَتْ
۷	۷	شرحیل	شَرْحِیل
۸	۵	فخل	فَخَلَّ
۲۳	۴	مارید	ما أُرید
۲۳	۵	اَلَّا ما یرید	إِلَّا ما أُرید
۲۴	ما قبل آخر	عمل بما	عَمِلَ بها
۲۷	ما قبل آخر	رضیت لی	رضیت بی
۳۱	۱۰	البغی	البَغِیَّ
۳۵	۷	صیدُ البحر	صیدُ البحر و طعامُه
۳۶	۱	مخالبین	مُخالِبین
۳۶	۹	مما یحب	مِمَّا یحبُّ
۳۶	۱۰	الصَّحیفه	الصَّحِیحَة؟
۳۷	۸	واعجاب	و ایجاب
۴۲	۵	تقیًا	تَقِیًّا
۴۲	۱۰	فاستنقذمن	فَأَسْتَنْقِذُهُ مِنْ
۴۳	۱۴	تنقی	تَنْقِیَّ

ص	س	فادرست	درست
۵۱	۱۳	سوء او	سوءاً أو
۵۱	۱۷	و «میتاقه»	«ومیتاقه»
۵۷	آخر	یبین	یبین ^۱
۶۰	۱۰	اتباع محمد(ص)	اتباع محمد(ص)
۶۱	۱۷	و الهواء	و الهوی
۶۶	۱۰ و ۹	ودمی برون آرد	و می برون آرد
۷۱	۱	سلم	سلم
۷۴	آخر	عندقوت	عنده قوت
۷۸	۹	برک الغما دلنا بعناک	برک الغماد لتابعناک
۸۰	۱	ازدد	اردد
۸۴	۱۳	و دست	و دوست
۸۵	۱۲	و از اعرابی	و از عرابی
۸۷	۱۶ و ۱۵	مشاهده کریم	مشاهده وجه کریم؟
۸۸	۱۸	با حلق	با حق
۸۸	آخر	محبت	محب
۸۹	۳	و انی	انی
۹۱	۲۰	با الینات	بالینات
۹۷	۸	بنیگیخت	بینگیخت
۱۰۱	۱۳ و ۱۴	عرینان	عرنیان
۱۰۳ و			
۱۰۳	۱۷	یشی	یشی
۱۰۸	۱	مطلع	مطلع

ص	س	فادرست	درست
۱۱۳	۲	کنید	ظ: مکنید
۱۱۳	۶	ارحم الراحمون	أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
۱۱۵	۳	و من یجری	و من یجترؤ یا و من یجرؤ
۱۱۶	۱۷	قائلون	ظ: قابلون
۱۱۹	۱۲	مهر البغی	مَهْرُ الْبَغِيِّ
۱۲۰	۱۰	حرقوس	حرقوص
۱۲۱	۱۳	انواب	ابواب
۱۲۵	۲	ممتع	مُتَمِّعٌ
۱۳۲	۸	یُعْتَصُّ	یُقْتَصَّ
۱۳۴	۱	عزیز	عُزِيزٌ
۱۳۴	۱۴	آمنوا	أَمِّنُوا (آمین بگوئید)
۱۳۵	۱۹	لا تنفروا	لا تَنْفَرُوا
۱۳۹	۱۶	عدّوله	عَدُوُّهُ
۱۴۰	۱۱	الودی	الوَرَى
۱۴۳	۱۷	ادینهم	أَدْنِيَهُمْ
۱۴۵	۱۷	بنومدحج	بَنُو مَدْحَجٍ
۱۴۶	۱۳	قراره	فزاره
۱۴۶	۱۵	العجاه	؟

در فهارس أعلام طبری- ابن اثیر- سیره ابن هشام -
و در تاج العروس به چنین نامی برنخوردم و الله
أعلم - و نمی دانم تصحیف چه کلمه ای است

ص	س	فادرست	درست
۱۴۷	۱۹	الا الله	إِلَّا لِلَّهِ
۱۴۹	۲۴	تَفْحِيم	تفخیم
۱۵۰	۶	تدمع عیناه، هذا علی	ظ: تدمع عیناه فقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ هذا علی
۱۵۰	۱۲	فوق الجنة	نُوقِ الْجَنَّةِ
۱۶۲	۹	الآ هو	إِلَّا وَ هُوَ
۱۶۲	۱۲	فاجدر	فَأُذْرَجِ
۱۶۳	آخر	شطیة	شَطِیَّة
۱۶۵	۱۶	بضم باء	ظ: بضم دال
۱۶۷	۱۹	«فوق الحق»	شاید: «فُتْنَقِ فَوْقَ الْحَقِّ»
۱۶۹	۱۲	بیدی	بِیْدَى
۱۷۵	۱۱	نفقه	نَفَقَةٌ
۱۷۸	۱۰	فضلی	فَفَضَّلَ
۱۸۶	ما قبل آخر	ماء غدقاً	ماءاً غَدَقًا
۱۸۷	۱۹	و يطعمنی	يُطْعِمَنِي
۱۸۸ و	مکرر	رکام	رُكَّانَةٌ (نام این شخص رُكَّانَةُ بن عبد یزید بن هاشم بن مطَّلب است که پس از فتح مکه ایمان آورد و در سال ۴۲ در گذشت و مورخین از جمله ابن اثیر تصریح می کنند که: وَ هُوَ الَّذِي صَارَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ وَ او همانست که با رسول خدای (ص) کشتی گرفت و این مصارعت در مکه صورت گرفته بوده است نه در مدینه وَ اللهُ أَعْلَمُ)
۱۸۹ و			
۱۹۰			

ص	س	نادرست	درست
۱۹۳	۴	لا خمس له	لا أَمْصَ له (أَمْصَ باریکی کف پاست: تاج العروس در «خمس» حضرت مسیح را بهمین نحو توصیف کرده است. در بیت مشهور اُبی تمام در مرثیه محمد بن حُمید: من تحت أَمْصِکَ الحشر ^۱)
۱۹۵	۱۳ و ۱۲	کنی عن الذرق بالذوق	ظ: کَنَى عن أکل الطَّعام بالذَّرق
۱۹۸	۲	ظهرانیهم	ظَهْرَانِيَهُمْ (به صیغه تثنیه است)
۱۹۹	۹	این همه	این نه همه
۲۰۳	۲	ووی راز بود، نه بمرسومات	ووی رازق بود، نه بموسومات
۲۰۳	۱۳	که چیزی در باید	؟ ظ: کلمه‌ای افتاده است
۲۰۴	۱۴	اذساء لهم	إِذْ سَأَلُوهُمْ
۲۰۴	۱۷	لمسح	لِلْمَسْحِ
۲۰۵	۴	از دستت از	از دستت از (یک بیت است که بصورت دو بیت چاپ شده است)
۲۱۰	۱۳	فانتشرت	ظ: فَانْتَشِيتُ (سرخوش گشتم، نشأه شدم)
۲۱۱	۱۰	هل يعيه	هل يَعِيَهُ
۲۱۳	۳	فتحریر رقبه	ظ: فتحریر رقبه مؤمنة (الآية)
۲۱۳	آخر	لاتأل	لا تسأل
۲۱۵	آخر	از زده‌اند	ازل زده‌اند
۲۱۷	۵	فرار راه	فراراه
۲۱۷	۸	قوام دهر	قُوَامِ دَهِرٍ

(^۱) دیوان ابو تمام جلد ۲ ص ۲۱۸.

ص	س	فادرست	درست
۲۱۹	۹	ولاخت	ولا خُلْتُ
۲۲۲	ما قبل آخر	شرحبل	شَرَحْبِيل
۲۲۳	۵	انما مهلكه	إِنَّهَا مَهْلَكَةٌ
۲۲۷	۶	حذروا	وَحَذَرُوا
۲۳۱	۹	الماستوی	؟ بنده در هیچیک از معاجم و تراجم و أنساب که در دسترس دارد چنین نسبتی نیافتم و الله أعلم و شاید: الماستینی: رک: الأنساب للسمعانی
۲۳۳	۱۵	ولا ینقر	ولا ینْفَرَّ
۲۳۶	۱	هرزنگی	هر رنگی
۲۴۴	۱۴	كثيرة الخبيث	كثرة الخبيث
۲۴۸	۱۸	لا يعقلون، ان	لا يعقلون أن (وبرگول زاید است)
۲۴۹	۱۳	بخويصة	بخُوَيْصَةَ
۲۵۰	۲	عن المنكر، ليستعملن الله	ظ: عن المنكر أو يا: وإلا ليستعملن الله
۲۵۰	۱۹	ولا تعتدوا	ولا تَعْتَدُوا (منازید- باصطلاح محاوره امروز روی آنها حساب نکنید)
۲۵۱	۴	بنی لحم	بنی لحم
۲۵۴	۹	و این ولی	و این ولاء
۲۵۸	۱۰	امنه الله	آمنه الله
۲۶۲	۲	ابن جریح	ابن جُرَیْح
۲۶۳	۳	وجعلهازوجة محمد(ص)	؟؟؟
۲۶۳	۱۸	الدقیق الحواری	الدقیق الحواری
۲۶۵	۱۲	عطابن	عطاء بن

ص	س	فادرست	درست
۲۶۷	۱۴	ان يشقيكم	أَنْ يَشْفِيَكُمْ
۲۶۷	۱۴	لكم المهناً	المَهْنَةَ بتخفيف يا الهناء
۲۶۹	۵	ثياباً	شاید: ثيابنا
۲۷۳	۲	تبوء الدار	تَبَوَّأَ الدَّارَ
۲۷۳	۱۸	گشته ام	كُشْتِهَام؟
۲۷۶	۱۵	ان اعبدوا می غیرک	أَنْ أَعْبُدُوا غَيْرَكَ؟
۲۸۰	۴	ان لا تعرض	إِنْ لَا تُعْرَضَ
۲۸۲	۱۵	بیروزی	ظ: پیروزی
۲۹۱	۷	واصلاً الرحمة	ظ: وَاصْلاً لِرَحْمِهِ
۲۹۲	۱۹	جاء الجبل	جَرَّ الْجَبَلَ (...وَجَرَّ الْجَبَلَ اصلاً: قاموس: و الجمع: جرار)
۲۹۸	۳	ينشأ	يُنشَأُ (رعایت کتابت مصحف که همان هم صحیح است)
۳۰۲	۶	ميناث	مِئَاث
۳۰۵	۷	و يقال يستهزؤون	و يُقَالُ يَسْتَهْزِؤْنَ
۳۰۸	۱۶	لحزور	لَحْزُور
۳۰۹	۱۹	وأنساً	و أَنْسَاً (از بیت های قصیده معروف معری در مرثیه فقیه حنفی)
۳۰۹	۲۰	و اضاء المدلج	و أَضَاءَ الْمُدْلِجِ (از بیت های قصیده معروف معری در مرثیه فقیه حنفی)
۳۱۱	۱۶	الواحدین	الوَاحِدِينَ
۳۱۷	۶	تعرف الى الله	تَعَرَّفَ إِلَى اللَّهِ

ص	س	فادرست	درست
۳۱۷	۱۲	و لا يعتاضُ	ولا يعتاضُ
۳۲۹	۱۰	لولا الملامه	لولا الملامه
۳۳۲	ما قبل آخر	نظائر الصحف	تَطَائِرُ الصُّحُفِ
۳۳۶	۷	و يناون	و يَنوُنَ (کتابت مصحف چون آیه شریفه را نقل می‌کند)
۳۳۹	ما قبل آخر	اتباع	اتباع
۳۴۰	آخر	المرسلین انهم	المرسلین» و «انهم...»
۳۴۵	-	-	بر آنچه در پاورقی است اعتماد نشاید زیرا بسیار محتمل است حکیم بن هشام تصحیفی از ابوالحکم بن هشام که همان أبوجهل مخذول است باشد. و الله أعلم
۳۵۲	۶	قسو القلب	ظ: يَقسُوا القلبَ
۳۵۸	۲	فی المدبرین	فی المدبرین
۳۶۵	۳	درین خیزاند	درین خیزاند
۳۶۵	۸	ارقم بن الارقم	أرقم بن أبی الأرقم
۳۶۹	۱۴	فمن یقی	فمن یقی
۳۷۲	۱۶	وصانی	وصانی
۳۸۸	۶	و بیکرد	و یکرد = وی کرد
۴۰۱	۱۷	قرآن نسابان	قرآن، نسابان
۴۰۲	۲۰۱	المعوج	المعوج
۴۱۵	۱۰	ان الکریم	ظ و مشهور: الکریم
۴۱۹	۹	مالأم	مالأم

ص	س	فادرست	درست
۴۲۲	آخر	زويت للارض	زُوِيَتْ لِيْ الْأَرْضُ
۴۲۴	۱۴	بالذین	بِالَّذِينَ
۴۲۴	۱۵	اثر	أَثَرَ
۴۲۸	۱۰	العيسى	الْعَنَسَى
۴۳۱	۷	يلحمهم	يُلْجِمُهُمْ (نهایه ابن اثیر)
۴۳۳	۸	بصنع	شاید: يَصْنَعُ
۴۳۷	۱۴	عيسى	عَنَسَى
۴۵۰	۱۷	اسودالبختری	أَسْوَدُ بْنُ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ، يَا أَسْوَدُ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ، بِهِ أَضَافَهُ
۴۶۰	۱۷	لن يؤمن قومك	لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ
۴۶۴	ما قبل آخر	بما قلوب	بِمَا فِي قُلُوبِ
۴۸۳	۵	و اسبع	وَأَسْبِغَ
۴۸۴	۱۴	مستحبة	مُسْتَبِحَّةٌ
۴۸۶	۱۶	و جنائه من الغيبة	و جَنَائِهِ مِنَ الْغَيْبَةِ؟ (إِنَّهُ لَيَبْغَانِ عَلَيَّ قَلْبِي) حَدِيثُ شَرِيفِ
۴۸۷	۱۳	وكذلك...تولّى	نَبِيٍّ (ص) و كَذَلِكَ ... تُؤَلَّى (آیه شریفه)
۴۹۱	۱۰	تعزير	تَغْرِيرٌ
۵۲۲	۵	فأدبهن	فَأَدَّبَهُنَّ
۵۲۲	۱۳	فاحشة	فَاحِشَةٌ
۵۲۸	۲	خويصة	خُوَيْصَةٌ
۵۳۰	ما قبل آخر	فتهود... و تنصر	فَتَّهَوُّدٌ وَ تَنْصَرٌ وَ تَمَجَّسٌ
		... و تمجس	

ص	س	فادرست	درست
۵۳۱	۱۴	علم كم	عَلَى كَمْ
۵۳۱	ما قبل آخر	امة	أُمَّة
۵۴۰	۶	و ما كان مشركين	و ما كان من المشركين يا وما كنا مشركين؟
۵۵۳	۶	لأخيار الله	لاختيار الله
۵۵۳	۱۸	و حق لميزان	و حَقَّ لميزان
۵۶۳	۱۸	ولا يتأتى	و لا يَتَأْتِي
۵۶۴	۱۰	فى سنته	فى سُنَّته
۵۸۳	۲	اللباص	اللباس
۵۹۵	۱۱	عرا	عُرَلاً
۵۹۸	۱۸	عمص	عَمَصَ
۶۱۶	۱۱	فيحسبون	فَيَحْسِبُونَ
۶۳۲	۱۰	أطيط الرجل	أَطِيطِ الرَّجُلَ
۶۳۲	۱۹	يريدون	يَزِيدُونَ
۶۳۳	۴	ليهنك	لِيَهْنِكَ رَك حَاوِي ج ۱ ص ۱۰۶ بيت سيد رضى
			ليهنك اليوم إن القلب مرعاك
۶۳۵	۹	أخره	أَخْرَهُ
۶۶۲	۱۲	خالاها	كَلَّأَهَا
۶۷۳	۶	جلد	جَلِدَ
۶۷۷	۱۳	الحوار	الجور
۷۰۹	۷	هشموا	هَشَمُوا
۷۱۸	۸	الضنا	الضنى، بيت صالح بن عبد القدوس

ص	س	فادرست	درست
۷۲۴	۱۸	شدهم	ظ: أشداهم
۷۲۶	۹	ثالته	ثالته
۷۲۷	۱۷	الجهل	الجهل
۷۲۸	۱	لما	لما
۷۳۰	۱۴	تفرح	نفرح
۷۳۰	-	-	از آنجا که ابیات شش گانه منقسم به دو قطعه سه بیتی است بهتر است یک فاصله‌ای ملحوظ شود
۷۳۰	۱۷	نومک	نومل
۷۳۴	۱۹	انی منعتک	ظ: إني إن منعتک (بخاطر فلقد)
۷۳۸	۱۲	فلا أذکيه	فلا أذکيه
۷۳۸	۱۵	المتألف و أنساک	المتألف و أنساک (از نسبيء)
۷۳۹	۹	اثبت	أثبت
۷۵۱	۵	یکلمهم	نکلمهم
۷۵۱	۱۱	اذا مرضنا	إذا مرضتم
۷۵۵	ما قبل آخر	لواه	لوائه
۷۶۶	۱۷	نحترق	نخرق، از ابیات جناب عباس بن عبدالمطلب
۷۷۵	۱۲	اذا اطال	إذا طال
۷۸۴	۶	وبيضاً	نهایه: وبيصَ {
۷۸۴	۷	وبيض	
۷۸۴	۱۸	آباؤکم	أباؤکم
۸۰۰	۱۰	اینست	ظ: نیست
۸۰۶	۱۸	وسد	وسد / به صیغه مجهول
۸۱۴	۸	تکثرت	تکثرت
۸۲۴	ما قبل آخر	نزع	نزع

ص	س	فادرست	درست
۸۲۶	۱۱	استهزاء	استهزاء
۸۲۸	۵	كفّف	ظ: كَفّف (باب تفعیل باین معنی نیامده است)

* * * *



جلد چهارم

درست	نادرست	سی	ص
للقائهم؟ (یعنی مشرکان را در بدر؟) لقتالهم؟	لقاتهم	۱۲	۶
جُعِشُم	جعشم	ما قبل آخر	۷
إِذْ نَظَرَ	اذاً نظراً	۲۳	۱۵
أَمَامَهُ	امامه	۲۴	۱۵
فَنَنْتَهَبَ (باب افتعال)	فنتنهَب	۱۵	۱۷
حَبْرُومٍ	خیروم	۱۶	۱۷
بِيضاً	بیضاء	۲۱	۱۷
خَيْلٍ	خِیل	۲۱	۱۷
بِالْعَدْسَةِ (نهایه = آبله)	بالعدسية	۲۳	۱۷
مَعُوذٍ	معود	۷	۲۱
وَأُجْهَرَ عَلَيْهِ	و اجاز علیه	۷	۲۱
يُحْيِيكُمْ» و «أَحَقَّ	یحییکم	۱	۲۲
فَإِنْ رَجَعْتُمْ إِلَيَّ	فارجعتکم الی	۱۸	۲۵
ظَهَرَانِيهِمْ	ظهراینهم	۱۹	۳۰
رُبِّيَ زَمَانَ	رای زمان	۲۳	۳۰
يَنْكُتُ	ینکت	۲۴	۳۰
حُدْرَنَا	حذرنا	۲۴	۳۰
أَبِي لُبَابَةَ / أَبَالْبَابَةَ	ابی لبانه / ابالبانه	مکرر	۳۲ و ۳۱

ص	س	فادرست	درست
۳۱	۱۶	هرون بن	مَروان بن (در اسم جناب اَبی لبابه اختلاف است و از آن جمله مروان است و ظاهراً هرون بفرض آنکه در مخطوطه هم هرون آمده باشد و «مَروان» نیامده باشد مصحّف مروان است)
۳۱	۱۹	فآتی الله	فأبی رسول الله أن
۳۲	۱	قد تیب	قد تیب
۳۳	۲۲	ابوالبحتری	أبو البَختریّ
۳۴	۱۰	تسیح	تَسَحَّ (خودت را بیوشان - بییچ: (در نماز میت: اللهم إنَّ هذا المُسَجِّيّ)
۳۵	۱۵	من السماء	من السماء»
۳۵	۱۵	او آتنا	«أوأتنا
۳۶	۱۸	ملیء	ملاى
۳۹	۱۸	یشتغلون الدنيا	یشتغلونَ بالدنیا
۴۱	۱۳	ظهرانیهم	ظهرانیهم
۴۳	۱۵	تاراً	ثاراً
۴۷	ما قبل آخر	یغفرُ	یغفرُ
۴۸	۲۱	ان عادو الی التفضل	إن عادوا إلى التَّضَلُّ
۴۸	۲۳	فهل لا	فهلّ
۵۳	۲۱	ویلی مکه	ظ؛ ما یلی مکة یا: ممّا یلی مکة
۵۳	۲۳	نشر	نَشَرَ
۵۸	۲۲	خاف	أخافُ

ص	س	فادرست	درست
۶۲	۸	قرط	قُرطَه
۶۶	۷	ليستجيزون	لَيْسَتْخَبْرُونَ
۷۱	۱۶	ثرات	تيرات
۷۲	۷	گردنوايست	؟ شايد گردِ وايسْت (يعنى ضرورت و حاجتمندى؟) يا «نبايست است» با ابدال «ب» به «واو» ثمودا (تنوين ندارد - در كتابت مصحف ثمودا)
۷۴	۶	ثموداً	؟ سوء و نَصَب ؟؟
۷۴	۲۱	سؤل و نصيب	على الشىء حثاً
۷۸	۹	على الشىء حثاً	للتبين
۸۱	۱۴	للتبين	فى العدو
۸۱	پاورقى	فى العدد	و اعلموا ان الله...» مُدْلُهُم
۹۱	۶	«و اعلموا ان الله...»	بُعَاث
۹۱	۱۸	بُعَاث	لايبلغ
۹۱	۲۴	لايبلغ	تحصنوا
۹۲	۲۳	تحصنوا	أمنه
۹۳	۱۰	آمنه	أدينهم
۹۵	۵	ادينهم	عياض
۹۷	۱۰	عياض	كلا
۹۷	۲۴	كلا	و ائتمروا
۱۰۱	۶	و ائتمروا	نعمان
۱۰۴	۱۲	النعمان	فوجر
۱۰۴	۱۴	فوجر	بانفاق بشر
۱۰۶	۹	بانفاق بشر	رحبه
۱۱۳	۱۱	رحبه	

ص	س	فادرست	درست
۱۱۵	۹	لا یقرن	لا یقرون
۱۱۶	۲۲	ابن جریح	ابن جریح
۱۱۶	۲۲	فخاص	فخاص
۱۱۸	۱۱	عزیز	عزیر
۱۱۸	۱۶	قراء	قرء یا قرأ
۱۱۹	ما قبل آخر	لبعلیه	لیغلبه
۱۲۰	۱	بلاء	بلاءاً
۱۲۰	۳	صبتہ	صبتہ
۱۲۰	۴	بناتہا	نباتہا
۱۲۰	۴	اخرجه	أخرجته
۱۲۰	۱۲ و ۱۳	-	لینزلن و لیقتلن و لیدفعن و لیذهبن و لیدعون همه اینها با «ن» تأکید ثقیله است
۱۲۱	۲۲	لا یحبہ	لا یحبہ
۱۲۲	۱۷	نسی	نسی
۱۲۲	۱۸	عنا و طغا	غنی و طغی
۱۲۶	۱۱	لو انعطف و قال ارتحلت	ظ: وأنعطف و قال لی ارتحل
۱۲۷	۱۰	تحرمر	تَحَمَّرَ
۱۲۹	۱۱ و ۱۰	نسا... و أنسا	نَسَأ... و أنسأ
۱۳۰	۴	«ازدادوا	ازدادوا
۱۳۰	۷	یضاهوا	یُضَاهِئُوا
۱۳۴	۸	الرزق	الزَّرَق
۱۳۶	۱۰	«ولا تفتنی»	«ولا تفتنی»

ص	س	فادرست	درست
۱۳۷	۴	واذکر فامشی	أذکر العدَدَ فأمشی (یعنی چون تعقیب کنندگان دنبال دو نفرند)
۱۳۷	۱۵	خانَه	ظ: خایه
۱۳۸	۸	فهِیر	فُهِیرَة
۱۴۱	۱۲	و کسلَهُم	و کَسَلَهُم
۱۴۲	۱۳	یبغونکم الفتنة	یَبْغُونَکُم الْفِتْنَةَ
۱۴۲	۱۸	قبطی	قَبْطِی
۱۴۳	۱۲	حسنا	حَسَنَاءَ
۱۴۳	۱۳	لغشاء	لُغْشَاءَ
۱۴۷	۱۱	قادحة	فَادِحَة
۱۴۷	۱۹	الصواب	الصَّوْب
۱۵۰	۱۶	حرقوس	حَرْقُوس
۱۵۰	۲۲	در غار	در نماز
۱۵۷	۱۴	و جامعة	و جَامِعَة
۱۵۸	۱۱	البقة	الْبَقَّة
۱۶۲	۱۱	بيت مدرج است	نحن بما عندنا و انت بما عندك راضٍ و الرأى مختلف ^۱
۱۶۳	۲۱	ليقولن	لَيَقُولُنَّ
۱۶۵	۱۲	نعذب	نُعَذِّبُ
۱۶۷	۱	نيؤ	نَبَأُ
۱۷۲	ما قبل آخر	مصيرة	مَسِيرَة
۱۷۳	۸	و اغلظ عليهم	«وَأَغْلَظُ عَلَيْهِمُ»

(^۱) شرح دیوان حسان بن ثابت الانصارى ص ۲۰۹.

ص	س	فادرست	درست
۱۷۳	۲۲	کلیک باکلیک	کَلْبِكُ يَأْكُلُكَ / ضرب المثل مشهور
۱۷۴	۱۲	ولایجوزون	ولا يَحُوزُونَ
۱۷۴	۲۱	بن خاطب	بن أبي حاطب
۱۷۵	۲	فتنحی	فَتَنَحَى
۱۷۵	۴	ماویح	يا وَيْحَ
۱۷۵	۲۴	خلف	أخلف
۱۷۵	۲۵	خضم	خَاصَمَ
۱۷۸	۱۸ و ۴	خَلَفَ	أَخْلَفَ
۱۷۸	ما قبل آخر	فسرّی	فَسَّرَى
۱۸۱	۲۱	المطوعین	المُطَوِّعِينَ
۱۸۳	۱۹	یرقی	يَرْقَأُ
۱۸۴	۱۶ و ۱۳	عبدالله ابی	عبدالله أَبِي
۱۸۵	۲۳	الزمنی	الزَّمَنِي (زمینگیران و بیماران مُزمن)
۱۹۱	۱۸	تغیر	تُغَيِّرُ
۱۹۳	۱۱	ای اللائمة	أى اللائمة
۱۹۳	۱۸	العشار	العشار
۱۹۳	۱۸	لم یرد علی الخواض	لَمْ يَرِدْ عَلَيَّ الْحَوْضَ
۱۹۳	ما قبل آخر	اطلع الغیب	أَطَّلَعَ الْغَيْبِ، همزه قطع استفهامی است.
۱۹۵	۴	الآریشاً	إِلَّا رَيْثًا يَا إِلَا رَيْثَمَا
۱۹۵	۱۹ و ۱۸	-	مصرع متنبی باید درگیومه باشد
۲۰۴	۱۲	اما سابقان و انصار	اما سابقان انصار
۲۰۶	۱۰	یفتنونک	يَفْتَنُونَكَ

ص	س	فادرست	لنووقن	لنووقن
٢٠٧	٤			لنووقن
٢٠٨	١٨	اقرأوا	اقرأوا	اقرأوا
٢٠٩	١٢	عليها خيراً	عليها خير	عليها خيراً
٢١٠	١٧	عبد بن حنيف	عثمان بن حنيف	عبد بن حنيف
٢١٦	١١	فَتَلَقَيْنَا يَا فَتَلَقَانَا	فتلثانا	فَتَلَقَيْنَا يَا فَتَلَقَانَا
٢١٩	١٣	شاید: قالوا ربح البيع، به قرينه لا تُقِيل و لا نَسْتَقِيل	قال ربح البيع	شاید: قالوا ربح البيع، به قرينه لا تُقِيل و لا نَسْتَقِيل
٢٢٧	١٩	العراض	العراض	العراض
٢٤٣	٤ و ٣	نَضَّرَ اللهُ	نضرا الله	نَضَّرَ اللهُ
٢٥٥	٨	الرَّحْمَةِ	الرحمته	الرَّحْمَةِ
٢٨٢	١٥	أَمْكُنْكُمْ	امكنكم	أَمْكُنْكُمْ
٢٨٤	٧	أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي	ام من لا يهدى	أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي
٢٨٩	١	زَجَّاج	زجاج	زَجَّاج
٢٨٩	١٦	سوى الله	سوالله	سوى الله
٢٩١	١٩	سحَاءً (بتخفيف: كنز العمال ١١٣٠/١١٣١)	سحَاءً	سحَاءً (بتخفيف: كنز العمال ١١٣٠/١١٣١)
٣٠٢	١٨	بَتَّ	بثَّ	بَتَّ
٣١٠	١	الدَّوَى	الدوى	الدَّوَى
٣٢٣	١٨	«وَسئَلِ...»	«وسل	«وَسئَلِ...»
٣٣٢	ما قبل آخر	إِهْلَاكَكَ	اهلاكك	إِهْلَاكَكَ
٣٣٦	١٦	كليمی	كليمی	كليمی
٣٤١	١٠	و هذا أحد الدلائل	و هذا الحدّ الدلائل	و هذا أحد الدلائل
٣٥٥	ما قبل آخر	وَأذْكَرَ	واذكر	وَأذْكَرَ

سجاء	سجاء	۱۸	۳۵۹
درست	فادرست	س	ص
لا تَهْتَمُّ	لا تهتم	۱۵	۳۶۳
أَعْتَىٰ از عُنُو	اعنى	۲۱	۳۶۷
الابتئاس	الابتئاس	۱۹ و ۱۸	۳۸۰
وقد شاب	قد شاب	۱۹	۳۸۸
هلكت	أهلكت	۲۰	۳۸۸
لغير رشدة (يعنى ولد الزنا)	لغير رشده	ما قبل آخر	۳۹۲
أودبها	اودبها	۱۰	۴۱۹

* * * *

جلد پنجم

ص	س	فادرست	درست
ب	آخر	ذخار	زخار
ج	۱۲	كُلُّ	كُلُّ
۲	۱۹	ارقاكم	ارقاءكم
۵	۹	نصب	نُصِبَ
۵	۱۰	لما	لَمَّا
۹	۳	ثبتهما	ثَبَّتَهُمَا
۱۵	۱۹	غلظ	غَطَطَ
۲۲	۴	يونسونه	يُونُسُونَهُ
۲۴	۷	ارموا	إِرْمُوا
۲۵	۱۳	وان لحومكم و دماءكم لمحرمه علينا	و ان لحومكم و دماءكم لمحرمه علينا (بنحو منادی بحذف يا) و يا و ان لحومكم و دماكم معاشر الانبياء، لمحرمه علينا (بنابر اختصاص)
۲۵	۱۹	اكثرهم	أَكْثَرَهُمْ
۲۹	۱۸	يرد	يَرِدُ
۳۰	آخر	من روجه ان يصيب	مِنْ رُوحِهِ أَنْ يُصِيبَ
۳۱	۷	لنبيعه	لِنَبِيِّعَهُ
۳۲	۱۷	نزعوا	نَزَعُوا

ص	س	فادرست	درست
۴۱	۱۶	بابُکُم لی	بابُکُم لی (به اشباع ضمه میم برای استقامت وزن) ^۱
۴۳	۱۴	بخسُ	بخساً
۵۳	۷	در پاورقی اضافه شود	داستان جریح در صفحات ۳۵ و ۳۶ جلد ششم آمده است
۸۶	۱۴	نَظْرِيَّة النَّفْس	تَطْرِيَّة النَّفْس، طبعاً آنچه در پاورقی ۳ آمده حذف شود
۱۰۰	۷	قراناً	قرانا / پذیرائی مان را
۱۶۰	۱۹	متدالیات	یا متدالیات یا مُتَدَلِّيات
۱۶۱	۱۲	یغشی	یغشی
۱۷۲	۶	ابن جریح	ابن جریح
۱۷۲	۱۵	ذَک «بأن الله»	«ذَک بأن الله...»
۱۷۳	۶	یأتینک	یأتینک
۱۸۰	۱۵	غیروا	غیروا
۱۸۵	ما قبل آخر	جفات... واجفات	جفأت... و أجفأت
۱۹۹	۷	فتجیء	فتجیء
۲۰۳	۱۱	عاینه	عاینه
۲۱۳	۱۰	الرّبی	الرّبوا (کتابت مصحف، چون نقل آیه است)
۲۱۳	۱۹	الی السماء الدنیا	إلی سماء الدنیا
۲۳۹	۴	یردها	یردها
۲۳۹	آخر	ابن جریح	ابن جریح
۲۴۴	۳	یبصر	یبصر
۲۵۲	۹	والتّأخی	والتّأخی

(^۱) شرح دیوان عمر بن أبی ربیعہ، ص ۴۴۹.

ص	س	فادرست	درست
۲۵۳	ما قبل آخر	الکماة	الکماءة
۲۵۵	۲۳	فانتهازه	فانتهازه
۲۵۸	۱۷	لامخاله	لامخاله
۲۶۳	۲۰	ورأى	ورأى
۲۷۱	۷ و ۶	وکلکما	وکلکما
۲۷۱	۶	وکلنا	وکلنا
۲۷۹	۱۲	یکفاهها... یکفاه	یکفوها... یکفوها (نهایه: کفاً)
۲۷۹	۱۲	فی السفرة	فی السفر (نهایه: کفاً)
۲۷۹	۱۴	تصیر	تصیر
۲۹۳	۲۱	اینها	این هاء
۲۹۵	۱۱	الرحا	الرحی
۲۹۵	۱۸	ابن جریج	ابن جریج
۲۹۷	۱۲	هذا بنای	هذا بنای
۲۹۹	۲۰	سوء	سوء
۳۱۱	۱۷	انت حبیبی	ظ: هو حبیبی
۳۱۷	۱۲ و ۱۱	قرأ ابوبکر: جزء مثقلاً	؟
		مهموزاً	
۳۲۲	۱۶	ملاق لا اباً لک	ملاق، لا اباک تُخَوِّقِنِ ^۱
		تخوفینی	
۳۲۵	۲۲	-	میبدی رحمة الله علیه ثریاً را دختر سعید بن زید پنداشته است، ثریاً دختر علی بن عبدالله بن الحارث اموی است (باید در پاورقی متذکر شد)

(^۱) بیت از أبوحیة النمیری است، الکامل للمبرد جلد ۲ ص ۶۷۰.

تَجَبُّرٌ	تَحْيِيرٌ	١٩	٣٣٠
دَرَسْتُ	فَادَرَسْتُ	س	ص
أَتَّبَعْنِي	وَتَّبَعْنِي	آخر	٣٤٥
إِذْ مَاجَ	أَذْهَاجَ	١٦	٣٤٦
يُظَنَّ	يَظَنَّ	٧	٣٤٩
يَرْضَى	يَرْضَى	٢٠	٣٧٩
يَبْسِهَا	يُبْسِهَا	١٥	٤٠٣
فَقَالَ... وَ أَسْقِه	فَقَالَ... وَأَسْقِه	١٠	٤١٢
فِي النَّحْلِ	فِي الْبُحْلِ	١٨	٤١٢
ظ: اوحائطٍ أو تشبيكٍ	او حافظٍ او تشكيل	٤	٤١٣
وَالْعُمُرُ	وَالْعَمْرُ	١٥	٤١٣
قَدْ كَانَ لِي	كَانَ لِي	٥	٤٢٣
نَظَائِرُ	نَظَائِرُ	٦	٤٣٢
ظ: ملطيّه	مطيّه	ما قبل آخر	٤٥١
تَزْفَرُ	تَزْفَرُ	١٢	٤٦٣
بِنْتَرَسِيدِ	بِه نْتَرَسِيدِ	٨	٥٠٣
«وَأَقْتَرَبَ...»	«وَأَقْتَرَبَ»	١٨	٥٠٨
فَأَهْدَأُ	فَاهِدَأُ	ما قبل آخر	٥١٨
فَعَمَّرَهُ (إِنَّمَا يَعْمُرُ الْآيَةَ)	فَعَمَّرَهُ	٢٠	٥١٩
ظ؛ الطائر	الطائر	١٧	٥٢٨
مَعَادُنُ	مَعَادُنُ	١٤	٥٣٦
فَقَدَ	فَقَدِ	٢	٥٤٢
تَعَطَّفَا	تَعَطَّفَا	٣	٥٤٢
فَسَلَّمْتُ	فَسَلَّمْتُ	٢٠	٥٤٢

ص	س	فادرست	امرھا	آمرھا
۵۴۲	۲۰		امرھا	آمرھا
۵۴۲	۲۱	ففقاتها	ففقاتها	ففقاتها
۵۴۴	۵	قرأت	قرأت	قرأت
۵۴۶	۱۱	رزقه	رزقه	رزقه
۵۴۶	۱۷	يقدر	يقدر	يقدر
۵۴۷	۱۴	«خَطَاء»	«خَطَاء»	«خَطَاء»
۵۴۷	۲۰	اوصام	اوصام	؟نمی فهمم سلم؟ شام؟ (=تَطَّلِع بصره منتظراً للشيء
۵۴۸	۱۴	قل ما	قل ما	قلما
۵۵۵	۱۳ و ۱۲	ما لم لاتعلم	ما لم لاتعلم	ما لم تعلم يا مالاتعلم
۵۶۰	۴	و خفيف الريح	و خفيف الريح	و خفيف الريح
۵۷۱	۴	و يقولون	و يقولون	و يقولون »
۵۷۲	۱۹	هفت كس	هفت كس	ظ: هشت كس (چون هشت پیغمبر را می شمارد)
۵۷۴	۲۳	نيام	نيام	ينام
۵۷۸	۱۰	دعاه	دعاه	دعاة
۵۸۵	۹	سوز امّت	سوز امّت	شاید: سود؟ امّت
۵۹۵	۱۶	نصب	نصب	نصب
۶۰۷	۵	عطالك	عطالك	عطاء لك
۶۰۸	۲	بتحميده	بتحميده	شاید: تحميدة (مثل تكبيرة و تسبيحة)
۶۱۶	۱۷	ابوالبختري	ابوالبختري	أبو البختري
۶۱۹	۸	أمنت	أمنت	أمنت
۶۳۴	۱۷	لُقن	لُقن	لُقن
۶۳۸	ما قبل آخر	يُصيرون	يُصيرون	يُصيرون
۶۵۰	۱۰	رُصاص	رُصاص	رُصاص
۶۵۱	۳	رُصاص	رُصاص	رُصاص
۶۵۴	۷	يفسخ	يفسخ	يفسخ

پُر گردیدی	برگردیدی	۱	۶۵۶
درست	نادرست	س	ص
«آمنوا...»	«آمنوا»	۱۶	۶۵۷
نَوَا	لُوا	۱۸	۶۵۷
فراق	فراق	۱۹	۶۵۷
وَلَلدَّارِ	والدَّار	۵	۶۵۸
يعرفون ملأني	يعرفون ملأني	۲۲	۶۶۰
بَيْنَنَا ^۲	بيننا	آخر	۶۶۰
و احالة	و احالة	۱۶	۶۷۷
«و لا تقولن...»	«ولا تقولن...»	۱۷	۶۷۷
و إنا... بكم لأحقون	و أنا... بكم لأحقون	۱۹	۶۷۷
العناد	العباد	۶	۶۷۸
اكتفاءً	اكتفاءً	۶	۶۷۹
إذن	اذن	۱۱	۶۸۱
إلى	الى	۱۳	۶۸۱
يُتَحَفَّهُمْ يا يُتَحَفَّهُمْ	يتحفهم	۱۲	۶۸۵
ما فعلت	ما فعل	۲۲	۶۸۹
بيت نابغه چنين است	-	۱۳	۶۹۱
الحمد لله لا شريك له من لم يقلها فنفسه ظلما ^۳	يتبرون	۷	۶۹۴
يتبرون - يتبرون (به هر دو كتابت مصحفي)	أخذ	۱۳	۶۹۵
أخذ	تحاتت	۱۴	۶۹۵
تحاتت			

(^۱) شرح ديوان عمر بن أبي ربيعة ص ۳۰۸.

(^۲) ديوان امرؤ القيس ص ۳۴۴.

(^۳) ديوان النابغة الجعدي، ص ۱۴۷.

ص	س	فادرست	درست
۶۹۷	۸	بقوت	بقوت
۷۰۰	۷	مُثَلات	مُثَلات
۷۰۲	۳	عزلاً	عُرْلاً
۷۱۲	آخر	يُبَدِّلُهُمَا	يُبَدِّلُهُمَا
۷۱۶	۱۷ و ۱۸ و ۲۱	فاذاً هو	فاذاً هو
۷۱۶	۲۲	و لم يعى	و لم يعى
۷۱۸	۲۲	البِكالى	البِكالى
۷۲۱	۹	برحله	برجِله
۷۲۱	۱۶	يلخاء	يَلْجَأُ
۷۲۲	۱۷	بدا	بَدَأَ
۷۲۳	۲۱	تين	بَيْنَ
۷۲۳	۲۲	تتفرق	تتفرق
۷۲۵	۱۲	يسمين	يَتَمِيمِنَ
۷۲۶	۴	فيما	فَمَا
۷۳۳	۲۳	در سخن	درسختن = در سنجیدن
۷۳۶	۱۰	فاتبع	فَاتَّبَعَ
۷۵۱	۲۲	برآی	بُرَأَى

جلد ششم

ص	س	فادرست	درست
۳	۸	دعا لله	دعا لله
۹	۱	لانورث	لانورث (درص ۷۰ همين جلد ششم نيز مي گويد و الاختيار التخفيف)
۱۰	۱	مسنين	مسنين
۱۰	۱	(۱)	زائد است حذف شود
۱۰	۱۳	وعتياً	وعتياً
۱۰	۲۱	هينون لينون	هينون لينون (بتخفيف هر دو)
۱۱	۱۴	مدكر	مدكر
۱۱	ما قبل آخر	اوايماء	أو إيماءاً
۱۳	۱۲	للذين	للذين
۱۳	۲۴ و ۲۳	انبتت	أَنْبَتَتْ يَا نَبْتَتْ
۱۴	۱۶	يصر ب	يَضْرِب
۱۴	۲۱	مطلع	مُطَّلَع
۱۷	۲	ازليت	أَزَلَيْتَ
۱۷	۲۰	يعيني	بِعَيْنِي
۱۹	۱۴	ما يسر	ما يَسْرُ؟ و به اقرب احتمال: ما نَسَرَ (دعاي كميل: و كَمٍ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَسْرَتُهُ و دعاي أبو حمزه: أَجْمِيلٌ مَا تَنْشُرُ أُمَّ قَبِيحٍ مَا تَسْتُرُ)
۱۹	۱۷	ثلاثاً»	«ثلاثاً
۱۹	۱۷	يقنطون	يُقْنَطُونَ

ص	س	فادرست	درست
۲۰	۱۹	دعاء	دعاءً
۲۳	۲۰	«قالت مریم»	«قالت» و مریم حذف شود
۲۶	ما قبل آخر	لباج الآيات	لتاج الآيات / یعنی رعایت وزن کلمه اخیر آیات ما قبل، آخرین کلمه آیه تاج الآیه است که گاهی رؤس الآيات گفته می شود. ج ۲ ص ۱۸۳
۲۸	۲۰	و البغاء	و البغاء
۳۰	۱۷	ليتفتيا	لِتَتَفَيَّأ
۳۰	۱۹	فاجآها	فَاجْأها (از مُفْجَاة)
۳۱	۵	النسيى	النَّسِي
۳۲	۹	التائيت	التَّائِيَت
۳۲	آخر	نساءكم الولد	نساءكم الولد - حديث / ۳۵۳۰۰ كنز العمال
۳۴	۴	يفرى فرية	يفرى فَرِيَّةً: (نهایه: فری)
۳۵	۶	موظاء	مُوظَّأ
۳۵	۱۶	ابان	إِبَان
۳۶	۷	زنيث	زَنِيثَ
۳۸	۱۵	«قول الحق»	قولُ الحقِّ
۳۹	۶	ملكائيه	ملكائيه
۳۹	۱۴	واوصانى	و أوصانى
۴۰	۱	مع ضلالتهم	مع ضلالتهم
۴۱	۶	رب العزة	ربّ العزّة
۴۱	۲۰	«تبارك الله... الخ	این عبارت یک بیت شعر است باید بصورت شعر چاپ شود

ص	س	فادرست	درست
۴۴	۱۱	یذکرکم... و یرغبکم	یذکرکم... و یرغبکم
۴۸	۲	بکیا»	بکیا
۴۸	۱۲	مفرط	مفرط
۴۸	۱۳	من ركب المعصية	من ركب المعصية
۴۸	ما قبل آخر	فیشربون	فیشربون
۵۰	۲	بنیا	نبیا
۵۲	۷	سلمت	سلمت
۵۲	۸	سلمت	سلمت
۵۲	۱۷	تحفی به	تحفی
۵۴	۵	قریه	قریه
۵۴	۱۵	خلصوا	خلصوا
۵۹	۵	سجدا	سجدا
۵۹	۱۵ و ۱۴	أضاعوا... و اتبعوا	أضاعوا... و اتبعوا
۵۹	۱۷ و ۱۶	شرايون لعابون... ركابون	شرايون - لعابون - ركابون
۵۹	۱۹	ينروا	ينزوا
۶۰	۱۳	لاخفابه	لاخفاء به
۶۳	۲	و كلمه «رئه»	«و كلمه رئه»
۶۹	۱۳	بروها	بروها
۷۳	۱۷	و الشياطين	«والشياطين»
۷۴	۲	عتوا... و غلوا	عتوا و غلوا
۷۵	۱۰	يصدون	يصدرون
۷۵	۱۱	كخضر الغرس	كخضر الغرس (تاج: حضر)

ص	س	فادرست	درست
٧٥	١٥	تحلة	تَحِلَّةٌ
٧٥	آخر	ذرى	ذَرِي
٧٨	٣	جزاهم	جَزَاءَهُمْ
٨٠	٤	اعداء	اَعْدَاءٌ
٨٠	٨	ضداً	ضِدًّا
٨٠	١٢	قيضنا... نقيض	قَيِّضْنَا - نُقِيضُ
٨٠	١٤	تؤزهم	تَوَزُّهُمْ
٨٠	٢٠	نعدلهم	نَعْدِلُهُمْ
٨١	٨	العطاش	العِطَاش
٨٢	١١	شفاعة شفاعه	الشَّفَاعَةُ شَفَاعَةٌ
٨٢	١٣	وتبرا	تَبَرَّأَ
٨٣	٦	يئد	يَيْئِدُ
٨٣	١٥	فيبشر	فَيَبْشُرُ
٨٤	٩	آتية	آتِيَةٌ
٨٥	٤	رجل	رَجُلٌ
٨٦	آخر	هزل	هَزَلٌ
٨٨	١٦	و تتلقهم	تَتَلَقَّيْهِمْ
٨٩	١٢	ترد	نَرَدُ
٩٧	١٦	ولتتكلف	لِتَتَكَلَّفَ
١٠١	٥	ان	أَنَّ
١٠١	٨	اسماء	أَسْمَاءٌ
١٠٥	١١	ازلت	أَزَلْتُ
١٠٧	٤	سقاءه	سِقَاءَهُ

ص	س	فادرست	درست
۱۰۷	۸	رکزها	رکزها
۱۰۷	۱۲	«قال القیها»	«قال ألقها»
۱۰۹	۱۶	والهان	والهان
۱۱۰	۲۱	الآ	الآ
۱۱۲	۱۷	دارافزینا	دارافزینا
۱۱۵	۹ و ۴	ویسر/اشدد/واشركه	و یسر/أشدد/و أشركه
۱۱۵	۱۱	نسبحك	نُسَبِّحُكَ
۱۱۵	آخر	الیم	الیم
۱۱۶	۹	سینن	سینن
۱۱۶	۱۵	و خوانید	و خوانید
۱۱۷	۱۹	شتی	شتی
۱۱۸	۴	اهبت	أهبت (بتخفيف)
۱۱۸	۹	ابن جریح	ابن جریح
۱۱۹	ما قبل آخر	نسبحك ... ننزهك	نُسَبِّحُكَ... ننزهك
۱۲۱	۱۵	هذالحرس	هذا الحرس
۱۲۲	۷	كراهیت	كراهیت
۱۲۳	۱۹	لتغذی	لِنُغْذِي
۱۲۵	۵	سهلنا	سهلنا
۱۲۶	۱۸	تلطفاً... تغلظاً	تَلَطَّفًا... تُغَلِّظًا
۱۲۷	۱۲	خاش	خاش
۱۲۷	آخر	قالوربنا	قالوا ربنا
۱۳۱	۹	رمیم	رَمِمٌ
۱۳۲	۱۰	ناحیه	ناحیه

ص	س	فادرست	درست
۱۳۷	۱	لا یروعنک	لا یرُوعَنَّک
۱۴۰	۹	اغذیه	أَغْذِیْهِ
۱۴۱	۲۱	ابن جریح	ابن جُرَیج
۱۴۳	۱۹	المه	أُمُّهُ ^۱
۱۴۳	آخر	یقلن	وَيَقْلُنَّ ^۲
۱۴۸	۱	لا یتوهم	لا یتَوَهَّم
۱۴۸	۱۳	علی الخشب	عَلَّا الخشب
۱۴۹	۱۸	خیر الهیة	خیرُ الْهَیْئَةِ
۱۵۸	۸	جمیل	حمیل
۱۵۸	۱۴	تحلة	تَحِلَّة
۱۵۹	۲	المضمر	المُضْمَر
۱۵۹	۶	و الوجه ان	و الوجهُ أَنْ
۱۵۹	۱۸	کلا	کَلَّا
۱۶۰	۴	نلحقهم	فَلَحَقَهُمْ
۱۶۰	۷	«واضل»	«وَأَضَلَّ»
۱۶۰	۱۹	نزلنا	نَزَّلْنَا
۱۶۰	ما قبل آخر	لا کلمه	لَا کَلِمَهُ
۱۶۱	-		در بسیاری از سطور حلّ و یحلّ با تخفیف و بدون علامت تشدید چاپ شده است
۱۶۱	۲۰	تورتة	توریه
۱۶۵	۳	«فاتبعونی»	«فَاتَّبَعُونِي»

(^۱) دیوان الأعشى الكبير، ص ۲۹: مَنْ يُلْمُنِي عَلَى بَنِي ابْنَةِ حَسَا

ن، أُمُّهُ، وَ أَعْصِهِ فِي الْخُطُوبِ

(^۲) الاغانی جلد ۴، ص ۲۹۵.

ص	س	فادرست	درست
۱۶۵	۱۵	صرت الفتنه	صَوْتُ الْفِتْنَةِ
۱۶۵	۱۷ و ۱۸	«الا تتبعن» و تتبعنی	«أَلَا تَتَّبِعِينَ» وَ تَتَّبِعُنِي
۱۶۷	۱۱	بديه	يَدِيهِ
۱۶۷	۱۷	الاحما	إِلَّا حُمًّا
۱۶۷	۲۰	من قبله	مِنْ قَتْلِهِ
۱۶۸	۹	«لنحرقنه»	لَنَحْرُقَنَّهُ
۱۷۱	ما قبل آخر	«ولا تمد عيناك»	«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ»
۱۷۳	آخر	«وصرفنا...»	«وَ صَرَفْنَا...»
۱۷۴	۱	يتقون	يَتَّقُونَ
۱۷۴	۱۷	ادلک	أَدُلُّكَ
۱۷۶	۱۳	مسود	مَسْوَدٌ
۱۷۶	۱۴	العظم	الْعَظِيمِ
۱۷۹	۴	ان لکنایه	إِنَّ الْكِنَايَةَ
۱۷۹	۱۷	من ابها	فَمَنْ أَبَاهَا
۱۸۰	۵	نزل	نَزَلَ
۱۸۰	۹	هو القرآن	هُوَ الْقُرْآنُ
۱۸۱	۱۸	سهی	سَهَا
۱۸۱	۲۰	استزله	أَسْتَزَلَّهُ
۱۸۲	۱۳	وحد	وَ حَدَّ
۱۸۳	۱۶	لاتظموا	لَا تَظْمَأُوا
۱۸۴	۱۰	احتج	اِحْتَجَّ
۱۸۴	۱۱	خبيتنا	خَبِيَّتِنَا
۱۸۴	۱۳ و ۱۶	فحجج	فَحَجَّجْ (حَاجَّهُ فَحَجَّجَهُ)

ص	س	فادرست	درست
۱۸۴	۲۱	يَاتِينَكُمْ	يَاتِينَكُمْ
۱۸۴	آخر	واتبع	واتَّبِعَ
۱۸۵	۱	«فمن اتبع	«فمن اتَّبَعَ
۱۹۰	۸	در حقایق	دُرَّ حَقَائِقِ
۱۹۱	۱۵	مبار	مَبَارًا
۱۹۵	۸	فتغمز	فَتَغْمِزُ
۱۹۷	۱۳	انی و انی	إِنِّي وَ أَنِي
۲۰۲	۱۹	باراذی	بَارِ أَدَايِ
۲۰۳	۳	اسماع	استماع
۲۰۶	۲	متربص فتربصوا	مترَبِّصٌ فترَبِّصُوا
۲۰۷	ما قبل آخر	و هو سمیع العلیم	و هو السَّمِيعُ العَلِيمُ
۲۰۸	۱۰	دانس	دانش
۲۰۹	۱۲	بازگردیمی	بازی کردیمی
۲۱۱	۱۶	هی عن الشیء	لَهِیْ عَنِ الشَّيْءِ
۲۱۵	۱۲	للذاهبة	لِلذَّاهِبَةِ
۲۱۶	۱۱	یا آل ثارات	يَا آلِ ثَارَاتِ
۲۱۷	۳	لتجازی	لِنُجَازِي
۲۱۸	۲	لابقاءه	لَا بَقَاءَ لَهُ
۲۲۰	۱۰	ابد الابد	أَبَدًا أَبَادًا
۲۲۲	۹		حدیث قدسی بصورت بیت شعری چاپ شده است
			اصلاح فرمایند
۲۲۲	۲۱	صباب	صُبَابٌ
۲۲۳	۹	یسبحون	يُسَبِّحُونَ

ص	س	فادرست	درست
۲۲۴	۱	مت	أُمَّت
۲۲۷	۱۸	وکل نبی، مُجاب	و کل نبی، مُجاب. الزائد
۲۳۰	۶	ملتیمین	مُلْتَمَتِّینِ و لإستدارته
۲۳۲	۱۴	و الاستدارته	إلی توحید
۲۳۴	ما قبل آخر	الی التوحید	فلا تَسْتَعْجِلُونِ»
۲۳۷	۱۱	«فلا يستعجلون»	«أفأنتم...»
۲۳۹	۷	«فأنتم...»	نَحْبِی (مرگم)
۲۳۹	۱۸	تحبینی	فَأَقْتَصَّ و أَقْتَصَّ
۲۴۲	۵ و ۱	فاقتص ... و اقتص	يُقْبَلُونَ
۲۴۲	۱۸	يقبلون	مُر...يُصَلِّ
۲۴۳	۳	مر...يصل	هَازِم اللِّذَاتِ
۲۴۴	۵	هادم اللذات	مُخْرَب
۲۴۴	۶	مخرب	يُصَلِّي
۲۴۶	۶	يصلی	أَرَمَّتْ
۲۴۷	۳	و قد ارمت	پاورقی اضافه شود: توجه: ابن اثیر در نهاییه می گوید: قال الحربی: هكذا يرويه المحدثون، و لا أعرف وجهه، و الصوابُ أَرَمَّتْ، فتكون التاء لتأنيث العظام، أو رَمِمَتْ: أى صرتَ رميماً... الخ (نهاییه: رم) (این توضیح ضروری است)
۲۵۰	۱۰	كلاة	كَلَاءَةٌ
۲۵۲	۳	ای يخوفون	أى يُخَوِّفُونَ
۲۵۲	۷	دلوا	دَلُّوا

ص	س	فادرست	درست
۲۵۲	۱۶	يخيف	يَخِفُّ
۲۵۷	۱	نهند	ننهند
۲۶۱	۱۶	رسالاته	رسالتَه
۲۶۳	۹	الآ تأكلون	أَلَا تَأْكُلُونَ؟
۲۶۳	۱۵	و الرقات	و الرقات = ة
۲۶۵	۲۰	ماتراه	ما نراه
۲۶۷	۱۵	ظنت انها تغنى	؟ ظننت...؟
۲۷۰	۱۰	فادلته	فأولتته
۲۷۲	۱۱	خاكسارز	خاكسار؟
۲۷۳	۱۲	بل تا بر آيد	بل = بهل؟
۲۷۸	۲ و ۱	عنا قیده	عناقیده
۲۷۸	۱۰	بحیصه	مُحِیَصَة
۲۸۳	۱۳	حربوا	حربوا
۲۸۴	۴	فأتبعه	فأتبعه
۲۸۶	۸	فالحقنى	فألحقنتى
۲۸۶	۱۵	فادلى	فأدلى
۲۸۶	۱۶	ببرائى	ببرأى
۲۸۶	۱۸	فادل	فأدل
۲۸۶	ما قبل آخر	منتك	منتك
۲۸۷	آخر	فارکض	ف «ارکض ... و شراب»
۳۰۷	۲۱	تم ابتداء	ثم ابتداء
۳۰۶	۹	نشر و تل	نشز و تل
۳۰۶	۱۶ و ۱۷	يجارون	يجارون
۳۰۸	۳	حطبها	حطبها

ص	س	فادرست	درست
۳۱۵	۱۰	العدة	العدة
۳۱۷	۱۶	لما يريد	لِمَا يُرِيدُ
۳۱۸	۱۶	تورثينا	تَوَرِثِنَا
۳۲۶	۱۳	بترعمر	بَتَرَ عُمَرَ
۳۳۳	۸	امة	أُمَّه
۳۳۶	۷	ناى	نَأَى
۳۳۶	۱۵	ثنت	تَثَنَّتْ ^۱
۳۳۸	۷	جز معطوف	جُرِّ، مَعْطُوفٌ يَأِ مَعْطُوفاً
۳۴۷	۲	و من یرد	و مَن يُرِدُ
۳۴۷	۱۵	كقوله	شاید: لِقَوْلِهِ
۳۴۸	۱۳	عوذ	عَوِذٌ (در پاورقی اضافه فرماید: در بعضی مآخذ عوف)
			مَعُوذٌ
۳۴۸	۱۳	معوذ	أَكْفَاءَنَا
۳۴۸	۱۵	اكفانا	اِقْتَتَلُوا
۳۴۸	۲۰	اقتلوا	أَمَّنَا بِنَبِيِّنَا
۳۴۹	۴	آمنا نبينا	سَقَطُهم و عَجَزُهم (نهایه: عجز)
۳۴۹	۱۱	سقطهم و عزتهم	أَسْمَاءُ=أَسْمَاءُ
۳۵۱	۱۹	اسماء	بَدَى يَأِ تَبَدَّى
۳۵۲	۱۶	بدأ الرجل	و مَن يُرِدُ
۳۵۳	۱۱	و من یرد	أَن تَقْتُلَ
۳۵۳	۱۵	ان تقتل	لَأَذَاقَهُ
۳۵۳	۲۱	لاذاقه	

(^۱) دیوان النابغة الجعدی، ص ۱۰۰.

ص	س	فادرست	درست
۳۵۸	۱۸	«و لیتطوؤوا»	«و لیتطوؤوا...»
۳۶۰	آخر	فی الابرهم	فی لإبراهیم
۳۶۱	۶	این علی	إبن علی
۳۶۱	۸	الا الله	إلّا لله
۳۶۱	آخر	منادی	منادٍ
۳۶۴	۲	لیتطوؤوا	لِیْطَوُّوْا
۳۶۴	۵	بگذار	نگذار (مگر اینکه بگذار بمعنای ترک کند، رها کند = باشد)
۳۶۴	۹	حُفْصَة	مشهور آن است که این مسأله مربوط به أم المؤمنین صفیه است (ارشاد الساری ۳/۲۵۵ - نهایه: حلق - تاج العروس) در پاورقی این توضیح را اضافه فرمایند
۳۶۴	۱۰ و ۹	عقری حلقى	عَقْرَى حَلْقَى
۳۶۵	۶	لا تقتلوا	لَا تَقْتُلُوا
۳۶۵	۶	حرم	حُرْمٌ
۳۶۵	۱۸	هذه	هذا
۳۶۸	۴	لا یسم	لَا یُسَمَّى
۳۶۸	۲۰	مغافره	مَفَاغِرَةٌ (بیت از شَمَاح است)
۳۷۰	۲	وقفنا	وَقَفْنَا
۳۷۰	۱۱	این نباد	ابن نَبَازٍ
۳۷۲	۲۰	ائتونی	آتونی
۳۷۸	۱۸	تغریت؟	؟تعریف؟ تعزیت؟؟؟
۳۸۰	۸	ناصریه	ناصریه

ص	س	فادرست	درست
۳۸۲	۱۶	عطاشا	عطاشاً
۳۸۳	۲۱	ام ابن مکتوم	ابن أم مکتوم
۳۸۸	۱۰	ابن جریح	ابن جریح
۳۸۹	۵و۲	نزعات	نزعات
۳۹۰	۱۰	لاهم	لأهم
۳۹۰	۱۱	صرفت	صرفت
۳۹۰	۱۵	واحي	و أحيى
۳۹۱	۲۰	من لشیطان	من الشیطان
۳۹۵	۱۰	«أما الذین	«إن الذین
۳۹۷	۱	قدمت	قدمت
۳۹۸	۲۰	غیبت	غیب
۳۹۹	۱۰	ذلك لكم	ذلل لكم
۴۰۱	۳	یکونه	یکونه
۴۰۵	۱۱	تقلبها... كما تقلبها	تقلبها... كما تقلبها
۴۰۵	۱۴	واتلتها	؟ و أقلها؟؟ نمی فهمم (یعنی کمترین حدّ سجده تلاوت؟)
۴۰۸	۸	یعینی	یعینی
۴۰۸	۱۱	فمجدنی	فمجدنی
۴۰۸	۱۱	الرحیم	الرحیم
۴۰۹	۱۶	فهما	فهما
۴۱۰	۱۰	ننگ	ظ: تنگ
۴۱۱	۵	یدلکم	یدلکم
۴۱۵	۱۱	ولا تحرمنا	ولا تحرمنا

ص	س	فادرست	درست
۴۱۶	۱۴	ابصرر	أُبْصِرَ
۴۱۶	۲۰	لا یحمل	لَا یَحْمِلُ
۴۱۷	۱۷	ابن جریح	ابن جُریح
۴۱۸	۵	الزَّیَال	الزَّیَال (یعنی فراق و دوری موجب زوال عهد نشود)
۴۱۹	۱۰	جید	جَیِّدٌ
۴۲۱	۲	ابن جریح	ابن جُریح
۴۲۱	۱۴	لم یجرَّ	لَمْ یَجُرَّ
۴۲۱	۱۶	تحیون	تَحِیُونَ
۴۲۷	۱۵	«من کلَّ زوج اثنین»	«من کُلِّ زَوْجَیْنِ اثْنِیْنِ»
۴۲۸	۱۳	بشرٌ	بَشْرًا
۴۲۸	۲۱	مبزییم	می زبیم یا: میزییم
۴۲۹	۱۲	تترأ	تَتَرَى
۴۲۹	۲۱	«فقالوا نؤمن بشرین»	«فقالوا أنؤمن لبشرین»
۴۳۰	۱۲	التفات	التَّفَاوُتِ
۴۳۲	۱	تینت	تَنَبَّتِ
۴۳۳	۸	لا تقتلوا	لَا تَقْتُلُوهُ
۴۳۴	۲۰	دعآه	دُعَاةً
۴۴۷	۱۲	«بل آتیناهم»	«بَلْ أَتَيْنَاهُمْ
۴۵۳	۱۲	بحضرم	يَحْضُرُهُمْ
۴۵۳	۱۴ و ۱۳	و حدَّ	وَحَدَّ
۴۵۶	۱۸	«آذا»	«إِذَا»
۴۵۸	۶	«بل آتیناهم»	«بَلْ أَتَيْنَاهُمْ
۴۶۱	۱۴	قرار	قَرَارِهِ

ص	س	فادرست	درست
۴۶۱	۱۹	اِيَّهَا	أَيُّهَ (كتابت مصحف - آيه ۳۱ نور)
۴۶۳	آخر	كَلَّا	كَلَّا
۴۶۶	۱۸	نَزَعَاتِهِمْ وَنَزَعُ الشَّيْطَانِ	نَزَعَاتِهِمْ وَ نَزَعُ الشَّيْطَانِ
۴۶۹	۳	كَانَ	كَانَ
۴۷۷	۱۴	فَأُحِبِّتُ	فَأُحِبِّتُ
۴۸۱	۱۱	الآيَاتِ	لآيَاتِ
۴۸۱	۱۱	بِسُورَةِ	بِسُورِ
۴۸۷	۵	فَسَقُّونِي	فَسَقُّونِي
۴۸۷	۱۴	مَا لَمْ يُحَدِّ	مَا لَمْ يُحَدِّ
۴۸۷	۱۹	لَانَ اِبْدَا كُلِّ	لَانَ اِبْدَا كُلِّ
۴۸۸	۱	تَدْرٍ	تَدْرٍ
۴۹۰	آخر	خَدَلَجِ	خَدَلَجِ
۴۹۱	۱	وَحَرَّةٍ	وَحَرَّةٍ
۴۹۱	۳	رِئِي	رِئِي
۴۹۳	۱۷	اقْبَلُوا	اقْبَلُوا
۵۰۰	۹	فَوَلِي	تَوَلَّى
۵۰۱	۶	لَقَلَّ مَا	لَقَلَّ مَا
۵۰۳	۱۱	مِنَ التَّكْبِيرِ	مِنَ التَّكْبِيرِ
۵۰۳	۱۷	عَذَابِ	عَذَاباً
۵۰۳	۱۸	يُدْفَعُ	يُدْفَعُ
۵۰۴	۷	بَارِبَعَةَ الشُّهَدَاءِ	بَارِبَعَةَ شُهُدَاءِ
۵۰۴	۱۸	بَلَّغْنِي	تَلَقَّنِي
۵۰۸	۲۰	شَهِيدٍ	شَهِيدٍ

ص	س	فادرست	درست
۵۱۱	۲	عصاة	بِحَصَاةٍ (حديث ۲۵۲۳۳ كنز العمال)
۵۱۱	۷	للسائلة	للسائلة
۵۱۲	۱	بيت:	اذا علقت روجى حبيباً تعلقت به غير الايام تستلبيته
۵۱۲	آخر	سلاسه	سالة
۵۱۳	۱۳	ملائكة	الملئكة
۵۱۴	۴	و احمدته	و احمديه
۵۱۷	۱۷	ينقضوا	ينقضوا
۵۱۸	۹ و ۸	لا يفضى ولا تغضى	لا يفضى ولا تغضى
۵۱۸	۱۶	افعميا و ان انتما	افعميا و ان انتما؟
۵۱۹	۱۲	مقالعهن	مقالعهن
۵۱۹	آخر	مينا	منى
۵۲۰	۹	من جملة	من جملة
۵۲۰	۱۸	ابن جريح	ابن جريح
۵۲۱	۱۴	مروهم	مروهم
۵۲۲	۶	الايم	الايم
۵۲۳	۱۱	عن ذلك	فمن ذلك
۵۲۶	۱۰	النساء	للنساء
۵۳۳	۱۳	لا يحلقها	لا يحلقها
۵۳۶	۶	تتضح فان	تتضح و ان
۵۳۹	۴	يسبحون	يسبحون
۵۴۵	۱۳	يتعدى	يتعدى
۵۴۸	۹	ولا تعد	ولا تعد
۵۵۵	۹	يصب	يصب

ص	س	فادرست	درست
۵۵۷	۱۳	الضرب	الأضراب
۵۵۹	۴۳	امر	أمر
۵۵۹	۱۲	تأمن	تأمن
۵۶۰	۱۹	اذا تاه	إذ أتاه
۵۶۲	۲	احدام لايدله و آن	أجذم لايدله و إن
۵۶۷	۱۲	بريان	يريان
۵۷۱	۶	«قد يعلم الَّذِينَ»	«قد يعلم الله الَّذِينَ...»

* * * *



جلد هفتم

ص	س	فادرست	درست
۹	۹	و ان نبياً	و إن شئت نبياً
۱۰	۴	ای حاملاً رمحا	أى و حاملاً رُمحاً
۱۰	۹	رسول (ص)	الرَّسُولِ (ص)
۱۰	۱۴	ولهما	و هُما
۱۱	۶	وعدهم	وَعَدَهُمْ
۱۲	۱۱	البرى	الْبَرِىءِ
۱۳	۲	-	حدیث شریف نبوی (ص): یعنی پناه بر خدا از اینکه زنی بیوه بی شوهر بماند و کسی او را به همسری نگیرد- علامت (۱) و پاورقی کلاً حذف شود
۲۴	ما قبل آخر	وهبته اهبا	ظ: و أهبى إهباءً
۲۴	ما قبل آخر	يسطح	يَسْطَعُ
۲۷	۹	ابى مُعِيط	عقبة بن أبى مُعِيط
۲۸	۳	منَّ لِلصَّبِيَّةِ	مَنْ لِلصَّبِيَّةِ؟
۲۸	۲۰	من يخالک	مَنْ يُخَالِلُ
۲۸	۲۱	وجدتک	وَجَدْتُكَ
۲۹	۲	جملة	جَمَلَةٌ
۲۹	۱۶	لرَّسُولِ اللَّهِ (ص)	لرَّسُولِ اللَّهِ (ص)
۲۹	۱۹	دآود	داوُد

ص	س	فادرست	درست
۴۷	۱۱	رحمه	رَحْمَةً
۴۷	۱۸	وطلا	وَطَلًّا
۴۷	۱۹	«ليذكروا»	«لِيَذْكُرُوا»
۴۹	۱۱	زوج ابنته	زَوْجُ ابْنَتِهِ
۵۱	۲	فاطمه دختر را	ظ: فاطمه دخترم را
۵۲	۱۷	الهی زادنی... اعداک	الهی زِدْنِي... أَعْدَاؤُكَ
۵۵	۱	تجاوز عنک	أَتَجَاوَزُ عَنكَ
۵۵	۴	قتصیب	فَتُصِيبُ
۵۸	۶	«سجدا...»	«سُجَّدًا»
۵۹	۱۰	مروا	مَرُوا
۵۹	۱۱	ذکروا	ذُكِّرُوا
۵۹	۱۲	لم یخروا	لَمْ يَخِرُّوا
۵۹	۱۸	«و یلقون...»	«و يُلْقَوْنَ...»
۵۹	۲۰	مستقراً	مُسْتَقَرًّا
۶۰	۳	فقد کذبتهم	فَقَدْ كَذَّبْتُمْ
۶۰	۱۰	عطیة بن العوفی	عَطِيَّةُ بِنِ الْعَوْفِيِّ
۶۱	۴	بعد ثلث قمر... و لاقمر	بعد ثلثِ قمر... و الْأَقْمَرُ
۶۲	۷	هیئون لیئون	هَيُّونٌ لَيُّونٌ
۶۲	۸	هیئون	هَيُّونٌ
۶۲	۱۵ و ۱۸	سجداً	سُجَّدًا
۶۳	۲	سجداً	سُجَّدًا
۶۴	۲	ملحا	مُلِحًا

ص	س	نادرست	درست
۶۵	۳	جوف	جَرَفُ
۶۵	۱۵	یأتمنی	يَأْتَمُنِي
۶۶	۳	و فرجه	و فرجه بـ « انا
۶۶	۱۱	فتلی	فَتَلَا
۶۸	۵	يقوم	يَقُولُ
۶۸	۸	«الا خوف	«أَلَا خَوْفٌ...»
۶۸	آخر	وخوفوا	و خُوفُوا
۷۱	ما قبل آخر	«و يلقون فيها»	«وَيُلْقُونَ فِيهَا»
۷۳	۲	خمس قد مضيق	خَمْسٌ قَدْ مَضِيئِنَ
۷۳	۱۳	در گردش	در گردشش؟
۷۵	آخر	برفقیهم	بَرَقِيئِهِمْ
۷۶	۱	لا رفیق لهم	لا رَقِيقَ لَهُمْ
۷۷	۱۳	لاتخذت	لَتَّخَذْتَ (کتابت مصحف شریف باید رعایت شود)
۷۹	۵	هو خواص	هُم خَوَاصٌّ
۷۹			آیا از پایان سطر نهم و آغاز سطر دهم کلمه یا کلماتی افتاده است؟
۷۹	بیت عربی	طریفة	طُرَيْفَةٌ (بصیغه تصغیر)
۸۰	۹	«نزل علیهم»	«نُنزِلُ عَلَيْهِمْ»
۸۰	۱۰	«فظلت...»	«فَطَلَّتْ»
۸۱	ما قبل آخر	«قال کلا»	«قال کَلًّا»
۸۳	۹	و فضلنی	و فَضَّلَنِي
۸۴	۲۰	ابن جریح	ابن جُرَيْحٍ
۸۵	آخر	عدیته	عَدِيَّتُهُ

ص	س	فادرست	درست
۸۸	۱۶	برسالته	برسالة
۹۴	۲	تمنها	تَمْنُهَا
۹۸	۹	«و ازلفناتم»	«وَأَزْلَفْنَا تَمَّ»
۱۰۲	۵	-	سه جمله عربی که در این سطر در میان «چاپ شده است باید» «اش حذف شود زیرا معمولاً فقط آیات در گیومه چاپ شده است
۱۰۲	۶	اصفراً شعر	أَصْفَرَ شَعْرٍ
۱۰۳	۱۱	«ارجه اخاه»	«أَرْجِهْ وَ أَخَاهُ»
۱۰۴	۱	والدهما	و الدَّهْمَاءِ
۱۰۴	۱	و نریدکم	و نَزِيدُكُمْ
۱۰۶	۴	ابن جریح	ابن جُرَيْحٍ
۱۰۸	۱	لا منفذ	ظ: لا مَنَقَدَ
۱۰۸	۱۴	ابن جریح	ابن جُرَيْحٍ
۱۱۳	۳	کیف مدّ الظلّ	كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ
۱۱۳	۳	کیف مه الرب	كَيْفَ مَدَّ الرَّبُّ
۱۱۵	۵	«و برزت...»	«و بُرَزَتْ»
۱۱۷	۱۴ و ۱۵	ای	أَيَّ
۱۲۱	۴	الی ماما	إِلَى مَا
۱۲۱	۲۰	عزرتمونا	عَزَّرْتُمُونَا
۱۲۷	۴	و ان کان	إِنْ كَانَ ^۱
۱۲۷	۶	جلّ و علی	جَلَّ وَعَلَا

(^۱) دیوان ابی نواس، ص ۱۹۰.

ص	س	فادرست	درست
۱۳۳	۸	المسحرين	المُسْحَرِينَ
۱۳۳	۱۵	«ولا تمسوها...»	«وَلَا تَمَسُّوْهَا...»
۱۳۶	۳	می المسحرين»	مِنْ الْمُسْحَرِينَ»
۱۳۶	۱۰	يوم الظلة»	يَوْمِ الظُّلَّةِ
۱۳۷	۱۷	سوء	سوءاً
۱۴۵	۷	-	ظاهراً پس از کلمه الى القصر در اين سطر عبارت يا عباراتی ساقط شده است
۱۴۶	۱۱	ثم اصحابها	ثُمَّ أَصَابَهَا
۱۵۰	۱۴	فسأوحیها	فَسَأَوْحِيهَا
۱۵۴	۹	«أفرأيت ان متعناهم...»	«أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ...»
۱۵۹	۴	تا عرب خواندی	تَا بَرَّ عَرَبٍ خَوَّانِدِي
۱۶۱	۱۷ و ۱۵	رثتی	رَثِيْبِي (رَثِيْبِي + ي وحدت)
۱۶۳	۵	مُسيئاً	شَيْئاً
۱۶۵	۱۸	بذا	بِذَا
۱۶۵	۱۹	خندق	خَنْدَقَ
۱۶۶	۱۲	شققاً	شَقَّاقاً
۱۶۶	۱۷	رثته	رَثِيْبُهُ
۱۶۶	۱۸ و آخر	رثتك	رَثِيْبِكَ
۱۶۷	۱	رثتی	رَثِيْبِي
۱۶۷	۴	باجلاسها	بِأَحْلَاسِهَا
۱۶۷	۵	خيرو	خَيْرُو
۱۶۸	۱۳	رثتك	رَثِيْبِكَ
۱۷۴	۲	مرضت	مَرَضُوا

ص	س	فادرست	درست
۱۷۴	۲	حرَموك	حرَموك
۱۷۵	۴	داعى	راعى (از مراعات)
۱۷۷	۱۱	و لم يعقب	و لم يعقب
۱۷۸	۱۲	كان	كان
۱۷۸	۱۳	و هود	ظ: و بهود
۱۸۰	۶	عدل عقل	عدل، عقل الخلیقه
۱۸۰	۱۷	و اصلت زنده	و اصلد زنده (تاج العروس: صلد - فقه اللغه ثعالبی فصل ۲ باب ۳۰) و رك: ص ۳۱۰ همین جلد ۷ سطر ۱۹ و ۲۰)
۱۸۱	۳	و يتغرر به	و يتعزز به
۱۸۱	۱۶	احدرواة: و هذه الخبر	أحد رواة هذا الخبر
۱۸۲	۷	اذ ارجع	إذا، رجع
۱۹۰	۱۲	و الحداء	و الحدأة
۱۹۱	۱۰	و بیست فرسنگ	و بیست و پنج فرسنگ
۱۹۳	۱۰	تبرية	تبرئة (قطعاً مهموز است) (از برء است نه از برى یبرى بمعنی تراشیدن)
۲۰۳	۱۷	باوى كارد	باوى كاود
۲۰۸	۱۹	ابن جریح	ابن جریح
۲۱۳	آخر	لم يخف عليه	لم يخف عليه
۲۱۸	۱۳	جد كنید	؟ جدا کنید؟ جداجد کنید (ج ۱ ص ۳۲۱)؟
۲۱۹	۱۱	بعذاب	بعذاب
۲۱۹	۲۱	انگه چون و	آنگه چون وا
۲۲۳	۹	هذا الرأى	هذا الرأى

ص	س	فادرست	درست
۲۲۳	۱۱	مآرب	مآرب
۲۲۸	۱۷	مما لِحَقِّكُمْ	مِمَّا لِحَقِّكُمْ
۲۳۱	۱۰	بر آن وجد	بر آن وجه
۲۳۳	۸	لا يُوَوِّله	لا يُؤَبِّهْ بِهِ
۲۴۱	۱۸	اذا وجدهم	إذا أُوجِدَهُمْ
۲۴۳	۲۰	لتفريط	لَتَفْرِيطَ
۲۵۲	۴	بما ظلوا	بِمَا ظَلَمُوا
۲۵۷	۵	احیادمکه	أَجِيَادِ مَكَّةَ
۲۵۷	۹	قطیع	فَطْيَعِ
۲۵۹	۲	علیّ ابلغ انکان	؟
۲۶۱	۱۱	ما من تحت العرش	ماءاً من تحت العرش
۲۶۱	۱۵	فيحيون الله اسرافيل	ظاهراً كلمه يا كلماتي ساقط شده است
۲۶۱	ما قبل آخر	عند الارض	عنده الأرض
۲۶۴	۸	و اعرفكم	وَ أَعْرِفْكُمْ
۲۷۴	۲	طسم و القصص	طَّسَمِ الْقَصَصِ
۲۸۳	۴	توامروا	تَأْمُرُوا
۲۸۶	۱۸	الآ أتباعی	إِلَّا أَتْبَاعِي
۲۹۳	۹	تنحيهما	تَنْحِيَهُمَا
۲۹۳	۹	كراهية	كِرَاهِيَةٌ
۲۹۳	۱۲	لانمکن	لَا نُمْكِنُ
۲۹۳	۱۴	الرّعاء	الرِّعَاءُ
۲۹۳	پاورقی	اَثَار	أَبْثَار (جمع ديگر بثر)
۳۰۴	۲۱	و اسيقنتها	وَ اسْتَيْقَنَتْهَا

ص	س	فادرست	درست
۳۰۶	۱۶	يَدْعُونَ	يَدْعُونَ
۳۱۲	۲	بامردی	بِأَمْرِ وِي
۳۱۲	۱۰	النِّسَاءِ الْحَيْضِ	النِّسَاءِ الْحَيْضِ
۳۱۳	۴	بنشست	أنسب: به نشست
۳۱۴	۱	قالوا ساحران	قَالُوا سِحْرَانَ
۳۱۴	۷	فان يستجيبوا	فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا
۳۱۶	۲۱	باتو کردیم	با تو گرویم
۳۱۹	۸	إِصْأَهُ	إِصْأَهُ
۳۲۲	۱۷	الْحِجَّةِ	الْحِجَّةِ
۳۲۶	۱۹	تجیی	تُجْبِي
۳۲۸	۹	«رَبَّنَا هُوَ لَا يَكْفُرُ	«رَبَّنَا هُوَ لَا يَكْفُرُ
۳۳۰	۲۱	رسالاته	رسالته
۳۳۲	۸	يتصرفون	تَتَصَرَّفُونَ
۳۳۵	۶	نظراند	ناظراند = ناظِرَند
۳۴۶	۱۴	یا متحنای	يَا مُتَمَنِّئِي
۳۵۳	۱۳	-	صورت درست این بیت چنین است: وی کَأَنَّ مَنْ يَكُنْ لَهُ نَشَبٌ يُحِبُّ... بُ و مَنْ يَفْتَقِرُ يَعِشُ عَيْشَ ضُرٍّ ^۱
۳۵۶	۱۱	تغلبیهم	تَغْلِبُهُمْ
۳۵۷	۱۰	همه سر	سر همه
۳۷۴	۱۲	تجارف	تَجَارُفٌ
۳۷۵	۱۱	پی قسم	بِي قَسَمٍ

(^۱) بیت را در الأغانی (جلد ۱۷ ص ۲۸۲) و لسان العرب ذیل ماده «ب» به نُبیه بن الحجاج السهمی نسبت داده‌اند.

ص	س	فادرست	درست
۳۷۶	۳	آنچه دید. از گفتِ	آنچه دید از گفتِ
۳۷۶	آخر	الکابة	الکآبة
۳۷۷	۱۵	من رَجَى	مَنْ رَجَا
۳۸۷	۲	إِلَّا وَثَاقَهُ	إِلَّا وَثَاقَهُ
۳۹۲	۲	تمیز	تمییز
۳۹۶	۱۲	ان یهدوكم	لن یهدوكم
۴۰۶	۱۶	تَفَجَّرَ	تَفَجَّرَ
۴۱۰	۱۲	يَتَّقُونَ	يَتَّقُونَ
۴۱۳	۲	-	مسلم است که استمتاع در نسخه ج درست است و لاغیر
۴۱۶	۷	اما بحکم... و	إِمَّا بِحُكْمٍ... و إِمَّا بِحُكْمٍ
۴۱۸	۳	مَطِيَّه	مَلَطِيَّه
۴۱۸	۱۲	هادم اللذات	هاذم اللذات
۴۳۱	۶	ثارات	تارات
۴۳۲	۷	الأسواء	الأسوأ
۴۳۳	۱۳	الأوردت	إِلَّا، وَ، رَدَّتْ
۴۳۴	۱۲	صَلُّوا لِلَّهِ	صَلُّوا لِلَّهِ
۴۳۸	۱۲	حيرة	حيرة
۴۴۴	۳	میباشید	مباشید
۴۴۶	۱۲	من امر	مِنْ أَمْرٍ
۴۴۶	۱۵	المقت	المِقَّةُ (آنچه چاپ شده دقیقاً ضد فرموده پیغمبر اکرم است مَقَّتَ يَمَقُّتُ مَقْتاً یعنی دشمن داشت - و، وَمَقَّ يَمَقُّ مِقَّةً یعنی دوست داشت. اسم فاعل آن وامق

ص	س	فادرست	درست
۴۵۵	۱۵	بشَب در خمار بشَرِیت یقین	است که نیز نام آن عاشق معروف عذراء است) ؟بشَب در خمار شَرِیت یقین؟
۴۵۶	۷	سلسه	سَلَّه
۴۶۹	۱۶	رحمة الله	رَحَمَاتِ الله؟ (به صیغه جمع)
۴۷۱	۱	بدأ الشیب	بدا (از بدایبْدُو (پیدا شد) نه از بَدَّه بیدء (آغاز کرد)
۴۷۲	۱۱	تبیین	بَتَّبِین
۴۷۳	۱۱	من الشاکرین!!	مِنَ الْخَاسِرِین
۴۸۷	۸	شراهن	شراء هُنَّ
۴۹۱	۱۴	من ابها	و مَن ابها ^۱
۴۹۱	۱۹	ماینوها	ما یُنُوْها (یا بکتابت مصحف در «لتنو ^۲ » (قصص ۷۶ ما یُنُوْها)
۴۹۲	۱۴	بالاتفان	بالإنفاق
۵۰۱	۱۳	فرانیاریم	فرا بیاریم
۵۰۳	۶		کلمه کس در آخر سطر زاید است
۵۰۳	۹	پلید، آهنگی ناسپاس	پلیداهنگی ناسپاس
۵۰۷	۵ و ۲	برئت	گرچه برئت هم مناسب است ولی شاید در اصل بُرِیت بوده است و الله أعلم
۵۰۷	۱۱	حی بن	حَبِی بن
۵۰۷	۱۶	لقدرته	کَقْدَرِته
۵۱۰	۳	نعمه	نِعْمَه
۵۱۰	۱۵	در آن و می روی	ظ: در آن می روی
۵۱۲	۸	فاقت یا عزت	فاقت با عزت

(^۱) دیوان النابغة الجعدی، ص ۱۴۷.

ص	س	فادرست	درست
۵۳۱	۱۲	اذا استقلت ... مضاجع	إذا استقلت ... المضاجع
۵۳۳	۱۲	بنی الله بیتاً	بَنَى اللهُ لَهُ بَيْتاً
۵۳۶	۹	و استقامها	وَأَسْقَمَهَا
۵۴۳	۸	اعطیتکما	أَعْطَيْتُكُمَا
۵۴۴	۱۰	عمرک الله	عَمَّرَكَ اللهُ

* * * *



جلد هشتم

ص	س	فادرست	درست
۵	ما قبل آخر	للخديجة	لخديجة
۷	۵	املج	أصلح
۱۶	ما قبل آخر	اطفات...اكفات	اطفات... اكفات
۱۸	۱۸	المهاجرين	المهاجرة
۲۴	۶	قبطى	قِطْطى
۲۵	۱	«ى	«اى
۲۵	۵	لآتوها	لأتوها
۲۶	۳	المثبطين	المثبطين
۲۷	۱۰	تحزبوا	تَحْزَبُوا
۲۷	۱۸	منيتهم	مُنَيْتَهُمْ
۲۹	۱۵	ساقيا	ساقنا
۳۷	۲۰	ختم	حتم
۳۸	۶	«ردالله...»	«و رد الله...»
۳۸	۱۲	لايلون	لايلون
۳۸	۱۳	خضير	خضير
۴۵	۱۷	مرجل	مُرْجَل (با حاء بى نقطه) (امرئ القيس: مرطٍ مُرْجَلٍ)
۴۶	۷	فاطعنى رسولى	فأطعنى فى رسولى

إلىك ولكننا بفريقك نبجح

(^۱) ديوان الراعى النميرى ص ۶۹: و ما الفقر من أرض العشيبة ساقنا

(^۲) بيت از منصور الفقيه است، وفيات الأعيان جلد ۵ ص ۲۹۲.

رثاب	ریاب	۱۰	۴۷
درست	فادرست	سی	ص
الإفاضة	الاضافة	۱۴	۴۷
العنسی	العبسی	۱۷	۴۷
حَسَنَ بنِ أَبِي الحِسنِ	حُسَيْنِ بنِ ابِي الحِسنِ	۱۵	۴۹
أخْشاكُمْ	اخساكم	۲	۵۰
أولَمَ	اولم	۷	۵۰
يُوثِقُ	وثق	۷	۵۱
السُّؤُولِ	السول	۱۷	۵۸
عُدَّتْ	عدت	۱	۷۱
أَسْتَقْرِبُهُنَّ	استقربهنَّ	۹	۸۳
الجلباب	الجلبات	۴	۸۹
إِذْ سَتَرَهُنَّ	اذاسترهنَّ	۹	۸۹
لَنَدْبًا	لندناً	آخر	۹۱
وَإِنْ أَسَأْتُ	وَإِنْ أَسَأْتُ	۱۲	۹۴
مُتَلَّتْ	مثلتُ	۵	۹۵
ظ: مَا اجْتَنَّبَ	ما اجتنب	۱۶	۱۰۷
جَاهِدُونَ	جاهدون	۵	۱۴۳
يَوْمَ	يَوْمُ	ما قبل آخر	۱۴۳
فَحَدَّرَ	فحدَّرَ	۱۰	۱۴۶
بِنَابِيعٍ	بِنَابِيعٍ	سطر آخر	۱۴۶
تَنَاشَ يَا تَنَاشَ (وَ أَنِّي لَهُمُ التَّنَاشُ: آيَةٌ مُرِيدُ تَفْسِيرِ)	تناش	۱۶	۱۵۲
پس از آیه مبارکه ۲۴ ظاهراً عبارت یا عباراتی افتاده است.		۱۱	۱۷۱
خَلَقْتِكَ			
يَتَّبِعُونَ	خلفتك	۱۲	۱۷۳
تَعْرِفُونَ	يتبرؤون	۲	۱۷۴

شبههم	يعرفون شبههم	۹ ۱۴	۱۷۴ ۱۷۵
درست	نادرست	س	ص
إِنَّمَا الْغَنَى	انما الغنى	۲	۱۸۱
وَخَطَهُ	و خطه	۴	۱۹۰
آبَائِكُمْ يَا آبَاءَكُمْ	آباؤكم	۳	۲۱۳
لَمَّا	لَمَّا	۱	۲۲۵
مراثيان	مرايان	۱۷	۲۳۳
فِي الصَّيْفِ ^۱	فِي الضيف	۱۱	۲۴۰
مُقَدِّمَةً... بِالْفِدَامِ (پوزهبند و آنچه سر خمره یا شیشه را با آن مسدود کنند	مقدمة ... بالقدم	۵	۲۴۳
حَوَّلْنَا	حولنا	۱۷	۲۴۳
بِالْأَنَامِلِ	بالانافل	۵	۲۵۲
«لَا يَسْمَعُونَ...»	«لا يسمعون»	۱۵	۲۵۵
«و إِذَا ذُكِّرُوا»	«و اذا ذكروا»	۹	۲۵۶
عَنِ الْخَيْرِ	عَنِ الْخَيْرِ	۹	۲۵۹
لَا يَسْمَعُونَ	لا يسمعون	۱	۲۵۹
و قِيلَ: سَمِعْتَ	و قيل: سمعت	۱۲	۲۵۹
يَتَسَمَعُونَ	يتسمعون	۱۳	۲۵۹
فَحَذَفَ الْجَارُ	فحذف لجار	۲۱	۲۵۹
و الْغَوَايَةُ	والغواية	۲	۲۷۲
يُقَابِلُ	يقابل	۲۰	۲۷۲
هُوَ خَمْرٌ	و هو خمرٌ	۵	۲۷۳
جَبْرَانُ نَكْنَدُ	جبران کند	۱۷	۲۷۹

(^۱) شرح دیوان الحطیئة، روایة و شرح ابن السکیت ص ۷۴: أَعْرَضْتَنِي وَ زَعَمْتَنِي أَنْكَ لَا بِنُ بِالصَّيْفِ تَامِر

ص	س	فادرست	درست
۲۸۷	۲۱	ابن عمر و ابن عبدالله بن عمرو	ابن عُمر و عبدالله بن عمرو
۲۹۳	پاورقی	رُویَه	أرویه
۲۹۷	۹	ذَلک الثبی	ذَلک النَّبیِّ
۲۹۷	۱۴	الیاسین	الیاسین
۳۰۵	۲۰	فاصَابَة	فَأصَابَت
۳۰۶	آخر	تَسْمُوا	تَسْمُوا
۳۰۷	۱	القاطین	القاطین
۳۰۷	۲	کانت تختلف الیه	کان یختلف إلیه
۳۱۲	۱۳	سرعاتهم	سُرْعَانِهِمْ
۳۱۹	۱۵	نذرات	نذرات
۳۲۳	۶	آخر الملک	آخر المَلِک
۳۲۴	۱۲	معزياً	معزياً
۳۳۰	۱۴	او اورا	او را
۳۳۰	۱۶	«اذ تسوروا...»	«إِذ تَسَوَّرُوا...»
۳۳۲	۱۶	ویتنار ضوءها	؟ بفرض که یتنار هم باشد معنی درست نخواهد شد و شاید: یتنورُ باشد و الله أعلم
۳۴۰	۱	نتبع	نُتَبِعُ
۳۴۳	۱۰	یذر علیه	یَذُرُّ عَلَیْهِ
۳۴۴	۴	بخس	بخش
۳۴۸	۱۳	سمیت لصلوة	سُمِّیت الصَّلَوة
۳۵۰	۶	لا یرقآء	لا یرقَأاً
۳۵۲	۹	لا طوفن	لَأَطُوفَنَّ
۳۵۶	۷	اخصلناهم	أَخْصَلْنَاهُمْ
۳۷۳	۱۹	اذنالک	أذِنَا لَکَ

ولا امل و يمل در شطر ثانی	ولا امل	۸	۳۸۵
درست	نادرست	س	ص
الثیاب	الثیات	۶	۴۰۳
تَحَاتَّتْ	تحاتت	۸	۴۰۴
صُنِعَ	ضیع	۱۷	۴۰۴
نُصِبَ	نصبُ	۱۵	۴۰۵
المُعَوِّجُ (أنسب است)	المعوج	۱۶	۴۰۵
الموت كَأْسٌ و كُلُّ النَّاسِ شَارِبُهَا (بیت شعری است)	الموتُ بَابٌ و كُلُّ النَّاسِ دَاخِلُهُ	ماقبل آخر و آخر	۴۰۷
دارانی	دارائی	۱۲	۴۱۳
«لَأَفْتَدُوا بِهِ»	«لا افتدوا به»	۲۰	۴۱۶
«لَأَفْتَدُوا بِهِ»	«لا افتدوا به»	۹	۴۲۲
أَيُّهُمْ تَعَدُّهُ	انهم تعدّه	۲۲	۴۲۲
على من يشاء	على يشاء	۱۳	۴۲۳
وَفَقَّهُ	وفقه	۱۴	۴۲۶
«تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ»	«تامرونی اعبد»	۱۷	۴۲۸
لِيَحْبَطَنَّ	ليحبطن	۲۰	۴۲۸
«وَوُفِّيَتْ»	«و وفیت...»	۱۳	۴۲۹
«نَتَّبِئُ»	«نتبوء»	۱۰	۴۳۰
«حَافِينَ»	«حافین...»	۱۲	۴۳۰
تَأْمُرُونِي	تأمرونی	ما قبل آخر	۴۳۴
ظاهراً پس از بفضل الله و پیش از اعمالهم کلمه‌ای	بفضل الله اعمالهم	۱۸	۴۴۳

(۱) از أبو الفتح البستی است، یتیمه الدهر تعالی جلد ۴ ص ۳۶۷.

ساقط شده است	ابی بن کعب	۵	۴۴۸
--------------	------------	---	-----

ص	س	فادرست	درست
۴۴۸	۲۰	فیوبه	فِیُوبَهُ
۴۵۱	۲۱	ولیس	و لَيْثٌ ^۱
۴۶۳	۲۰	لخلائق	لِلْخَلَائِقِ
۴۶۴	۲	لایمز	لَا يَمُرُّ
۴۶۴	۱۴	بصیق	بِضِيقٍ
۴۶۵	۲۲	الاهة	إِلَاهَهُ
۴۶۶	۹	فیکون اجراً	فِيكونُ اجْراً
۴۶۸	۱۴	یعصکم	يَعصمُكُمْ
۴۷۱	۱۵	ماعظموه	مَا عَظَّمُوهُ
۴۷۳	۹	المستجف	الْمُسْتَجِفُّ
۴۷۷	۱۱	رُشاد	رُشادٌ ^۲
۴۷۷	۱۸	سهل بن سعید	سَهْلُ بنِ سَعْدٍ
۴۷۷	ما قبل آخر	استظل	اسْتَظَلَ
۴۸۰	۱۴	عنک	عَمَّكَ
۴۸۱	۸	فان قتلوا	وَ إِنْ قُتِلُوا
۴۸۶	۱۰	متحابین	مُتَحَابِّينَ
۴۸۶	۱۴	ان تخطر	أَنْ تَحْظُرَ
۴۸۶	۲۱	ابن ابی داود	ابنُ أَبِي دَاوُدَ
۴۹۲	۱۸	اذا دعانی»	إِذَا دَعَانِ «(آیه شریفه)

(^۱) دیوان اُمیة بن اَبی الصَّلْتِ ص ۵۰.

(^۲) بدون ذکر گوینده در الوافی بالوفیات جلد ۱۵ ص ۱۴۷ و العقد الفرید جلد ۵ ص ۳۶۹ آمده است.

«و قَدَّرَ فِيهَا...»	«و قدر فيها...»	٧	٥٠٤
«فَقَضِيَهُنَّ»	«فقضيهن...»	١٤	٥٠٤
؟ وَأَجْفَاءَهُ؟ أَجْفَاءُ الْوَادِي رَمَى بِالْجَفَاءِ (قاموس)	واجفاء	١٦	٥١١
رَسِي	رسي	ما قبل آخر	٥١٣
درست	نادرست	س	ص
فَإِذَا	فَإِذَا	١٥	٥١٦
طَرَقُوا	طرقوا	١٢	٥١٩
«و مَا يَلْقِيهَا»	«و ما يلقيها»	١٣	٥٢٢
«و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ	«و اما ينزغنك...»	١٦	٥٢٢
يُهَيِّؤُ	يهيء	٢٢	٥٢٥
إِذَا كَادَ الْعَدُوُّ	اذا كان العدو	٤	٥٢٧
فَطَالَمَا	فطال ما	٥ و ٤	٥٣٠
إِلَّا شَفَعُوا	إلا شفَعُوا	١٦	٥٣٢
غَبْرًا	غبراً	١	٥٣٨
فَنَلَقِيهِمْ	فتلقبهم	٩	٥٣٨

* * * *

جلد نهم

ص	س	فادرست	درست
۴	۸	داناکرد	و چه دانا کرد
۶	۶	مَن عاد	من عاذَ
۶	۱۰	خوِشَب	خوِشَب
۶	۱۰	ابى رِياح	أبى رِياح
۶	۱۳	سبى	سَبى
۷	۴	نظيره»	«نظيره
۷	۵	...الجبال». هذا	...الجبال هداً».
۷	۴	نكاد	تكاد
۸	۵	و قيل ان	و قَبِلَ ان
۸	۱۷	يونس	ظاهراً زابداست
۸	۱۹	لَجائوا	لَجَّوا (پناه بردند)
۸	۲۱	فقالوا ما	فَقَالواها (= فقاواها)
۸	۲۳	معناه كلوا	معناه: كَلوا
۹	۲	الى المبطل	عَلى المَبْطَل
۹	۶	اصناماً	أصنفاً
۹	۱۶	ارعى	ادَّعى
۱۱	۹و۸	اسوى	أَسوَى
۱۱	۱۱	فى الغنى، و الفقر	فى الغنى و الفقر
۱۱	۲۱	اما الاسلام واما السيف	إمّا الاسلام و إمّا السيف
۱۴	۳	كلمة بها	كلمةٌ بها

ص	س	فادرست	درست
۱۴	۱۳	فكار	فگار
۱۵	۷	ماروی	مازوی
۱۵	آخر	دورنه، فعلش بآلت نه، صنعش	دور، نه فعلش بآلت، نه صنعش
۱۶	۱	بعلت نه، كردش بحیلت نه، عرش	بعلت، نه كردش بحیلت، عرش
۱۷	۲۱ و ۲۲	بر	بر
۲۰	-	موسعاً	موسعاً (علی الموسع قدره ۲۳۶ بقره)
۲۳	۱۰	اذكرکم الله	أذکرکم الله
۲۵	۱۶	هم بالافتراء	هم بالافتراء
۲۶	۳	ازاقة النفس	إزاقۃ النفس
۲۶	۱۲	بقاع	بقاع
۲۷	۲۰	خباب ارت	خَبَابِ أَرْتٍ
۲۹	۱۱	ماتعلم	مَا تَعَلَّمَ
۲۹	۱۸	ان یثنی	أَنْ يُثَنِّيَ
۳۲	۲	تسیح	تسیح
۳۴	۹ و ۱۰	امطیئنی... الخ	بیت شعری است: إمطیئنی و سَوِّفِی وَعَدِیْنِی وَلَا تَقِی
۳۶	آخر	فزوداز الله	فُرُودِ اِزَ اللّٰهِ
۴۲	۵	و زهی	قیاساً: و، زها
۴۴	۳	رأتیہ	رَأَيْتُهُ
۴۵	۱۲	ما عندالله	مَا عِنْدَ اللّٰهِ
۵۰	۱۲	اولوا جنتکم	أَوْلَٰؤِ جَنَّتِكُمْ
۵۲	۱۲	لدنیا	لَدُنَا
۵۵	۷	جزء	جُزْءًا

ص	س	فادرست	درست
۵۵	۲۰	الشبي	الشين
۶۰	۱۳ و ۱۴	ميكشد... الخ	وزن دو بيت بصورت چاپ شده مخدوش است و ظاهراً بايد چنين باشد: می کشد جور از آن رخان چو ماه زَهْرَةُ آن نه، وراه، که آه کند زانک رویش بسان آينه است و آه آئينه را تباه کند
۶۰	۲۰	ببودیوی	ببود وی
۶۱	۱۶	زرین کریمی	زرین کردیمی
۶۶	۱۹	که خلق باید	ظ: که خلق نباید
۶۷	۱۲	مظهِراً	مظهِراً ^۱
۶۸	۱۸	الكافرون... علی الهدی	الكافرين... عن الهدی
۶۸	۱۸	«ويحسبون انفسهم مهتدون»	«و يحسبون انهم مهتدون»
۷۳	۱۴	تخليف	ظ: تخليق (مُخَلِّقَةٌ وَ غَيْرِ مُخَلِّقَةٍ «حج ۵»)
۷۶	۱۷	«ما زاد البصر»	«مَا زَاغَ الْبَصَرُ»
۷۷	۱۱	فحاد	فَحَادَ (حَادَ يَحِيدُ: مَالٌ وَ عَدْلٌ)
۸۳	۴	تَسْرُونَ	تُسْرُونَ
۸۳	۴	وقيل - الخبر	وقيل - الخبر
۸۴	۲	وستين	سبعين (در همه جوامع حدیثی سبعین است)

(^۱) دیوان النابغة الجعدي، ص ۷۱: بَلَّغْنَا السَّمَاءَ مَجْدَنَا وَ جَدودَنَا وَ إِنَّا لَنَرَجُو فَوْقَ ذَلِكَ مُظْهِراً

ص	س	فادرست	درست
۸۴	۶	حی تنتهی	حَتَّى يَنْتَهِيَ
۸۴	۲۰	یئسو	يَسُوا
۸۷	۱۱ و ۷	فزود از الله	فرود از الله (= من دون الله)
۸۸	۲۱	منتهی همه	بهتر: منتهای همه
۸۹	۵	جامد	حامد ^۱
۸۹	۱۹	و عبارت	و عبادت
۹۳	۳	«فدرعابه»	«فَدَعَا رَبَّهُ»
۹۳	۷	... البحر رهواً	... الْبَحْرَ رَهْوًا
۹۴	۱۹	فی قبله	فی قلبه
۹۶	۱۴	بعد قتلی «بیرمعونه»	بَعْدَ قَتْلِي بِرْمَعُونَةَ
۹۶	پاورقی	صحيح: لا يهلككم است	صحيح لا يهلككم (به ضمير جمع مخاطب)
۹۷	۱۲	و خویضة	و خُوَيْصَةَ
۹۷	۲۰	یتذکرو	يَتَذَكَّرُوا
۹۹	۱۶	کثیره	كثيرة
۱۰۰	۱۱	منظرین	مُنْظِرِينَ
۱۰۱	۷	بدرود	ظ: بدرود (= بدرود)
۱۰۳	۱۹	و هذه یدی	و هذه يَدِي
۱۰۴	۲	و لا فتات	وَلَا قَتَاتٍ (سخن چین، نهایه: قتّ)
۱۰۶	۲۳	تعذبتهم	تَعَذِّبُهُمْ (در هیچیک از معاجم مصدر «تفعله» برای عَذَبَ نیامده است)
۱۰۷	۵	احیاء	أَحْيَاءً

(^۱) شرح دیوان المنتبی، البرقوقي، جلد ۱ ص ۳۹۹: وَأَنْ دَمًا أُجْرِيَتْهُ بِكَ فَاخِرٌ وَأَنْ فُوَادًا رُغْتَهُ لَكَ حَامِدٌ

ص	س	فادرست	درست
۱۱۲	۱۷	«میقاتم	«میقاتهم
۱۲۰	۶	فزود از	فروذ از
۱۲۲	۹	نبانها	نباتها
۱۲۴	۲	ویجوزای یکون	وَ یَجُوزُ أَنْ یَکُونَ
۱۲۶	۸	بستانت	بستانست
۱۲۷	۲	که برسینه... که	گه برسینه ... گه بردیده
۱۲۹	سطر آخر	ربزیدن	ریزیدن
۱۳۳	۱۹	مایهویه	مَا یَهْوِیْهِ = (مَا یَهْوَاه)
۱۳۴	۵	تتعتون	تتعتون
۱۳۶	۱۴	اغترتم	اغترتم
۱۳۹	۱۱	فزوداز	فُروذ از
۱۴۱	آخر	نتجاوز	نتجاوز
۱۵۲	آخر	نشانهاش	نشانهاش
۱۵۳	۲۴	و عریتها	وَعَرِیَّتْهَا
۱۵۷	۱	مکنّاهم فیها	مکنّاهم فیما
۱۵۹	۶	احببتم	شاید: أُحِبُّتُمْ
۱۶۰	۶	الشجر	الشجر
۱۶۰	۲۲	فیدوا	نمی فهمم؟ معنای فیدوا: پس پراکنده شدند؟ - نمی دانم
۱۶۱	۲	راو ماکان	رأوا ماکان
۱۶۵	۱۹	آنچه آشوب	بهتر: آن، چه آشوب
۱۷۲	۲۲	سر بمهر	سر بمهر
۱۷۳	۱۳	میبردند	شاید: پی بردند

ص	س	فادرست	درست
۱۷۳	۱۵	بینند	بینید
۱۷۸	۳	ابن جریح	ابن جُریح
۱۷۹	۲۲	دلیل	ذلیل
۱۸۰	۳	بِضَمِّ الْكَافِ	بِضَمِّ الْقَافِ
۱۸۱	۱۴	و شفاء	و شَقَاءً
۱۸۴	۷	هرماً مقتدا	هَرَمًا مُقْنِدًا (نهایه: فَنَد)
۱۹۱	۲۰	فشربوها	فَشْرَبُوهَا
۲۰۵	۱۹	والکابة	وَالْكَأْبَةِ
۲۰۷	۲	بیده انه	بِیْدِهِ، اِنَّه
۲۰۷	۱۶	و ما تأخر	وَمَا تَأَخَّرَ
۲۰۷	۱۷	عطاءالله الخراسانی	عطاء الخراسانی
۲۰۸	۹	لا انتصر	لَا تَنْتَصِرَ
۲۱۳	۱۵	سعد معاذ	نمی دانم این سهو ناسخ مخطوطه است یا تصحیفی از نام حصنی از حُصُونِ خَیْبَرِ؟ بهر حال جناب سعد بن معاذ رضی الله عنه پیش از غزوه خیبر وفات یافته بوده است و در میان حصنهای خیبر در سیره و طبری و ابن اثیر و ابن شاکر نام حصنی که شبیه نام جناب سعد بن معاذ باشد تا احتمال تصحیف در آن برود نیز وجود ندارد و نام حصار که محمد بن مسلمه در آن شجاعت به خرج داد «وطیح وسلام» است
۲۲۲	۱۰	ابن عمّ تواست	ابن عمّ تواست
۲۲۶	۹	...یاخذونها»	...تَأْخُذُونَهَا»

ص	س	فادرست	درست
۲۲۹	۲۰	متن شاؤا	مَتَى شَاؤُوا
۲۳۱	۵	اسمآه	سَمَاءُ
۲۳۲	۷	رای	رُئِيَ
۲۳۲	۱۸	و الشط	و الشَّطِّ
۲۳۲	۱۹	مشطیء	مُشْطِئِء
۲۳۴	۱۸	السودد	السُّودِّد
۲۳۴	۱۹	سطر، مقدم	سَطْرٍ مَقْدَمٍ
۲۳۵	آخر	ما بدی	مَا بُدِئَ
۲۳۷	۱۳	بنابید	بِتَابِيدٍ
۲۴۸	۱۳	جاؤوا	جَاءُوا (کتابت مصحف شریف)
۲۴۸	۱۶	لشباب	لِشَبَابٍ
۲۴۸	ما قبل آخر	کان زعمه	شاید: کان رَعِمَه (این جمله مذکور در کشف الاسرار در سیره و طبری و ابن اثیر نیامده است)
۲۴۹	۳	لم یونس القرع	لَمْ يُؤْنَسِ الْقَرْعُ (قَرْعٌ: اَبْر = مقصود در قحطی و خشکسالی است)
۲۴۹	۱۷	قاسم بن سلام	قاسم بن سلّام
۲۴۹	شماره (۱) پاورقی	-	زاید است و نادرست، صحیح همان متن است بدین صورت: مَا دَقَّقْتُ الْبَابَ عَلَيَّ عَالِمٍ قَطُّ، كُنْتُ أَصْبِرُ... الخ (یعنی هم چنانکه حق تعالی فرموده است که: و لَوَأَنَّهُمْ صَبَرُوا...، من هم هیچگاه دقّ الباب نمی کردم بلکه منتظر می ماندم تا عالم از خانه بیرون آید)
۲۵۲	۱۴	ابدیها	أُرِيدُ بِهَا

ص	س	فادرست	درست
۲۵۴	۱	نسج	نسیج
۲۶۴	۲۱	عبية الجاهلية	؟- نمی دانم- در سیره و طبری و ابن شاکر: نخوة الجاهلية آمده است
۲۶۷	آخر	هردودی	ظ: هر مردودی
۲۷۳	۱۳	همه یکی است	همه مکی است
۲۷۴	۱۵	ارزیر	ارزیز
۲۷۷	۲	فروجاً	فُروجاً
۲۷۷	۱۳	معصیت گذاران	معصیت گُذازان
۲۷۸	۱۶	ولیکة	وایکة
۲۹۱	۹	تحاقب الجنة و النار	تِحاَقَبَتِ الْجَنَّةُ وَ النَّارِ (کنز العمال ۳۹۵۶۲)
۲۹۶	۵	«لست عليهم بمسيطر»	«لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ»
۲۹۷	۱	للجبینه	لِجَبِينِهِ
۲۹۷	۲۱	و حامیم	و حاومیم
۳۰۰	۲۰	مهز خزینه	مُهر خزینه
۳۰۱	۷	«و اسمع يوم...»	«وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ...»
۳۰۶	۱۰	«إذا قيل...»	«إِذْ قِيلَ...»
۳۰۸	۷	وعن العوام بن حوشب	و عن العوام بن حوشب
۳۰۸	۱۳	المدينه فاذاً	المدينة فإذا
۳۰۹	۱۷	ان يتراياله	أَنْ يَتَرَاءَى لَهُ
۳۱۳	آخر	قراءهم	قِرَائِهِمْ
۳۲۴	ما قبل آخر	ملیء	ظ: ملای یا ملیء
۳۳۲	آخر	بیمینه	بیمینه
۳۳۴	۲۲	و زخاً	وَ زَخاً

ص	س	فادرست	درست
۳۳۵	۱۶	بسبهن	بَسَبِهِنَّ
۳۳۶	۲۳	فياكل منه قديراً و قديراً و شواء	فَيَأْكُلُ مِنْهُ قَدِيداً وَ شِوَاءً
۳۳۹	۵	فهابَ عُمَرُ	ظ: فهاب صفوان (مگر اینکه فاعل ضمير مستتر در هاب باشد و عُمَرُ مفعول هاب)
۳۴۲	۱۳ و ۱۴	دلها... وقتها... سينها	دلها / وقتها / سينها
۳۴۴	۱۲	بهره ناز	ظ: بهره نياز
۳۴۷	۱۴	«ذوقوة»؟! و جانها شهيدان	«ذُو مِرَّةٍ»
۳۴۸	۸	و اتبعناهم	گرچه به مقتضای: عند رَبِّهِمْ بِرِزْقُونِ جانها بی مناسبت نمی نماید ولی شاید جایها باشد
۳۵۲	۱۷	ناطقه	وَأَتَّبَعْتَهُمْ
۳۵۳	۱۴	لحرزتموه	نَاطِقَةٌ
۳۵۸	۲۲	–	لَحْرَزْتُمُوهُ
۳۶۲	پاورقی شماره (۳)	–	زاید است و باید حذف شود و «نَسَائِكُ» و «نَسُكُ» جمع «نَسِيكَة» است که کلمه‌ای قرآنی و به معنی ذبیحه و قربانی است
۳۶۳	۹	ظلم	ظَلَمَ
۳۶۳	۲۲	ما يتمنى	ما يَتَمَنَّى (پاورقی مربوط به این کلمه درست نیست)
۳۶۴	۹	ابهم	إِنَّهُمْ
۳۶۶	۱۶	هشام	هشاماً؟
۳۶۶	۱۷	مايكف	ما يَكْفِي
۳۶۶	۲۰	مكد	مُكِدٍ (أَكْدَى يُكْدِي مُكِدٍ)
۳۶۷	ما قبل آخر	ابراهيم به	ابراهيم رَبُّهُ
۳۶۸	۳	واتبعناهم	وَأَتَّبَعْتَهُمْ
۳۶۸	۹	و ولد	وَلَدٌ
۳۷۲	۵	الازفة	الآزِفَةُ

ص	س	فادرست	درست
۳۷۲	۱۴	و فی الحدثان	رَمَى الحَدَثَانُ
۳۷۴	۲۰	دریانور	دریاء نور
۳۷۶	۳	چند نیّت	چَندِیْنَتَ
۳۷۶	۱۴و۶	دلها - حلوا	دلهاء / حلواء
۳۷۶	۱۱	و آن و ناز	و آن ناز
۳۷۷	۷	باورکن	ظ: باور کنی
۳۷۷	۱۰	صدیق بوبکر	صدیق بوبکر (هم چنانکه در نسخه ج آمده است و مسلماً عبارت «و مسلماً غلط است» غلط است و بیجا.
۳۸۰	۱۰	سزاما	سزاء ما
۳۸۶	۱۹	کوه حراً	کوه حراء
۳۸۷	۵	سالوالسفار فاستلوههم	إِسْأَلُوا السَّفَارَ، فَسْأَلُوهُمْ (پاورقی مغشوش و بی معنی است)
۳۸۸	۱۹	السین	الشین
۳۸۹	آخر	بمراً	بمراًئ
۳۹۱	۱۲	فهم	مِنْهُمْ
۳۹۲	۱۴	و ما یأول	وَمَا یُؤُول
۳۹۴	۱۶	ثمّ خوف	خَوْفَ
۳۹۸	۸	در لشکر	ور لشکر
۴۰۰	شماره (۳) پاورقی	-	بکلی زاید است و «مَنْ» در بیت صحیحاً در جای خود آمده است و معنی مصرع دوم آن است که: ولی آنکس که بر آن سرزمین وارد می شود محبوب است.

ص	س	فادرست	درست
۴۰۲	۱۷ و ۱۶	برآمد جای فروشده جای	برآمدجای } بدون فاصله‌ای قبل از جای } فروشدهجای
۴۰۶	۱۳	اللغات، کلها	اللغات کلها
۴۰۷	۲	ذاب	دأب؟ (نمی‌دانم) (پاورقی ص ۴۵۰ را نیز مرتبط بدین نمی‌شناسم)
۴۰۷	۱۳	الشر علی یدیه؟!	الخیر علی یدیه
۴۰۷	۱۹	«اذ قالتا...»	إذ «قالتا
۴۰۹	۱۸	ام لم	ألم
۴۱۲	۱	خزرحمر	خرز أحرمر = با راء پیش از زاء
۴۱۵	۷	الزجاج	الزجاج
۴۱۵	۱۸	المتاجج	المتأجج
۴۱۶	۱۰	ابن جریح	ابن جریح
۴۱۷	پاورقی ۲	محجّل: پیراسته	محجّل: رخشان (أغرّ مُحجّل: سپید رخشان) (ترکیب وصفی است در مدح و نیز در مورد «مؤمنان» خاصه، و از القاب حضرت مولی الموالی صلواة الله علیه است: قائدُ غرّ المُحجّلین = و وصف مدح‌آمیزی برای وضو‌گیرندگان نمازگزار)
۴۱۹	آخر	سزا سرایرده	سزاء سرا یرده
۴۲۳	۱۵	بازنشستگان‌اند	بنازنشستگان‌اند (رک س ۱ ص ۴۲۵)
۴۲۶	۵	و لمن خام	و لِمَن خَاف
۴۲۶	۷	و ان رغم انف...	و إن، رُغم أنف...
۴۲۶	۱۵	هو الجنة	هواء الجنة
۴۲۶	پاورقی (۱)		ادلایج مطلق رفتن در شب است

ص	س	نادرست	درست
۴۲۶	پاورقی (۲)		بکلی زاید و «شدرسنا» است
۴۲۶	پاورقی (۳)		متکاوسه یعنی تودر تو و متراکم و در اینجا یعنی درختان بر یکدیگر پیچیده‌اند و سر بر یکدیگر نهاده‌اند که هوای بهشت همانهايند
۴۳۰	۷	الجنّتان الاولیان	جنّتان الأولیان و پاورقی زاید است
۴۳۰	۲۱	اکثر من النضج	أكثر من النضج (با حاء حطی)
۴۳۲	۴	بیبضون	بیبضون
۴۳۴	۱۱	«و خافونی ان...»	«و خافون ان... (۱۷۵ آل عمران)
۴۳۷	۷	من الآخريين	من الآخريين
۴۴۳	۱۰	لالاول	لِلأوّل
۴۴۳	۲۲	ثلاثة رجل: ابتكر	ثلاثة: رَجُلٌ ابتكر
۴۴۵	۶	خلد جاريتہ	خَلَدَ جاريتہ
۴۵۰	پاورقی:	-	رابیه: بمعنی تپه‌ها و کوه‌های کم ارتفاع است و مرادف است با «ظراب»
۴۵۱	۱۲	سمومہ	سَمُومَةُ
۴۵۸	۱۶	فروّح	فَرَوّحُ
۴۶۱	۲	ام نحن ام نحن	أَمْ نَحْنُ
۴۶۱	۷	تاججت	تَأَجَّجَت
۴۶۱	۲۱	ای - بلعة	أى - بُلْعَةً
۴۶۳	۱۸	يجور	يَجورُ
۴۶۴	۵	لمعنين	لِمَعْنِيّين
۴۶۷	۱۴	يرحمكم كتب...	يَرحمكم «كتب...»
۴۷۳	ما قبل آخر	«لاتستوى منكم»	«لا يَسْتوى منكم»

ص	س	فادرست	درست
۴۷۶	۸	ولادام	ولا داء
۴۷۷	آخر	منزل التوریه	مُنزِل (با استناد به آیه ۳ سورة آل عمران)
۴۷۹	آخر	یاول	یؤول
۴۸۰	۹	من سلم	مَنْ أَسْلَمَ
۴۸۱	۴	«وکلا»	«وَكُلًّا»
۴۸۴	۱۱	الدوابر	الدَّوَابِر
۴۸۸	ما قبل آخر	بااعدادین	با اعداء دین
۴۸۹	۱۵	«وما نزل»	«وَمَا نَزَّلَ»
۴۹۹	۲	جعفرین محمد-	گاه مقصود میبُدی رحمة الله علیه از جعفرین محمد، صوفی مشهور جعفرین محمد خُلدی است و خواننده گرامی مقصود را به قراین حالی و مقالی خواهد دانست که کیست
۴۹۹	۴	فقل ما	فَقَلِّمَّا
۵۰۰	۹	و الحديد	الحديد
۵۰۶	۸	است ، روی	است روی
۵۰۶	۱۴	حسابت	? شاید: حساب یعنی شمردن مناقب و صفات عالیه؟
۵۰۶	۲۰	آلاء برینده	نمی دانم ؟ نمی دانم
۵۰۷	۱۷	طلعه	طَلَعَهُ
۵۰۸	۷	مکتوبه	مَكْتُومَةٌ

جلد دهم

ص	س	فادرست	درست
۴	۲۰	حُرْمَتِ	حُرْمَتِ
۵	۲	حُرْمَتِ	حُرْمَتِ
۵	۱۲	لِيخْفِي عَلَيَّ	لِيخْفِي عَلَيَّ
۶	۴	وَ أَظْهَرَ	وَ أَظْهَرَ
۸	آخر	طَاوِئِينَ	طَاوِئِينَ (از طَوَى است نه از طَوء)
۹	۱۱	يُحَادُونَ	يُحَادُونَ
۱۰	۸	ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ	ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ
۱۱	۶	هُوَ نَجِيٌّ وَ أَنَا نَجِيَّةٌ	هُوَ نَجِيٌّ وَ أَنَا نَجِيَّةٌ
۱۲	۷	فَيَحْرُزُهُ	فَيَحْرُزُهُ
۱۸	۱۰	تَوَسَّعُوا إِلَيَّ	تَوَسَّعُوا إِلَيَّ
۱۸	۱۵	تَفَسَّخُوا	تَفَسَّخُوا
۱۸	۲۲	أَيُّ يَفْسَحُ	أَيُّ يَفْسَحُ
۲۰	۱۱	أَوْ يَعْلَمُهُ	أَوْ يَعْلَمُهُ
۲۱	۱۸	وَ إِعْطَاؤُهُ	وَ إِعْطَاؤُهُ
۲۳	۱۳	وَ صَدَّوْا الْمُؤْمِنِينَ	وَ صَدَّوْا الْمُؤْمِنِينَ
۲۴	۲	مَائِلًا شَدَّتْهُمْ	مَائِلًا شَدَّتْهُمْ
۲۴	۱۵	غَلَبَةُ الرُّسُلِ	غَلَبَةُ الرُّسُلِ
۳۱	۹	فَالشَّمْسِ	وَ الشَّمْسِ
۳۲	۶	رَأْيَةٍ	رَأْيَةٍ
۳۷	۱۳	عُرْنِيَةِ	عُرْنِيَةِ

ص	س	فادرست	درست
۳۹	۹	المشمصات	المُتَنَّمَّصَاتُ
۳۹	۱۵	والمشمصة	والمُتَنَّمَّصَةُ
۳۹	۱۶	والختم و النُقرو	و الخنتم و النُقیر و المُرقت
۳۹	۲۲	المزفت اتقوا علیّ بهذه الآیه من	أتقرأ علیّ بهذا آیه من
۴۰	۱۶	ديده بكا	ديده بكاء
۴۳	۱	«والذين تَبَوَّؤا الدار»	«والَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ»
۴۶	۱۹	خمسمائة عام	خمسمائة عام
۴۶	۲۰	«والذين تَبَوَّؤا الدار»	«وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ»
۴۹	۱۷	«والذين تَبَوَّؤا الدار»	«وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ»
۴۹	۱۹	فسببتموهم	فَسَبَّبْتُمُوهُمْ
۵۰	۱۰	عبدالله بن ابی	عبدالله بن أُبَيّ
۵۱	۱۳	فيما بينهم شديد. إذا تحاربوا فامّا	فيما بينهم شديد إذا تَحَارَبُوا فَاِمَّا
۵۵	۱۴	ما فيه النجاة انفسهم	ما فِيهِ النُّجَاةُ لَأَنْفُسِهِمْ
۵۵	آخر	تشقق	تَشَقَّقَ
۵۶	۱	الزجاج	الزَّجَّاجِ
۵۶	۱۱	الاعيان ولا مستحق	الأَعْيَانِ، وَ لَا مُسْتَحَقًّا
۵۶	۱۴	على ايجاد	عَلَى الْإِيجَادِ
۵۶	۱۷	منه. السلامه	مِنْهُ السَّلَامَةُ
۵۸	۲۱	دينار درم	دِينَارٌ وَ دَرَمٌ
۶۰	۱۰	«والذين تَبَوَّؤا الدار...»	وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ...»

ص	س	فادرست	درست
۶۷	۱۸	ما كذبتنا	ما كذبتنا
۶۸	۱۲	عثمان عفان	عثمان بن عفان (در جمله عربی است و اضافه بُنوت جایز نیست)
۶۸	۲۰	خرجتم اوطانكم	خَرَجْتُمْ مِنْ أَوْطَانِكُمْ
۶۹	۱۵	«يوم القيمة يفصل بينكم»	«يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ»
۶۹	ما قبل آخر	برَاءُ	بُرءَا (کتابت مصحف شریف) (= بُرءَاؤُ)
۷۰	۷	وعدها اياه	وَعَدَهُ إِيَّاهُ
۷۲	۱	بنی مدیح	بَنِي مُدَلِّجٍ
۷۴	۴	حيث	حَيْثُ
۷۴	۶	يستردها	يَسْتَرِدُّهَا
۷۶	۲۱	يختلقنه	يَخْتَلِقُنَّهُ
۷۷	۳	و حمش الوجه	و حَمَشَ الْوَجْهَ
۷۷	۷	لم امسكى	لَمْ أَمْسِكْ
۸۲	۱۳	بربازرگانی	بِرَبَّازِرْغَانِيَّةٍ
۸۳	۲۰	به «بسم الله الرحمن الرحيم»	«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
۸۵	۱۴	اشدّ اى	أَشَدُّ أَيَّ
۸۵	۱۸	و يدعوا عن التباطؤ	نمی دانم يدعوا مصحف چه کلمه است چون مقام مقتضی مثلاً: ينهى يا يُحذِرُ و امثال آن است. يقول: لولا شيوخ (الحديث القدسي الشريف) يَسْتَقْبِهِمْ (حجر: فَاضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ... الآية)
۸۶	۱	يقول: الشيوخ...	
۸۶	۱۵	يسقبهم	
۸۶	۱۸	فيراہ الله	فَبَرَّاهُ اللَّهَ
۸۷	۳	بنصرى	بِبُصْرَى
۸۹	ما قبل آخر	الحوارى	الْحَوَارِيُّ

ص	س	فادرست	درست
۹۱	۲۰	فاستحیی	فَاسْتَحِ
۹۵	۱۰	عَمَّا يَخْلُوهُ	عَمَّا نَحْلُوهُ
۹۵	۱۳	دعا من لایعید	دُعَاءَ مَنْ لَا يَعْبُدُ
۹۵	۲۰	لیمازوا عنهم	لِيُمَارَؤُوا عَنْهُمْ (ماز و أماز و مَیَز و امتاز) قاموس
۹۶	۵	بِآخِرَةِ	بِآخِرَةِ
۹۷	۱۲	الملك سَجَر	؟ نمی دانم (الملك سنجر؟)
۹۷	۱۸	بلاغه حجة لاهل	بِلاغَةُ حُجَّةٍ لِأَهْلِ زَمَانِهِ وَ مَنْ بَلَغَ
۹۹	۱۲ و ۱۶	اول جمعة جمعت	أَوَّلُ جُمُعَةٍ جُمِعَتْ
۹۹	۱۷ و ۱۲	فأما اول جمعة جمعها رسول الله (ص)	فَأَمَّا أَوَّلُ جُمُعَةٍ جُمِعَتْ رَسُولُ اللَّهِ (ص)
۹۹	۲۲	ما بينه و بين يكفه الله	ما بينه و بين الله، يكفه الله
۱۰۰	۴	اول جمعة جمعت	أَوَّلُ جُمُعَةٍ جُمِعَتْ
۱۰۰	۲۱	و الضيعة	و الضَّيْعَاتِ (... المعایش: قاموس)
۱۰۱	۲۱	اول جمعة جمعت	أَوَّلُ جُمُعَةٍ جُمِعَتْ
۱۰۲	۵	آواه المبيت	آوَاهِ الْمَبِيتِ
۱۰۲	۱۵	عليه هيات	عَلَيْهِ هَيْئَةٌ - يَا: عَلَيْهِ هَيْئَةٌ
۱۰۴	۷	فضاً	فَضْلاً
۱۰۴	۱۱	فيجتمعونى	فَيَجْتَمِعُونَ
۱۰۵	۳	فصل	فَصْلاً
۱۰۵	۹	فانفضوا	فَانْفِضُوا
۱۰۵	۲۲	ای - تنفضوا	ای - لَا تَنْفِضُوا

ص	س	فادرست	درست
۱۰۷	۵	نفحات	نفحات
۱۱۰	۹	اجلّ	أجلّ
۱۲۱	۲	اعاذنا الله وإيانا؟	أَعَاذَنَا اللهُ وَإِيَّاكُمْ
۱۲۸	۱۶	«ثم لتنبؤن...»	«ثُمَّ لَتَنْبِئَنَّ...»
۱۲۹	۲۳	من الهدوء	من الهدوء (مهموز است)
۱۳۰	۱۲	قد فقّهوا في الدين هم	قَدْ فَقَّهُوا فِي الدِّينِ، هَمًّا
۱۳۰	۱۸	بجهلهم إياكم	ظ: بِجَهْلِهِمْ إِيَّاكُمْ
۱۳۰	۲۳	اتركت دين آبائك	أَتْرَكَتَ دِينَ آبَائِكَ
		الشّم العلى	أَتْرَكَتَ دِينَ أَبِيكَ وَ الشُّمُّ العُلَى (الإصابة: أصيد بن سلمه
		من ذرابة	من ذرابة هاشم (والذوابة من كل شيء أعلاه و أشرفه و يقال هو من ذوابة القوم: أى من أشرفهم، قاموس و تاج العروس)
۱۳۱	۵	-	حذف شود
۱۳۱	باورقی شماره (۲)	«يضاعفه لكم»	«يُضَاعِفُهُ لَكُمْ»
۱۳۲	۱۲	لقيت ما سآنى	لَقَيْتُ مَا سَاءَ نِي
۱۳۴	۲۱	صآل على الصدور	صَالَ عَلَى الصُّدُورِ
۱۳۴	۲۳	بغایت و اختیار	بِعْنَايَةِ وَ اخْتِيَارِ
۱۳۴	آخر	اوست	بِعْنَايَةِ وَ اخْتِيَارِ اَوْسْتِ
		«نفسى و لم نجد	«نَفْسِي وَ لَمْ نَجِدْ
۱۳۵	۲	«فامسكو هنّ	«فَأَمْسِكُوا هُنَّ
۱۳۶	۱۵	«و اشهدوا	«وَ أَشْهَدُوا
۱۳۶	۱۶	«ليثفق ذوسعة	«لِيُثْفِقَ ذَوْسَعَةَ
۱۳۷	آخر	الصالحا	«لِيُثْفِقَ ذَوْسَعَةَ الصَّالِحَاتِ
۱۳۸	۱۷		

ص	س	فادرست	درست
۱۳۹	۱۹	«واحصوا العدة»	«و أخصوا العدة»
۱۴۰	۶	عمر بن خطاب	عمر بن الخطاب
۱۴۱	۹	ان تبدو على اهل	آن تَبْدَأُ عَلَى أَهْلِ (بَدَأَ يَبْدُو كَمَنْعَ يَمْنَعُ - بدزبانی کند و دشنام دهد)
۱۴۲	۱۵	إِلَّا مَدَّ	إِلَّا مَدُّ»
۱۴۳	۱۱	يهد قلب	يَهْدِي قَلْبَهُ
۱۴۳	ما قبل آخر	ومبرا	و مُبْرَأً
۱۴۴	۱۱	اتاه اليس	أَتَاهُ الْيُسْرَى فِي
۱۴۴	ما قبل آخر	فانفقوا	فَأَنْفَقُوا
۱۴۵	۱۲	فانفقوا	فَأَنْفَقُوا
۱۴۵	۱۳	والمسوخ	و الْمَسْخُوحِ
۱۴۵	۱۹	«فان ارضعن لكم»	«فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ»
۱۴۷	۱۲	و يستهدون الضياء	و يَسْتَهْدُونَ الضِّيَاءَ ؟ (استهدى معنای مناسبی در این مقام ندارد استهدى أى استضعفه، قاموس)
۱۴۸	۴	للبدعه	لِلْبِدْعَةِ
۱۴۸	۱۹	ولا تطلقوا	وَلَا تُطَلِّقُوا
۱۴۸	پاورقی شماره (۳)	حذف شود	رسید، برسید درست است - برسید بمعنای تمام شد و پایان یافت، است
۱۵۰	۱	هحرتنا	هَجْرَتْنَا
۱۵۱	۱۴	شرح	شَرَحَ
۱۵۸	۲۲	بان سرگما	بِأَنَّ سَرَّكُمَا
	۱۱		

لائِه یَسِیحُ	لائِه یَسِیحِ		۱۵۹
درست	فادرست	س	ص
المؤمن واه	المومن واه	۱۳	۱۶۰
؟ غمی دایم، شاید: و لا یُسَوِّرُهُ، سَوَّرَ به فعل به ما یُسْتَحِی منه (قاموس)	ولا یسوره	ما قبل آخر	۱۶۰
جوازههم	جوارهم	۵	۱۶۱
انَّ اتَّصَلَهُنَّ	ان اتصاھن	۱۷	۱۶۱
أَنْبِیَاءَ	انبیاء	ما قبل آخر	۱۶۱
مهر ما در دل	مهر مادر در دل	۳	۱۶۵
ظ: هی الْمُنْجِیَةُ	هی المخیبة	۱۹	۱۷۰
لا تَمُرُّ بِشِیْءٍ	«تَمُرُّ بِشِیْءٍ»	۱۰	۱۷۱
مستویة	مستویة	۵	۱۷۲
لثلاثة	لثلاثة	۲۰	۱۷۲
یُنذِرْکُمْ	یندرکم	۱۱	۱۷۳
أَدْلُ	اذلّ	۲	۱۷۴
هذا الکافر	هذا الکافرین	۱۵	۱۷۴
كَالْحِدَاةِ وَ التَّنَسَّرِ (اگر احتمالاً به صیغه جمع باشد: کَالْحِدَاةِ)	کالحداء و التسر	۱۴	۱۷۵
یَبِضُنَ	بیضن	۱۶	۱۷۵
تَمَادُوا	تماذوا	۳	۱۷۶
أَفْعَلْتَهُ فَأَفْعَلَ	أَفْعَلْتَهُ نَفْعَلُ	۱۳	۱۷۶
ذَكَرَهُمْ عَظِيمَ نِعْمَتِهِ	ذکرهم عظیم نعمته	۷	۱۷۸
و دل درایشان = دریشان	و دل درویشان	۱۱	۱۷۹

ص	س	فادرست	دورست
۱۸۳	۱۹	با نازوزیدست	هم چنین است در ترجمه آیات شریفه ۱۷ سوره طُور و ۸۹ سوره واقعه و ظاهراً «زید» در لغتنامه‌های
			فارسی - مهمل و متروک مانده است
۱۹۰	۱۳	وقال عطاء الاخنس	و قال عطاء : الأحنس
۱۹۲	۴	علی مصر	علی مُصر
۱۹۶	۲۱	فتسود	فَتَسَوَدُ
۱۹۷	۴	ثم تلويهم آلهتهم	ظ: ثم يَتْلُوهم يا تَتْلُوهم آلهتهم
۱۹۷	۲۱	و كلهم الى	و كلهم الى
۱۹۷	ما قبل آخر	من حيث لا يشعرون	آیا ازین عبارت کلماتی ساقط شده است؟
		فعدبوا يوم بدر	
۱۹۸	۱۳	و كسر رباعية	و كسر رباعية (رباعية على وزن ثمانية)
۱۹۹	۱	فجتبه	فأجتباه
۱۹۹	۷	فاتينا	فَأْتِينَا
۲۰۷	۱۹	مجاورتم	مُجاوَزْتهم
۲۰۷	۲۰	و العاقبة الخائبة	و العاقبة و الخائبة
۲۰۸	۸	جسم الجرح	حَسَم الجرح
۲۰۹	۲۰	من زاد.	من زاد
۲۱۱	۲۳ و ۲۴	فاخذ بيمينه واخذ بشماله	فاخذُ بيمينه و آخذُ بشماله
۲۱۳	۹۱	فبزول	فيزول
۲۱۴	۵	نوف البكائي	نُوف البكالى
۲۱۴	۱۶	او وداً اولاً ينتفع	أو وُداً، و لا يَنْتَفِعُ
۲۱۵	۹	قرآءت	قراءة
۲۱۵	۱۲	القرآءت	القرآءة

ص	س	فادرست	درست
۲۱۵	۲۱	فلماً	قلماً
۲۱۶	۲	ولو تحرض	ولو تخرص
۲۲۲	۱۵	هنگام	بهنگام
۲۲۵	۵	أولياه	أوليائه
۲۲۵	۱۹	خمسون موقعاً	خمسون موقفاً
۲۲۶	۲۰	لا يسأله	لا يسأله
۲۲۶	۲۳	يعرفون	يعرفون
۲۲۸	۶	في الخير	في الخبر:
۲۲۸	۶	و حين خالع	و حين خالع
۲۲۸	۱۷	الطواف	الطواف
۲۳۲	۶	بيغمبران گذشته	بيغمبران گذشته را
۲۳۲	۱۹	إلا وكان	ألا وكان
۲۳۳	۸	نال في	قال في (از قيلوله)
۲۳۴	۱۲	و يؤخركم	و يؤخركم
۲۳۴	۱۴	لا يؤخر	لا يؤخر
۲۳۵	۸	يرسل السماء	يرسل السماء
۲۳۷	۲۲	يجوزون	يُحَرِّزُونَ؟
۲۳۸	۱	استوصلتم	استوصلتم
۲۳۹	۵	لقد طبت المطر	أقد طلبت المطر
۲۳۹	۱۹	«خَلَقَهُمْ اطواراً»	«خَلَقَكُمْ أطواراً»
۲۴۰	۹	«ثم يعيدكم فيها عند الموت و يخرجكم	«ثم يعيدكم فيها» عند الموت «و يخرجكم إخراجاً»

حیال الرکن	اخراجاً جبال الرکن	۱۶	۲۴۱
درست	فادرست	س	ص
ظاهراً بعد از «من جانب» کلمه‌ای افتاده است مثلاً شاید: و يُخْرَقُونَ من جانبِ سَيْفِجِرٍ وَّ يَكْفُرُ «كَذَّبُوا الرَّسُولَ أَغْرَقْنَاهُمْ» و لم يوجد التکذیب من الأطفال	کانوا یغرقون من جانب و قال سيفجر و یکفر «کذبوا الرسل اغرقناهم و لم يوجد التکذیب من الاطفال»	۳و۲ ۹ ۱۴	۲۴۲ ۲۴۲ ۲۴۲
از: لَمْ یَكُنْ مُمَّ كَان باید هوداً با حروف معمولی دیگر کلمات چاپ شود- اسم خاص، هود پیغمبر(ص) نیست = هوداً = یهودیان	ان لم یکن ثم کان کانوا هوداً	۹ ۳	۲۴۴ ۲۵۱
مع أبی وَ قَدْ سُدْنَا و قیل أن لَن تَبَّکَّیْهِ إِلَّا کُلُّ رَفِیعٍ یَصْعَدُ حین	مع الابی و قد سدنا و قیل: ان له تبکیه الاکل رفیع یصعد حبن	۲۲و۲۳ ۴ ۷ ۱۳ آخر ۲۲ آخر	۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۳ ۲۵۳ ۲۵۳ ۲۵۵ ۲۵۶
مُدْخَلًا (لویجدون ملجاءاً أو مغارات أو مُدْخَلًا...) سوره توبه ما مُلِّکْتُ	مدخلاً ماملکت	۲۱ ۱	۲۵۷ ۲۵۸

ص	س	فادرست	درست
۲۶۰	۶	و سادۀ	وسادۀ
۲۶۴	۷	«و اخرون	«و آخرون
۲۶۴	۱۰	«و اقرضوا الله...»	«و اقرضوا الله...»
۲۶۷	۱۰	و وطأ	و وطأ
۲۶۷	۱۲	تهدا	تهدا
۲۶۷	۱۹	هداة الناس	هداة الناس
۲۶۸	۱۰	صدقة تبلة	صدقة بتلة
۲۷۲	ما قبل آخر	در اظهر	شاید در اظهر
۲۷۵	۶	كما صبروا والعزم	كما صبروا والعزم
۲۸۰	۱۸	فانزل الله	فانزل الله
۲۸۱	ما قبل آخر	ولا تقرّبها	ولا تقرّبها
۲۸۱	آخر	وكل ما يقضى الى العذاب	وكل ما يقضى الى العذاب
۲۸۳	۲۰۱	عمارة	عمارة (قاموس) (ياعلى بن حمزة بن عمارة - أنت و الله ... شاهد نحاة
۲۸۵	۱۳	وابونهيكه يأتيه به من مسيلمة الكذاب	? شاید پیش ازین کلمات عبارتی ساقط شده است؟
۲۸۶	۱۱	في النار	من النار
۲۸۷	ما قبل آخر	خلج	خُلج
۲۹۰	ما قبل آخر	فيشفعني	ظ: فشفعني
۲۹۱	۱۵	حتى تنزل	حتى تنزل
۲۹۱	۲۰	فاتنا	فاتنا
۲۹۲	۱۹	تاخاك تو ازباك تو	«از باك تو» را نمی دانم چیست؟، از ترس تو؟

ص	س	فادرست	درست
۲۹۳	۳	شطیہ ای	شطیہ ای
۲۹۸	آخر	«والتفت الساق بالساق»	«والتفت الساق بالساق»
۲۹۹	۱	المساق...	المساق...
۳۰۱	۲	و بلاها	أنسب: و بلیها
۳۰۱	۱۱	أن نعبد	أن نُعیدَ
۳۰۲	۲۱	او منجاً	أو منجی
۳۰۴	ما قبل آخر	«فاذا قرأناه	«فاذا قرأناه
۳۰۷	۶	اذا مشیتیم المطیطاء	إذا مشیتیم المطیطاء (به وزن الحُمیراء - صحاح)
۳۰۷	۱۲	اقصعه ابنا عفراء	أصقعه ابنا عفراء (قاموس: برسرش ضربه زده بودند)
۳۱۴	ما قبل آخر	«وولدان»	«وولدان»
۳۱۷	۱۴	من تربة حفرة	من تربة حفرة كل واحد
۳۱۷	۶	نسعة اشهر	تسعة أشهر
۳۱۸	۲	و عرفناه	و عرفناه
۳۱۸	۲۱	طیبت	طیبت
۳۱۹	۸	اذا نذروا	إذا نذروا
۳۱۹	۱۳	و فرعة	و فرعت
۳۱۹	۱۴	و غارة	و غارت
۳۲۲	۲۰	أكل بعضی	أكل بعضی بعضاً، فاذن لها (حدیث ۳۹۴۸۱ و ۳۹۴۸۲)
۳۲۳	۷	بعضاً، فنفسی فاذن	قال مجاهد: ارضی
۳۲۳	۱۷	ارض الجنة	قال مجاهد: ارض الجنة؟
۳۲۳	۱۷	على قدر ربهم	على قدر ربهم

ص	س	فادوست	دوست
۳۲۵	۱۴	و لم تَدُسُّهُ الارجل	و لم تَدُسُّهُ الأرجل (از داس یدوس است نه از دَسُّ یدسُّ که بمعنای پنهان کردن در زیر خاک است و فی الآیه: أم یدُسُّهُ فی الثُّراب: نحل: آیه: ۵۹)
۳۲۶	۸	لَمَّا فَرَضَ عَلَى النَّبِيِّ	لَمَّا فَرَضَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ (ص)
۳۲۶	۹	لَا طَانَ	لَا طَانَ
۳۲۶	۱۱	أَيُّ مِنْ أَجْمَلِهَا بِنَاتًا	ظ: إِن لِي مِنْ أَجْمَلِهَا بِنَاتًا
۳۳۴	۱۰	و عِيُون	و عِيُون
۳۳۵	۱۳	سِيْمَاهُمْ التَّلْحِيقِ	سِيْمَاهُمْ التَّلْحِيقِ
۳۳۸	۶	ثُمَّ بَعْدَ إِجْبَابِ الْوَيْلِ	ثُمَّ بَدَأَ إِجْبَابَ الْوَيْلِ (ظاهرأ بعد زاید است)
۳۳۹	۱۹	اغِيرَان	غِيرَان و يا از، غِيرَان (غیران جمع غور زمین گود بی حاصل) و شاید: و غیر آن
۳۴۰	۴	نَهْرِيْلَخ، وَهِي	ظ: نهر بلخ، و الفرات و هِي
۳۴۸	۱	«مَاءٌ سَجَا جَا»	«مَاءٌ نَجَا جَا»
۳۴۸	۱۰	«وَوَسَّيْرَتِ الْجِبَالِ»	«وَوَسَّيْرَتِ الْجِبَالِ»
۳۴۸	۱۹	«وَوَكْذَبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا»	«وَوَكْذَبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا»
۳۴۹	۵	«وَلَا كِذَابًا»	«وَلَا كِذَابًا»
۳۵۰	۷	لَعَطْتُمْ	لَعَطْتُمْ
۳۵۲	۲۱	بِدَائِكُمْ	بِدَائِكُمْ
۳۵۴	۱۳	لِكُلِّ عَبْدٍ مَا بَيْنَ	لِكُلِّ عَبْدٍ مَا بَيْنَ
۳۵۶	۱۳	مَصْدَرُ كَاذِبٍ	مَصْدَرُ كَاذِبٍ
۳۵۷	۲	جَوَارِي	جَوَارِي
۳۵۷	۳	نَتَانُوهُ الْكَعْبِ	نَتَانُوهُ الْكَعْبِ
۳۶۰	۶	تَجَمَّلُ عِبَادَهُ	تَجَمَّلُ عِبَادَهُ (=تَتَجَمَّلُ)

ص	س	فادرست	درست
۳۶۰	۷	تزين خدمه	تَزِينُ خُدْمَهُ (= تَتَزِينُ)
۳۶۰	۷	لايتجمل	ظ: ولا يَتَجَمَّلُ
۳۶۰	۸	زنية العارفين	زينة العارفين
۳۶۰	۱۹	هستما	ظ: همتا
۳۶۳	-	-	در كلمات شريفه النازعات / التاشطات / السَّابِحَاتِ / السَّابِقَاتِ / المَدْبِرَاتِ بايد علامت جرّ - گذاشته شود
۳۶۹	۱۶	تجارة رائحةى - ذات ریح	تجارة رابحة أى ذات ریح
۳۷۲	۱۵	يذكره الله	يُذَكِّرُهُ اللهُ
۳۷۲	۱۶	قيل، يذكره كتاب الحفظة	قيل: يُذَكِّرُهُ كِتَابُ الحِفْظَةِ
۳۷۲	۱۹	جاوز الحدّه	جَاوَزَ الحَدَّ
۳۷۵	۱	خليفة	خليفة
۳۸۱	۷	مشغول فكره ذلك. رسول الله	مشغول، فِكْرُهُ ذَلِكَ رَسُولُ اللهِ
۳۸۳	۱۴	كرمه و كرمه	كِرْمُهُ (كِرْمُهُ زايداست)
۳۸۶	۷	والارز	والأرزة
۳۸۸	۱	و النظرة	و النَّظْرَةُ
۳۸۸	۱۷	ظهور	ظُهُور
۳۹۸	۱۶	فبمناً	فَبِمَنْى
۳۹۸	۲۰	فى التّجوم	فى التَّجُومِ
۴۰۳	۸	برزبر اوکنند	بر زبر أوکنند (= افکنند)

و أُثِرَتْ مَحَلُّ التَّقْرِيعِ لَا يَمْلِكُ ... كَمَا مَلَكَهُمْ	و أُيْثِرَتْ مَحَلُّ التَّقْرِيعِ لَا يَمْلِكُ ... كَمَا مَلَكَهُمْ	١ ما قبل آخر ١٣ و ١٤	٤٠٥ ٤٠٥ ٤٠٧
دِرْسْت	فَادِرْسْت	س	ص
يُذِنِي الْمُؤْمِنَ إِلَى حِقْوِيهِ «رَأَى عَلَى قُلُوبِهِمْ» وَعَلَى أَرَائِكِ الْقَرِيبَةِ أَمْرَ اللَّهِ تَعَالَى «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» (آیه ٨٠ سوره نساء)	يَدِنُ الْمُؤْمِنَ إِلَى حَقْوِيهِ «رَأَى عَلَى قُلُوبِهِمْ» و«عَلَى أَرَائِكِ» الْقَرِيبَةِ أَمْرًا لِلَّهِ تَعَالَى «وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِيظًا»	٥ ما قبل آخر ٧ ٧ ١٣ ٨	٤٠٩ ٤١٤ ٤١٦ ٤١٨ ٤١٨ ٤٢٠
نَهْدٌ خَرَيْتُمْ ثُمَّ خَزَوْرًا (خَزَوْرٌ كَعَمَلُ السِّغَامِ الْقَوِيُّ: قَامُوسٌ)	نَهْنِدٌ خَرَيْتُمْ ثُمَّ خَزَوْرًا	١٠ ٤ ١٠	٤٢٢ ٤٢٣ ٤٣٠
طَارًا مُسَبِّطْرًا مُخْتَطًّا	طَارًا مُسَبِّطْرًا مُخْتَطًّا	٤ ٤ ٥	٤٣٠ ٤٣٠ ٤٣٠
مُصَدِّعًا؟ از «صُدِّعَ» (در قاموس و لسان و تاج نه در (ع) نه در (غ) چنین کلمه‌ای به چنین معنایی نیامده است و نیز در آمالی قالی ٣/٣٨ - و فقه اللغة ثعالبی ٨٣-٨٠ که بدین موضوع پرداخته شده این کلمه نیامده است)	مَصْدَعًا	٥	٤٣٠
صُمَّلًا (صُمَّلٌ كَقَتْلٍ: تَاجٌ)	صُمَّلًا	٥	٤٣٠

ص	س	فادرس	درست
۴۳۰	۷	صفتانا	صِفَتَانَا
۴۳۳	آخر	وبزوزبور	بزر و زیور
۴۳۷	۱۴	«فی لوح مَحْفُوظِ»	«فی لَوْحِ مَحْفُوظٍ»
۴۴۲	۱۰	حسن القراءت	حَسَنُ الْقِرَاءَةِ
۴۴۲	آخر	فکتب عن	فَكْتَبَ أَنْ
۴۴۸	۸	عبدالله ابی	عبدالله اُبی
۴۵۱	۴	هند بنت عتبه:	هند بنت عتبه یوم اُحد:
۴۵۱	۵	یوم احد نحن بنات ...	نحن بنات طارق نمشی علی التمارق (بیت شعراست)
۴۵۱	۱۴	«ان کل نفس»	«ان کُلَّ نَفْسٍ»
۴۵۲	۱۴	الماء الاحلیل	الماء اِلی الاحلیل
۴۵۲	۲۲ و ۲۱	و لم یصل	لم یصل
۴۵۲	۲۲	من اداها	مَنْ اَدَّاهَا
۴۵۲	ما قبل آخر	یبدیء الله	یُبْدِئُ اللهُ
۴۵۴	۲۲	«ان کل نفس»	«ان کُلَّ نَفْسٍ»
۴۵۶	۱۳	العابدون الجاهدون»	العابِدُونَ الْجَاهِدُونَ» (توبه آیه ۱۱۲)
۴۵۷	آخر	پس آنکه نمیرد که رهد و ...	پس آنکه نه میرد که رهد و ...
۴۵۸	۱۵	ابی بن کعب	أَبِي بِنِ كَعْبٍ (ازین صفحه به بعد همه جا نام اُبی بن کعب رض بصورت ابی کعب چاپ شده که همه باید اصلاح شود یعنی در صفحات: ۴۶۸/۴۷۸/۴۹۶ / ۵۰۵/۵۱۱/۵۲۲/۵۵۷/۵۶۰/۵۸۴ / ۵۹۱/۵۹۸/۶۰۴/۶۰۵/۶۰۸/۶۲۴/۶۳۶/۴۶۷ و ۵۴۲/ که در همه این صفحات باید صحیحاً اُبی کعب

ص	س	فادرست	درست
۴۵۹	۲۲	عَدَلَ	يا أُبَيُّ بن كعب باشد. عَدَلَ (: فَعَدَلَكَ ۷ انقطاع)
۴۶۰	۱۹	آية كان ان	آية كاد أن
۴۶۱	۱	ولآيتان	ولآيتان
۴۶۲	آخر	للاشقين	لِلاشقين
۴۶۳	۷	و زريت	و زويت
۴۶۳	۲۱	يوثر بعدها	يُوتِرُ بعدها
۴۶۴	۱۲	مصطفى (ص) بر	مصطفى (ص) را بر خصوص
		خصوص	
۴۶۹	۲۲	شوك لاطي	شوك لاطي
۴۶۹	۲۳	«يرفعه الصريع شيء»	يرفعه: الصريع شيء
۴۷۰	۵	اذا غصوا	إذا غصوا
۴۷۱	۱۳	التي سبكتها	التي سَمَكُها (يعني ارتفاع آن)
۴۷۲	آخر	مع بعد المسرى	مع بُعِدِ الْمَسْرَى ^۱
۴۷۳	۱	والاماني كثيرة	و الأمانى كثيرة
۴۷۴	ما قبل آخر	در طبل پيرزنان	در طبله پيرزنان
۴۷۷	۲	ربى أكرمى	ربى أكرمى
۴۷۷	۳	و اما اذا	و أما إذا
۴۷۷	۴	ربى آهانى	ربى آهانى
۴۷۷	۷	«ولا تحاضون على...»	«ولا تحاضون على...»
۴۷۸	۲۱	وقت الفجار	وقت انفجار
۴۷۹	۶	عنه السنة	عنه السنة

(^۱) يا: من أبعِدِ الْمَسْرَى، معجم الأدباء جلد ۳ ص ۳۲۰.

ص	س	فادرست	درست
۴۷۹	۱۲	لا إِلَهَ عِوَرَجِهه	لا إِلَهَ مِنْ عَفَرٍ وَجَهَهُ
۴۷۹	۲۱	بایا مهافما	بأیامها، كما
۴۸۰	۱۰	«واللیل اذا یسری»	«واللیل إذا یسر» (رعایت کتابت مصحف شریف)
۴۸۱	۸	رأى عظم	رئى عظم
۴۸۱	۱۴	الغیث و الکلا	الغیث و الکلا
ص	س	فادرست	درست
۴۸۴	۷	و یقون	و یقوون
۴۸۶	۶	الی الماشطة	إلى الماشطة
۴۸۶	۱۵	و توثبوا	و توثبوا
۴۸۶	۲۰	من فوق	من فوقهم
۴۹۰	۷	یملك	بملك
۴۹۱	۲	بین	بین
۴۹۲	آخر	وادعوا ربی فائهم عدو	و أذعوا ربی «فائهم عدو لی... (از دو آیه است)
		لی ...	
۴۹۵	۱۸	«و ما أدریک...»	«و ما أدریک...»
۵۰۰	۱۹	و یوتون کتبهم	بهتر: و یوتون کتبهم (بصیغه مجهول)
۵۰۱	۱۹	«فائک باعیننا الذی	«فائک باعیننا الذی... (از دو آیه است)
۵۰۶	۱۷	«قد افلح من ذکیها»	«قد افلح من ذکیها»
۵۱۰	۱۶	«و ما یغنی...»	«و ما یغنی...»
۵۱۲	۶	متباعد	متباعدا
۵۱۳	۱۲	لاتزالها کذا	لاتزالها کذا
۵۱۳	۱۷	ان بلا لا یعذب	ان بلا لا یعذب
۵۱۵	۲	جنت	جنت
۵۱۶	۱۰	ولا یسیر صلی لها	ولا یسیر صلی لها
۵۱۷	۳	شهیذا یوم القیامة	ظ: شهیذا یوم مَعُونَة یا شهیذا بیتر معونة

ص	س	فادرست	دورست
۵۱۷	۱۵	بیرمعوته «الّا ابتغاء وجه...»	«إلّا ابتغاء وجه...»
۵۱۷	۱۷	والكرامة جزا على	والكرامة جزاء على
۵۱۷	۱۸	و لابی بكر هاهنا	ظاهراً پس از هاهنا کلمه‌ای یا جمله‌ای افتاده است
۵۱۷	۲۱	و لم تنفطر الدموع	و لم تنفطر الدموع
۵۱۸	۱	تا رأیت	تا، رأیت
ص	س	فادرست	دورست
۵۱۸	۱۹	الاتدخلا	ألا، قد خلا
۵۱۸	۲۱	والعصاة	و العصاة
۵۲۲	۱۱	اصحاب الهكف	أصحاب الكهف
۵۲۲	آخر	وانتم لا تتقون	وانتم لا تتقون
۵۲۴	۳	قال النبي (ص) : إذا	قال النبي (ص) إذا
۵۲۵	۵	و العجمی	و العجماء
۵۲۵	۶	لايتم	لايتم (= یعنی یتیمی)
۵۲۸	۱۹و۳	فاويتنی و «اوی»	فاويتنی / و «اوی»
۵۲۹	۱۱	سمى بفيض الله	سمى بفيض الله
۵۳۲	۵	«ولسوف يؤتيك ربك...»	«و لسوف يعطيك ربك...»
۵۳۴	۱۴	تحمل اعياء النبوة	تحمل اعباء النبوة (جمع عبء: بارسنګین)
۵۳۵	۸	للتأكيد الوعد	لتأكيد الوعد
۵۳۵	۱۷	مقللاً محفأً	مقللاً مخفأً
۵۳۵	آخر	تاسية	تأسيه
۵۳۶	۱۴	وان من الكرب	و إن مع الكرب
۵۴۲	۲۱/۱۹/۱۸	باج آيات	تاج آيات
۵۴۴	۱۲	قال الفراء	قال الفراء

ان کان - ان کذب	۱۷ و ۱۵	۵۴۸
حتی فجیئه الحق	۱۴	۵۴۹
المی از زبان محب	۲	۵۵۴
لو علق طلاق	۷	۵۵۹
حتی یضیء فجؤها	۱۲	۵۶۱
فینزل جبرئیل	۲۳	۵۶۲

ص	س	فادرست	درست
۵۶۹	آخر	من التراب	من التواب
۵۸۶	۱۹	وايثرما في القيور	وَأُثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ
۵۹۸	۱۶	لا تبغى اليهما	لَأَتَّبَعِيَ إِلَيْهِمَا
۶۰۱	۵	مالك بن التهان	مالك بن التيهان
۶۰۵	۷	اذا عمر في	إذا عُمِرَ فِي
۶۰۵	۸	و هُرم	و هَرَمَ
۶۰۷	۸	گفتی بکنم کارتو بنوا فردا	گفتی بکنم کار تو فردا بنوا
۶۰۹	۱۰	الذين اذا رأوا...	ظاهراً پس از رأوا و پیش از ذکر الله کلمه‌ای یا جمله‌ای ساقط شده است - تخريج صدر حديث هم میسر نشد و الله أعلم.
۶۱۰	آخر	أدُم و ادم	أدُم و آدم
۶۱۱	۱۰	الانسان مصون	إِلَّا لِسَانٌ مَّصُونٌ
۶۱۳	۳	و لم ينهنها معز	؟ و لم ينهنها مفر؟ نمی داتم
۶۱۵	۳	اضخمه	أضحمه (قاموس و عموم تواریخ)
۶۱۵	۷ و ۴	أرباط	أرباط
۶۱۸	۱۳	و محالم عدوا	عَدَوا: (یعنی فردا-تاریخ طبری- تاج العروس)

و قبلتنا، فأمرنا بذلك	و قبلتنا فأمرنا بذلك	١٤	٦١٨
لِيَبْنِيهَا	ليبيتها	١٤	٦١٩
«كَعَصْفِ مَأْكُولٍ»	«كعصف المأكول»	١٥	٦٢٠
لَمَّا أَقَامُوا الدِّينَ	لما أقاموا الدين	٣	٦٢٧
يَدْعُ الْيَتِيمَ (قرائت شواذ را تفسیر فرموده است رك	يَدْعُ الْيَتِيمَ	٧	٦٣٠
ص ٦٣١)			
فَقَرَعَهُ بِالْعَصَا	فَقَرَعَهُ بِالْعَصَا	١	٦٣١
عبدالله أبي سلول (با دو اضافه بُنُوْت)	عبدالله ابي سلول	٢	٦٣١
دوست	فادرست	س	ص
لأنه يكذبُ بالجزء	لانه يكذب بالجزء	٢٠	٦٣١
إِنْ صَلَّاهَا صَلَّاهَا يَا إِنْ صَلَّاهَا صَلَّاهَا	ان صلاها صلاها	٧	٦٣٢
مَحْجَّةٌ وَسَطَىٰ وَ عُرْوَةٌ وَتَقَىٰ	مَحْجَّةٌ وَسَطَىٰ وَ عُرْوَةٌ وَتَقَىٰ	ما قبل آخر	٦٣
إِذْ، أَعْفَىٰ إِغْفَاءً	اذا غفى اغفاءً	١٦	٦٣
قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ فَأَمْرٌ أَنْ يُصَلِّيَ	قبل أن يصلي فأمر أن يصلي	٧	٦٣٨
	يصلي		
تَعَالَىٰ أَنْ يُصَلِّيَ	تعالى ان يصلي	٨	٦٣٨
واتل بن حُجر: (اصابه ٩١٠٠)	واتل بن حُجر	١١	٦٣٨
عَنِ الْيَمْنَىٰ	على اليمنى	١٤	٦٣٨
فَأَلْتَقَىٰ	فالتقينا	٢١	٦٣٨
وَكَانَ قَدْ تَوَقَّىٰ	وكان قد توفى	٢٣	٦٣٨
لَمَّا تَوَقَّىٰ	لما توفى	٢	٦٣٩
من الشَّرَابِ الطَّهُورِ مَخْمُورٍ	من الشَّرَابِ الطَّهُورِ؟ مَخْمُورٍ	١٦	٦٣٩
بَيْنَ كَثْفَيْ	بين كتفى	٤	٦٤١
كقولہ سبحانہ: «إِنَّهُ لَنْ...»	كقولہ: «سبحانہ اِنَّه لن...»	١٩	٦٤٣

احبسه بمصیق الوادی	احبسه بمصیق الوادی	۹	۶۴۹
لا یحمد غیره	لا یحمد غیره	۱۷	۶۵۱
بآخره	بآخره	ما قبل آخر	۶۵۱
تریدان تغیر علیکم	تریدان تغیر علیکم	۵	۶۵۷
نه آنجا میل است (یعنی انحراف و به یکطرف مایل شدن)	نه آنجائیل است	۹	۶۵۹
فتصلی	فتصلی	۱۷	۶۶۱
للحظی، حظاً	للحظاظ	۱۰	۶۶۳
درست	فادرست	س	ص
یقوم علیه المائح	یقوم علیه المائح	۱۶	۶۶۸
و هوینفت و یرقی (می دمَد و افسون می خواند)	و هوینفت و یرقی	۱۰	۶۷۰
و عن قریب یرقی، یا: یرقی	و عن قریب یرقی	۱	۶۷۱
و الأباء	و الابراء	۴	۶۷۴
عند کل ختمة	عند کل ختمة	۱۲	۶۷۵

* * * *

بحمدالله و منه، با کلمه «أُفْتَحَ» شروع و با کلمه «ختمه» ختم شد بعون الله، باز نویسی آنچه را که به نظر قاصر خود، و در راه خدمت به قرآن مجید، «اصلاح اغلاط مطبعی»، تفسیر شریف نازنین عظیم القدر «کشف الاسرار و عُدّة الابرار» می شمرد، به دست بنده گنه کار پریشان روزگار احمد مهدوی دامغانی أصلح الله تعالی حاله و مآله و تقبل منه بکرمه العمیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين.

یکشنبه ۱۷ ربیع الأول ۱۴۲۶

روز میلاد سعادت بنیاد حضرت

رحمة للعالمین سید المرسلین و

میلاد مسعود حضرت اَبی عبدالله

جعفر بن محمد الصادق صَلَوَاةَ اللَّهِ
عليه و على آباءه الطَّيِّبين و
أبنائه المعصومين.

